

کارگران جهان متحد شوید!

# سنگار

۱۰۷

۲۸ صفحه

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال سوم - دوشنبه ۴ خرداد ۱۳۶۰ بهاء ۳۰ ریال

## در صفحات دیگر این شماره:

- وحدت اسلامی بلوچستان و توطئه ارتجاع محلی صفحه ۵
- زاکب سوردلف: تجسم انسان کمونیست صفحه ۷
- رزم زحمتکشان! محله ایبوردی! پرخروش باد! صفحه ۹
- روشنفکران و جنبش کمونیستی صفحه ۱۳
- بحران سرمایه‌داری دریوکلاوی صفحه ۱۹

### اعتصاب غذا در زندان کارون اهواز

۲۶ صفحه

### بیاد پر شور کارگر کمونیست، رفیق پیکارگر احسان!

۲۵ صفحه

## بودجه ۱۳۶۰: بودجه تشدید وابستگی، بودجه تشدید فقر و فلاکت زحمتکشان!

دولت ارتجاعی و دمردمی رجا شی، سالانه بودجه‌ای که برای سال ۱۳۶۰ تدوین کرده است، با همت و استه و مدخلی رژیم سرمایه‌داری وابسته امپریالیسم جمهوری اسلامی را با وضوح و روشی هرچه تمامتر به نمایش گذاشته است. این بودجه که در مشور و اقتضای خود چیزی جز تحریف و اغیبت سخران اغتصابی رژیم نیست از یکسویا حرکت هرچه بیشتر با ترفود به سمت وابستگی هرچه بیشتر به امپریالیسم جهانی و روسی دیگر تا به ارفان آوردن فقر و فلاکت و سرکوبی به مراتب اغزوتنر از گذشته برای کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان سپهمنان، نتیجه‌ای جز گسترش مبارزه طبقاتی برای این رژیم فیمردمی بدنیال نخواهد داشت.

بقیه در صفحه ۱۱

تجربت روسی (۱) زحمتکشان

### در مورد شکنجه انقلابیون در زند، بیشتر مانده شروع می‌گوید!

### حبس ابد و زندانهای طولانی مدت برای کارگران نماینده شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت و سه مبارز دیگر

۳ صفحه

### روزیونیسم فلسفی "طبری-نگهدار": خیانت آشکار نسبت به مارکسیسم لنینیسم (۱)

سورزوای برای به احرا کشاندن مبارزه طبقاتی، در کنار سرکوب مستقیم و وحشیانه اغتصاب به ناکتنگ فریادگاه "بخت آزاد" روی آورده است. اگر بنا به دیروز فقط لیسراهای خائسین بودند که بر اساس سیاست حقایق و نان شیرینی در راه "بخت آزاد" همپا هویرا می انداختند تا بدنی ترمیم نسروهای دنگوات و بهزلزل را بدنیال خود کشنده و حتمی سوده - ها را منحرف سازند، امسرور حرسهای مرتجع نسروها لیکه یک لحظه رسکوب و حشیا به حش تا مل نسندها همکاری جا گران صدق خود یعنی روسیوستهای مرتد "توده‌ای" و "اکثریتی"، در صدمت با مارکسیسم و مقابله حوشی با جنبش اوج گیرنده توده‌ها "بخت آزاد" ترمیم می دهد.

بقیه در صفحه ۲

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱

در شرایط کنونی مبارزه طبقاتی به حرکت اعتلای خود ادا می‌دهد و ما رکنیسم لنینیسم علمبر غم‌خیز است. ما شنا نه رویزیونیستها از نفوذ و اعتبار بیشتری در میان توده‌های کارگروزمکنش جا می‌گیرند. غوردا می‌گذرد، در چنین اوضاعی همدوش با لیبرالها، حزب جمهوری اسلامی رژیمانه و با تمام مذبح‌ها نمی‌کوشند تا به ما رکنیسم لنینیسم ضربه زنده و آنرا در زنده توده‌ها بی اعتبار سازد. برای این منظور با شرکت و همکاری خیانتکارانی چون "طبری" و "نگهدار" نمایش تلویزیونی ترتیب داده و با ملاحظ ما رکنیسم را به ما کلاه می‌گذرانند. غافل از اینکه ما رکنیسم و پرولتاریا را از ابتدای پیدایش خود همه مرتجعین و کارگران سرما به راه ما کلاه انقلابی کشیده و آنها را به برگ تاریخی خود محکوم کرده‌اند. در ابتدای مبارزه رویزیونیستها این سن تعلق گویان جلادان پرولتاریا از رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تشکر میکنند و سپس سالها ناله و فحش مستقیم از دم شرکت مجاهدین در نمايش تلویزیونی حزبها "گله" میکنند. هدف آنسان از این "گله و شکار" اینست که چرا مجاهدین دست ما زش به سوی لیبرالها دراز کرده و با "بحث آزاد" آنها توافق دارند، ما به طرف حزب جمهوری اسلامی تمایلی نشان نمی‌دهند. طبری همچون سخنگوی حزبها مطرح میکند "برای اجرای رهنمود ما مپویزه در مورد حکومت قانون در سال کنونی و همچنین به اده کردن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" این بحثها "کاملا صحیح، درست و منطقی" است. و نگهدار اضافه میکند: "شرکت در این بحثها... منطقی، اصولی و به سود نزدیکی و تقاضا همپروها" میباشد. به بیان دیگر رویزیونیستهای نوگرفت می‌کوشند تا با توجیه و توضیح تا کتیک نهاد انقلابی "بحث آزاد" همپروهای دمگرات خرده بورژوازی متزلزل همچون مجاهدین را به دایره سازش خود وارد کرده آنها را ملزم به رعایت قانون اساسی ارتجاعی نموده و صفوف انقلاب را دستخوش پراکنده‌گی نماید. اگر کمونیستها پیوسته می‌کوشند تا دمگراتها را ارتقا داده و به مرز بندی انقلابی با بورژوازی بکشانند، رویزیونیستها که دشمن انقلاب میباشدند قدرت تمام درپسی آنها دتفرقه در صفوف خلق میباشدند. آنها درپسی آنند تا گرایشات لیبرالی دمگراتها را به غلط منجم سازش طبقاتی تبدیل سازند. البته فرا موش نکنیم که سیاست "انتقاد" فقط یک جنبه از حرکت رویزیونیستها در قبال دمگراتها است آنها در همان زمان که مگراتها "انتقاد" میکنند به حمله دشمنانه علیه دمگراتها نیز دست می‌زنند. طبری در توضیح اینکه اصطلاح "توحیدی" برای ما تریالیسم فریگاران است بکار برنده میگوید: "منظر ما مرز ما میماند

# رویزیونیسم فلسفی

## "طبری-نگهدار": خیانت آشکار نسبت به مارکسیسم لنینیسم (۱)

با بورژوازی اشتراک منافع طبقاتی دارند و به همین خاطر در بحثی که نمایندگان رژیم حاکم طرف صحت میباشند سخن گفتن دربارها متضاد و خوشایند نیست. علاوه بر این بحث چه برای کارگران "ارتقا" دهند و نه باشد! چرا که رویزیونیستهای خیانتکار در پی سازش دادن طبقه کارگر با بورژوازی میباشدند، از نظر آنسان کارگران نه با افکار مینتی برتضادهای طبقاتی و مبارزه طبقاتی بلکه با خزعبلات ارتجاعی سازش طبقاتی باید "پرورش" پیدا کنند!

آری هدف خائنین به انقلاب و سوسیالیسم از "بحث آزاد" است تا محکم بخشدن به وحدت طبقاتی خود با بورژوازی حاکم، حمله رژیمانه به مارکسیسم لنینیسم و اشاعه افکار ضد انقلابی سازش طبقاتی و استکفاز از مبارزه طبقاتی در میان کارگران و زحمتکشان میباشد و درست است همین خاطر است که ما در سراسر مبارزه تلویزیونی جز خیانت مریبان نسبت به مارکسیسم لنینیسم و جز فریاد وحدت طلسمی با دشمنان توده‌ها چیزی دیگری نمی‌بینیم.

### خیانت رویزیونیستها در باره دیالکتیک مارکسیستی

لنین میگوید:  
"یک تقلب بیش از پیش ما هراسناک است در مارکسیسم، تحریف‌های بیش از پیش ظریفی در آن بوسله آشنایان خود ما تریالیستی و معرفی آنها بعنوان مارکسیسم، اینهاست غم‌خیز رویزیونیسم کنونی، هم در اقتصاد و هم در مسائل تاکتیکی و بطور کلی در فلسفه: تا خیستهای ما نیز هنگی در ایده‌الیزم فرورفته‌اند." ایده‌الیزم فلسفی..... راهی است که سوی ظلمت کلبه‌های میروند (ما تریالیسم و امپریوکریتیسیسم) رویزیونیسم یک سیستم تمام عیار ایدئولوژیک بورژوازی است که در تمام عرصه‌ها به تجدید نظر در مارکسیسم پرداخته است.

انقلاب و ضد انقلاب از جای دیگر میگذرد. در این سوی مرز در دفاع از جمهوری اسلامی ایران هم کماتی هستند که مسلمانان انقلابی و متمسکه و راستین هستند و هم کماتی هستند که معتقدان به مارکسیسم هستند در آن سوی مرز هم کماتی هستند که دعوی اعتقاد به مارکسیسم میکنند که ما آنها را مارکسیسم اصیل تلقی نمی‌کنیم و کماتی هستند که دعوی اسلام میکنند، دعوی اسلام را که حتی سلاطین و پادشاهان و دیگران هم می‌کنند... در این کلام به صراحت نه تنها رویزیونیستها دشمنی آشنی با پذیر خود با کمونیستهای انقلابی و پرولتاریا را مشخص میسازند بلکه همچنین خصومت ضد انقلابی خود را نسبت به دمگراتها به نمایش گذاشته و آنها را در کنار "سلاطین و پادشاهان" قرار میدهند. آری رویزیونیستها بنا به مایت طبقاتی خود از هیچ گینه توی نسبت به طبقه کارگر و نمایندگان آن یعنی کمونیستها خودداری نمی‌ورزند. ما نسبت به متحدین طبقه کارگرنیز نمی‌توانیم خصومت ضد انقلابی خود را نمایش نگذاریم. طبری ها که در حبه ارتجاع و امپریالیسم قرار دارند جز دشمنی با پرولتاریا و خلق را دیگری ندارند.

در سراز ما حبه، نمایندگان رژیم می- کوشند تا رویزیونیستها را بر سر بحث راجع به تضاد بکشانند. ما رویزیونیستها که به "وحدت مقدس" و متمسق خود با بورژوازی می‌اندیشند، سعی میکنند حتی نام تضاد و بحث راجع به آنرا به دست فراموشی بسپارند تا آنها میدانند که اساس مناسبات میان بورژوازی و رویزیونیستها وحدت طبقاتی آنان است. آنها میدانند که به ما به عالین بورژوازی نه با بورژوازی بلکه با پرولتاریا و کمونیستها در تضاد طبقاتی قرار دارند و به همین خاطر از سخن گفتن دربارها تضاد با نمایندگان جمهوری اسلامی میگریزند. "نگهدار" و "طبری" میگوید: "بلا مقده از تضاد شروع کردن، فکرنمی‌کنیم تا شرمینتی برای آسوزش با ارتقاء هوطنان داشته‌باشد" رویزیونیستها

# رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

بقیه در صفحه ۲۳

# جنبش کارگری



## مبارزات کارگران بر علیه تشکلات قلابی

میدانیم که کارگران برای پیشرده متحدانه مبارزاتشان، در مقابل نیروهای رنگارنگ سرمایه ملاحی بجز سازماندهی و تشکلات ندارند و به تجربه نیز دریافته ایم که تنها آن دسته از مبارزات متنوع کارگران توانسته است سرمایه داران را به عقب نشینی وادارند، که تشکلات واقعی کارگری آن را هدایت کرده است. ما بر این باوریم که همیشه تشکلات کارگری در چگونگی پیشرده مبارزات کارگران دارد، طبیعی است که طبقه سرمایه دار در هر زمانی همیشه همواره سعی میکنند که در مرحله نخست جلوی بوجود آمدن چنین تشکلاتی را بگیرند و در مرحله بعد که کارگران بر اثر مبارزاتشان توانستند تشکلاتی بوجود آورند، سرمایه داران با علم کردن تشکلات قلابی و ضد کارگری خویش (چه از طریق نفوذ عواملشان در تشکلات واقعی کارگری و چه از طریق سرپیختن تشکلات جداگانه) سعی در سوءانحاف کشاندن مبارزات کارگران، ایجاد تفرقه در میان آنها و بالاخره بدین کردن توده کارگران نسبت به تشکلات واقعی شان، می نمایند.

ارائعاتی که در شرایط کنونی و طبقه کارگران مبارزه کارخانن و کارگاهها این است که شورای واقعی خود را برپا دارند، توجه به این واقعیت ها نیز اهمیت است که مبارزه در راه ایجاد شورای واقعی از مبارزه برای افشا و انحلال شورای ها و تشکلات قلابی جدا نیست. امروزه بسیاری از کارگران در تجربه خود به این حقیقت رسیده اند و از سرمایه سعی خواهیم کرد که جلوی های مختلف مبارزات کارگران بر علیه تشکلات کارفرما (شوراهای اسلامی، انجمنهای اسلامی و...) را جهت استفاده کارگران مبارز از نثار سرمایه بورژوازیان، در پیکار درج نمائیم.

### آگاهانه

### تهران شامزاری پلاستازون:

در ادامه مبارزات کارگران برای انحلال شورای ضد کارگری کارخانه و بعد از افشاگریهای کارگران مبارز بر علیه "شورا" و مدیریت کارخانه و کارگران خواهان انحلال هر چه سریعتر این اعمال سرمایه شدند، و "شورا" که میدانست بعد از کناره گیری ما توجه به رشد آگاهی کارگران شورای واقعی کارگری ایجاد خواهد شد، بسیاری از خود ساجت بسپار نمود، اما در مقابل اراده استوار کارگران مجبور به تسلیم نشد، منتها در آخرین لحظات حیاتی نیز از اعمال ضد کارگریش

## حبس ابد و زندانهای طولانی مدت برای کارگران نماینده "شورای سراسری کارکنان جنگزده صنعت نفت" و سه مبارز دیگر

رژیم جمهوری اسلامی که برای سرکوب جنبش حق طلبانه آوارگان جنگ به هر حربه ای متوسل شده و با بورشهای بی دریغی توسط مزدورانش به آوارگان زحمتکش بسیاری از فرزندان آوارگان را روانه سبیلهاهای خود کرده است، بانک پس از مدتی که از دستگیری دوشین از کارگران مبارز نماینده "شورای سراسری کارکنان جنگ زده صنعت نفت" میگذرد، این دو کارگر را زوجه دستگیر و در سبیلهاهای فرمایشی خود در روز ۱۶ اردیبهشت به "محا کمه" کشیده و آنگونه که از ما هیت ضد کارگریش برمی آید، آنها را به حبسهای طولانی مدت و ابد محکوم کرده است، تا شاید خیال خود بدین طریق قادر به جلوگیری از حشیش روزه رشد آوارگان گردد. احکام ما در چنین اند:

۱- عبدالاسد کارگر (نماینده)	تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸	حبس ابد
۲- عبدالرسول بدیعی کارگر (نماینده)	تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸	۱۰ سال
۳- هادی اسدی کارگر شرکت نفت	تاریخ بازداشت ۶۰/۱/۲۹	حبس ابد
۴- حمید رحیمی کارگر	تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸	۵ سال
۵- محمد حسینی دبیر	تاریخ بازداشت ۵۹/۱۲/۲۸	۱۰ سال

خرایمی که حاکم شرع برای اسیران خلق تراشیده است "توطئه علیه جمهوری اسلامی و تحریک و اغلال در محیط های کارگری و انضامی کشور" میباشند. "اراک" "خلایع کیم شرع آبادان" و ماهشهر همان کسی است که حکم اعدام رفیق محمود صمدی را صادر کرد و دختر جوانی را که نماینده آوارگان کمپ با شهروند "سجرام" فدش شرکت در راهیما شای سکار " (۲) به حبس ابد محکوم کرده بود. حالست که بدانیم بین خلایع سوس حوش خدمتیهای خود، در زای قریبانی کردن جان بسیاری از فرزندان خلق، بانک توییح مقام یافته و حاکم شرع حوزستان گشته است. آری رژیم سرمایه داری حاکم برای حفظ پایه های لرزان خویش میبایست بیاس سرکوب مبارزات کارگران و زحمتکشسان مزدوران را تشویق نماید. سنگ و تفرغت بر جلادان و سرکوبگران جمهوری اسلامی!

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزاد ساید گردد!

## کارگران مبارز معدن زیر آب، قاطعانه از دستاوردهای مبارزاتیشان دفاع میکنند

کارگران را حدس میزد برای سرکوب آنان از استناداری ما زندانان تقاهای فرستادن با ادا ر کرده بود. اما کارگران دستجمعی به مقابل ما این توطئه جدیدی برد از زند و حشیش نماینده سازنکاران را که سعی در مساجت از حرکت انقلابی کارگران داشت، طرد می نمایند. روز ۶۰/۲/۲ مدیر عامل و همرا هانش برای سخنرانی به معدن میروند ولی بعد از چند دقیقه کارگران به او اجازه صحبت ندادند و بیکجا رجه فریاد میزنند که: "ما دیگر پنشنیه ها را کنار نمی کشیم و تمام خواسته هایمان را از شما بسزور بقیه در صفحه ۴

کارگران مبارز معدن زیر آب، بدستمال مبارزات گسترده خود توانستند رژیم جمهوری اسلامی را وادار به برپا ردهای عقب نشینی هسا نمایند و از حمله تعطیلی پنشنیه ها با دو روز حقوق برای کار پنشنیه ها، وام ممکن و اغافه کاری رایذست آوردند. اما بعد از آنکه مدیر عامل جدید "حرفی" جانشین مدیر عامل لبرال قبلی (که توابسته بود متنا مع سرمایه داران را تمام و کمال حفظ کند) گردید، سعی در بایز پس گرفتن دستاوردهای مبارزاتی کارگران کرده و مقصدا مسئله دوروز حقوق برای پنشنیه ها را منتهی اعلام نمود. اسی مزدور "مکتبی" که مقاومت

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



### اعتصاب کارگران کوره پزخانه‌های بروجرد برای افزایش دستمزد

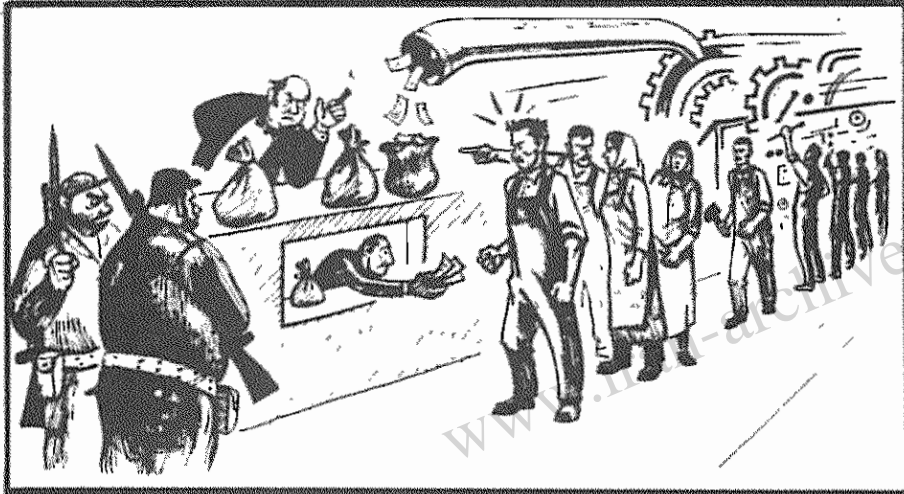
کوره پزخانه‌ها را در جریان می گذارند. از آنجائی که ما حب کوره‌ها تعیین دستمزد کارگران را به فرمانداری محول میکند، کارگران مقابل فرمانداری اجتماع کرده و خواهشها بشان را مطرح میکنند. فرماندار ابتدا با بیشرمی منکر افزایش سرما و آسودگیها میشود ولی بعد از آنکه کارگران که با پوست و گوشت خود آن را لمس کرده و بیشترین فشارها را از کارگزارانی را تحمل میکنند، نفس اعتراض قیمتها را به گوش حساب فرمانداری رسانند، او مذبحخانه میکوشد تا اینها را رحله کهنه شده‌وسی اثر "موقعت حنکی" استفا ده کند. اما کارگران که عوام فریبهای سابقه در صفحه ۲۲

کارگران کوره پزخانه‌ها که در بدترین شرایط بکار و طاقت فرسا می بردارند، از کمترین سطح دستمزد و وسایل رفاهی برخوردارند. در کوره پزخانه‌های بروجرد کارگران سیش از ۶ الی ۷ ماه در سال نمی توانند کار کنند و علاوه بر مشکلات سایر کارگران کوره پزخانه‌ها، بسیار مشکل کارگران افغانی که هم از آگاهی بسیار پائینی برخوردارند و هم با مزدی به مراتب کمتر از ایرانی‌ها همان کار را انجام میدهند، مواجه هستند. معذالک آنها با راه برای افزایش دستمزدنا چیزشان دست به سار زده اند. روز شنبه ۶۰/۲/۱۹ نیز کارگران تصمیم میگرفتند دستار کار کشیده و بلافاصله تها مسی

دست برداشته و حکم اخراج سه تن از کارگران مبارزان ما در میکند. اما کارگران بعضی اطلاع از این امر دست از کار کشیده و اجتماع میکنند. آنها از مدیریت و "شورا" لائل اخراج رفقایشان را میخواهند و چون حواسی دریافت نمی کنند از رفقایشان میخواهند تا حکم اخراج را بخواهند. بعد از آن سه کارگر مذکور به افشای حکم اخراج میپردازند "شورا" که مینه‌رانا ما عدمی سینده کمیته شهر منعی متوسل میشود. ولی ارا حیف کمیته - جی‌ها هم در راه کارگران تائیری نمیگذارد و مبارزه کارگران برای جلوگیری از اخراج رفقایشان همینان ادا میساید.

### کارخانه بلا

کارگران متهداً رئیس انجمن اسلامی کارخانه را اخراج می نمایند. این فرد که در زمان رژیم شاه نیز در کارخانه بیت مقدم مزدوری سرمایه‌داران را میگرد و توسط کارگران مبارز احداث میگردد و زمانیکه کارگران لیستی از اسامی کارگزارانی که دارای خانواده پر جمعیت بوده و دستمزد نا چیزشان کفاف نامین خدا قبل معیشتشان را نمیکند برای افزایش حقوق نژاد وی میبرند، این مفتخور که خود حقوقی بیش از ۱۲ هزار تومان میگیرد، مسئله کمبود بودجه دولت را بهانه قرار میدهد. ولی کارگران در همانجا به افشایش می پردازند و روز بعد نژاد شورا رفته و خواهان اخراج وی میشوند و بدین ترتیب با اخراج وی مشخص میگردد که اولاد طبقه انجمن اسلامی جزو نوکری برای سرمایه‌داران و سرکوب کارگران چیز دیگری نیست، نا نیا این انجمنها غالباً از مزدوران فدکا رگری تشکیل گردیده اند که حتی در زمان رژیم شاه نیز مزدور اداره‌های حفاظت، ساواک و... سر فدا کارگران فدا لیت میگردد اند. نا لثا ما هیت فدکا رگری انجمنهای اسلامی روز بروز بیشتر برای کارگران آنگار میگردند.



با مدار و بسیجی برای سخنرانی (!؟) به مسدن میاید و شروع به عوام فریبی میکند. اما کارگران قاطعانه برخورد استهای خود ایستاده و نه تنها تعطیلی پنخنتیه‌ها را حفظ میکنند، بلکه فرماندار را و ادار میسازند بجای ۳۲ ساعت اما فداکارها نه ۴۰ ساعت را بیدیدند. همچنین زمانیکه به مناسبت روز اول ماه مه محران دین عزیزی برای عوام فریبی در قاش شهر قعد سخنرانی داشت، مقامات رژیم برای گردآوری مستمع چهار توبوس روانه معدن زیر آب میکنند تا کارگران را بسای سخنرانی این مهره کشید بسا ورنند. اما رشتا گاهی کارگران معدن بدان حد بود که حتی بگمروا را توبوسها نشد و آنها حالی به شهر با زگشتند و بدین ترتیب مشت محکم دیگری از جانب کارگران معدن زیر آب به دهان باوه گری رژیم جمهوری اسلامی سوا حه شد که عودتسا مگر گشتای از "نفوذ" رژیم در میان کارگزاران است!

بقیه در صفحه ۳  
کارگران  
میگیریم.  
روز پنجشنبه ۶۰/۲/۲۳ حدود ۶۰ نفر از کارگران نا آگاه و عوامیل وابسته انجمن اسلامی وسیع در قسمت استخراج شروع بکار میکنند تا بدین وسیله خیال خود را در کارگران را نکستند و دوستگی موجود آوردند. اما این عده روز شنبه بوسیله آتیه کارگران فراری میشوند و فردای آن روز زمین عوامل مهندسیین سا کارگران زدو خورد میشود که در نتیجه یکی از کارگران توسط سرمایه‌داری میگیریم - گردد. کارگران اغظا میکنند که اگر طرف یک تسا دوروز میباشان را آزاد نسازند، اجازت ورود به معدن به هیچ مهندس و کارمندی نخواهند داد و برای نشان دادن قدرت خود روزهای ۸ و ۹ اردیبهشت به مدت ۲ ساعت اعتصاب میکنند. سرانجام روز ۶۰/۲/۲۶ فرماندار با عده ریادی

### تصحیح و تکمیل يك خبر

در خبری که در پیکار ۱۰۴ در باره مبارزات کارخانه شیرپا ستوریزه مشهد آمده بود، تعداد کارگران زندانی بنا دست ۴ تن اعلام شده بود که صحیح آن ۱۴ کارگزار زندانی بود، که بسا بوزش آن را تصحیح میکنیم. در ضمن طبق آخرین خبر ۸ تن از کارگران مذکور آزاد شده و تا روز ۶۰/۲/۲۲ تعداد کارگر در زندانهای رژیم بر میبرند.

## ۴ ساعت کار در هفته برای کارگران

# خلق ها و مسئله ملی



## ”وحدت اسلامی بلوچستان“ و نوطه ارتجاع محلی

بیشتر زحمتگنان و نیروهای انقلابی در منطقه بهر دلیلی با ما ارتجاع محلی که بخواهی موقتیت رژیم و ضعف و درماندگی او را در پناهت، سعی میکنند اینها را مشکل نمودن قوای خویش و از موضع قدرت امتیازات هر چه بیشتری را از رژیم کسب نمایند. تنها سبب این خیرمولوی عبدالعزیز با مفتی زاده و تشکیل ”شورای مرکزی سنست“ (شمس) و همچنین ایجاد گروه ”وحدت اسلامی بلوچستان“ نشان میدهد که ارتجاع محلی برای وادار نمودن رژیم به دادن امتیازات به آنها، در پی اینها و تشکیل درونی خویش برآمده است (بدیهی است که از این تشکل بر علیه نیروهای انقلابی منطقه که بعد از قیام منطقه ای آنها را آسوده نگذاشته اند، نیز تشدید خواهد جست) و سعی دارد با استفاده از موضع دفاعی رژیم و با ظاهری در جبهه ای ”انقلابی“ (دفاع از خودمختاری - بخوان: خان مختاری - نبرد بلوچ) توده ها را فریب داده و در دنبال منافع آزمندان و ارتجاعی خویش بگشاند. در این رابطه گروه ”وحدت اسلامی بلوچستان“ در تاریخ ۶۰/۱/۷ اعلام موجودیت کرده و اساساً همه خویش را در آن ۲۱ ماده ای که مندرج است که مهمترین مواد آن به قرار زیر میباشد:

”ماده ۱: انا عه تسلیماتی را که با دبیران بقیه در صفحه ۱۵

محلی (خوانین و مولویهای مرتجع) را با دادن امتیازات بیشتری به آنها برای سرکوب زحمتگنان و نیروهای انقلابی منطقه، رفیع نماید. تنها سبب این در پی ”قلمبر“ سرپرست روابط عمومی سپاه ساداران با خوانین منطقه و تا همین و تسلیم آنها، همچنین سفرا غیر هیئت دولت ”مکتبی“ به استان و عهده گردن نیمه و سنی، در واقع بخشی از این سیاست جدید هیئت حاکمه است که میخواهد با دادن امتیازات به ارتجاع محلی و با اصطلاح اعطای آزادی بیشتر به آنها جهت ترک تکیه از منطقه، به سرکوبی هر چه

با لگرفتن موج ناراضی ها در بین مردم و تعرض آنها به حاکمیت و متقابلاً گسترش نیرو - های انقلابی در سطح جامعه، رژیم را در یک بحران بستی بس و خستناک قرار داده است، که برای فرار از این تنگنا ها، تنها راه حل را در رفع اختلافات درونی خویش و بطور کلی فشرده تر کردن هر چه بیشتر مفاد انقلاب جهت سرکوبی انقلاب یافت است. در این رابطه پس از گام های ظاهری اختلاف بین لیبرالها و حزب جمهوری رژیم به تلاشهای وسیعی در سطح منطقه دست زده است تا کدورت های قبلی بین خود و ارتجاع

## ”شیرودی“ ”قهرمان ملی“ یا جلاد خلق کرد؟

بدینال کشته شدن گلخان هوانیرو شیرودی توسط ارتجاعی عراقی رژیم جمهوری اسلامی تبلیغات وسیعی در پاره های آراء انداخته و برای ”تجلیل“ از او ستاد سوم مجدداً بنام این مزدور بنا میسازد. اما علت این همه ”تجلیل“ از این گلخان چیست؟

شیرودی از مزدورانی است که در سرکوب خلق کرد بطور بسیار فعال شرکت داشته و بی بارها و بارها از همکاری خود بسوی زحمتگنان کرده و آتش گشوده و حتی از گشتارگان و گوسفند زحمتگنان کردن نیز کوتاهی نمیگردد. او با تکیه به تجارب سرکوبگرانه ای که از گذشته ارتجاعی داشته، آنچنان در گشتار خلق کرد از خود ”سنگ تمام“ گذاشت که از افسر یاری به سروانی رسیدوبسی جهت نیست که پس از مرگش رژیم برای این همه سنگ می ریزد.

## حمله مزدوران به روستای آویهنگ سنندج

متحمل ضرباتی شدند و تعدادی کشته و زخمی برجای گذاشتند.



۶۰/۲/۴ - شب هنگام ساعت با زده شونسی تا مل ۱۸ ماشین ارتشی و با ساداران و چهار ماشین حامل کالیمره و توپ ۱۰۶ به روستای ”آویهنگ“ حمله میکنند. همزمان با آن عده کثیری از نیروهای دشمن، بیاد از طریق کوه - های منطقه روستای مذکور را محاصره میکنند و راه های خروج و ورود را به کنترل خود در میآورند و تمام کسانی را که در مسیری بیننده دستگیر میکنند. عده ای از پیشمرگان کومله که طبق معمول به کمین نشسته بودند متوجه وجود افراد دشمن بر بلندبهای اطراف میشوند. پیشمرگان بسوی آنان تیراندازی میکنند، بعد از مدتی درگیری از آنجا که تعداد پیشمرگان کم بود سعی میکنند با آتش و ما نور طبقه محاصره را بشکنند. همزمان با حمله نیروهای دشمن به روستای آویهنگ، ارتشیان و با ساداران مستقر در بیابگاه نیز نیز منطقه را با توپ و خمپاره مورد حمله قرار دادند. در این جریان سه پیشمرک فدائیکار کومله با ساسی کاک اسد ظلی، کاک بدالله عبدی و کاک عزت رستمی قهرمانان شهیدات رسیدند و با خون سوخ خویش با انقلاب پییمان جا و دانه بستند. نیروهای دشمن در این نبرد

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

"هیئت بررسی شایعه (!) شکنجه"

## در مورد شکنجه انقلابیون دربند، بی شرمانه دروغ میگوید!

بالاخره بدنبال موضع گیریهای اعضا "هیئت بررسی شایعه شکنجه" یعنی بر "نبودن شکنجه در زندانها و نیز تا شید آیت الله خمینی و روشن شدن" این مسئله که این بود انقلابیون هستند که برای "مظلوم نمایی" خود را شکنجه میدهند و می موزانند!! "هیئت بررسی شایعه شکنجه" با انتشار گزارشی نتیجه کار خود را اعلام نمود. در این گزارش مطلب تازه ای نسبت به گفته های قبلی بنارتی جهرمی همکار پیشین ساواک و نماینده فعلی مجلس اسلامی و محمد منتظری نماینده آیت الله خمینی در هیئت بررسی شکنجه - که روزی به گفته پدرش دیوانه است و روز دیگر عاقل!! - و دیگر سران رژیم وجود ندارد.

طبق ادعای این هیئت نظام ماکم بر زندانها، مبتنی بر شکنجه نیست "و در مقابل چنان تصویر از زندانها میدهد که هر فردی هوس زندانی شدن به سرش میزند آنچه که در این گزارش به آن اشاره شده است، وضع زندانها در سیاسی انقلابی است. تنها اشاره شده است که "به استثنای بعضی از اعضا و هواداران بسک گروه سیاسی بقیه زندانها بطور کلی از رفتار ما مومنین و پاسداران با زندانها نا اظهار رضایت میکردند". (جمهوری اسلامی - ۶۰/۲/۲۹) و این دروغ بشیرمانه ای بیش نیست. از منشن چنین بر می آید که "گروه سیاسی" مورد نظر آنان، سازمان مجاهدین خلق است و آن هم بعضی از اعضا و هواداران "این گروه هستند که از رفتار پاسداران و زندانها نا شکایت دارند!" گوشه ای "هیئت بررسی شایعه شکنجه" گس است و فریادهای مدافع زندانی مجاهد شکنجه گس های وحشیانه آنها را - که در برخی شماره های "جهاد" منعکس شده اند - نمی شنود.

آیا بجز مجاهدین، گروهها و سازمانهای دیگری از شکنجه اعضا و هواداران نشان فریب دهنده بلیند نکرده اند؟ گوشه و چشمهای "هیئت بررسی گس" کورند و چنان با ت مزدوران رژیم را نمیتوانند ببینند و فریاد اعتراض مدافعان کمونیست دربند و خانواده ها بشان را نمی شنوند. مرتجعین بررسی کننده "شایعه شکنجه" نوشته اند "در قسمت زنان، اکثر از وضع زندان و رفتار ما مومنین راضی بودند" و از قول فردی که گویا در زمان شاه زندانی سیاسی بوده و بسه حبس ابد محکوم بوده می نویسد که "اصولا زندان

فعلی را با آن زندان نمی توان مقایسه کرد. تفاوت بقدری است که آنها را باید استراحتگاه نامید نه زندان" (همه نقل قول ها از جمهوری اسلامی ۶۰/۲/۲۹ است). شکی نیست که این "زندان" جزا خا شین "اکثریت که اینچنین بد ادب و زواری می رسند، نمیتوانند باشد. در همین هفته های اخیر بوده که زندانها با کمونیست و انقلابیون زن مورد بیورش و وحشیانه با پاسداران سرما به قرار گرفتن در رفیق مبارزان زندان بیرون برده شدند که از سر نوشت آنان اطلاعی در دست نیست (بیکار ۱۰۶). آری هیئت بررسی شکنجه بنا به ما هیئت ارتجاعی اش نمیتواند شکنجه های رفیق شهید بیکار و کمونیست مهنا ز معتمدی و دهها دختر انقلابی دیگر را که در اثر ضربات پاسداران قامت های استوار - شان له و لورده شده است "شکنجه" محسوب کند. این مرتجعین شکنجه وحشیانه هواداران و اعضا سازمانها و گروههای کمونیست - که با رهسازد شریات کمونیستی و انقلابی و از جمله "بیکار" انعکاس یافته اند - و به دست "فرا موشی" سپرده وی شرمانه ادعا میکنند که بجز "بگ گروه سیاسی" بقیه زندانها از رفتار زندانها نا شاکت راضی اند. دروغ گوئی به شیوه گوبلزی و وقاحت سردمداران رژیم جمهوری اسلامی حدی ندارد!

چگونه میتواند شکنجه پاسداران که با آتش سبکا بر بدن زندانها انقلابی "درد بر خشتی" می نویسد را فراموش کند؟ چه کسی میتواند شلایهای پاسداران که منجر به سیاه شدن بدن و خونریزی زندانها انقلابی میشود را فراموش کند؟ چه کسی میتواند منحنه های نمازش اعدا که جز شکنجه روحی چیز دیگری نیست را فراموش کند؟ چه کسی میتواند ضرب و شتم زندانها و کشیدن موهایشان توسط پاسداران را فراموش کند؟ چه کسی میتواند محروم بودن زندانها از انقلابی از روزنامه برادری، ملاقات و... را فراموش کند؟ آری رژیم جمهوری اسلامی را شاه جلا دوسا واک چنانیتکار را ادا می میدهد و جز این راه دیگری ندارد.

این یک واقعیت انکارنا پذیر است که در زندانهای جمهوری اسلامی، کمونیستند انقلابیون دربندی که ماههاست بدون کوچکترین اطلاعی از وضع و سر نوشت شان در سارت رژیم بسر می - برند. مدتهاست که خانواده رفقای کمونیست محسن فاضل و رحمانی شستانی و دهها و صدها

زندانی کمونیست و انقلابی دیگر را مکتان نیافته اند با فرزندان ملاقات نمایند. بارها و بارها مادران و خواهران زندانها انقلابی در برابر زندان اوین و دیگر زندانهای رژیم بجای ملاقات با عزیزان دربندان بسا بیورش و وحشیانه پاسداران جهل و سرما به رویرو شده اند. ما "هیئت بررسی" با وقاحتی که غام مرتجعین است میگوید زندانها حتی اجازه می بایند که برای مرخصی به بیرون از زندان بیرونند. ما هم وجود چنین زندانها را انکار نمی کنیم. آنها شیکه نوگرفتند نه دست در دست پاسداران برای اجرای شوطه های رژیم علیه انقلابیون دربندانها همکاری میکنند. از تسهیلاتی بسا ریشتر از این برخوردارند. ساواکها و سپه های رژیم شاه نظیر شیخ الاسلام زاده امکان می بایند تا با آمریکا مکالمه تلفنی کنند. آنان اختلاف اساسی با رژیم جمهوری اسلامی ندارند و اگر در زندان سرمایه برند با طر فشا رتوده های زحمتکش است. در خا لیکه فرزندان کمونیست و انقلابی زحمتکش با طر شرا بسط و حشتناک و طاقت فرسای زندان، نبود غذا و مناسب و بهداشت و نداشتن دسترسی به روزنامه و... دست به مبارزه و اعتصاب غذا می بایند. طولانی میزند، "هیئت" مزبور ادعا میکند: "و در روزنامه های صبح و اکثر کتب و نشریات به زندان آزاد است" و.....

شما مرتجعین حاکم با امکاناتی که از دستخیز زحمتکشان عقب کرده اید نمیتوانید هر چه دلستان بخواد دروغ بگوئید. اما اگر در ادعای بشیرمانه تان ذره ای از حقیقت سراغ دارید فقط بسکاعت در زندانها را بروی مردم بساز بگذارید تا خود ببینند که در زندانها با فرزندان انقلابی آنان چگونه رفتار میشود. ولی شما جرات چنین کاری را ندارید.

و اما آیت الله خمینی پس از شنیدن گزارش "ازکاشی هیئت بررسی شایعه شکنجه" اظهار رضایت کردند. (جمهوری اسلامی - ۶۰/۲/۲۹) و جز این انتظار نیست چرا که او در سخنان چند هفته پیش خود بیروشنی سازمانها و گروهها را مسبب شکنجه هواداران و اعضایشان معرفی کرده اما همانطور که رژیم شاه نتوانست چنان با تسی را که در سیا هالها برانقلابیون مشت برافراشته میرفت، برای ابد از چشم توده ها پنهان سازد؛ شکنجه های زندانها با تان جمهوری اسلامی نیز برای مدت درازی از نظر مردم زحمتکش پنهان نخواهد ماند.

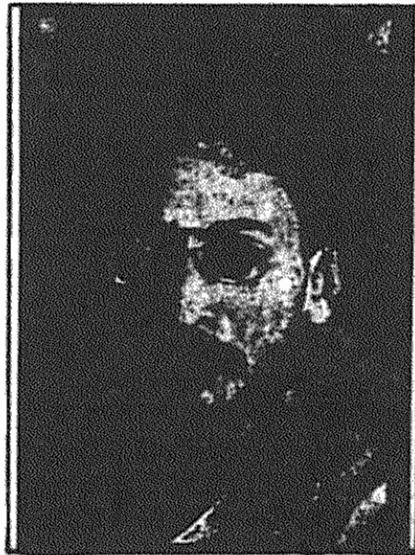
زنجیرهای که فرزندان خلقهای قهرمان ایران را در زندانها به بند کشیده اند، بدستان بیرون توده های زحمتکش از هم گسسته شده و درهای زندانها بهمت توده ها بر روی کمونیستها و انقلابیون دربند گشوده خواهد شد. ☆ ☆ ☆

### علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده ها!

# ژاکب سوردلف:

## تجسم انسانی کمونیست

معرفی کتاب: ژاکب سوردلف به قلم همسرش (کلودیا سوردلوا)



"همین راه دراز فعالیت سیاسی من است. چیزی مشخص میکند کسی را که در زمان در مبارزه شرکت داشت و هیچوقت ارتباط خود را از نوده قطع نگرفته است... همیشه ثابت است... ترین کارگران کار کرده است... و به تنها (سوردلف) توانست برای کارگران پیشوایی محبوب، پیشوایی که در درجه نخست به ریسور کارهای عملی واقف است شود، بلکه همچنین توانسته است، از زمان دهسده پرولتاریای مرفقی گردد." "لنین" انتشار کتاب "ژاکب سوردلف" به قلم همسرش برای کارگران آگاه، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی ما، امکان آسرا فراهم آورده است تا زندگی درختان رفیق کسیر سوردلف، یکی از موسسین حزب بلشویک و از پایه گذاران دیکتاتوری پرولتاریا، یکی از بنیان قدرت شوروی، اولین رئیس احزاب کمیته مرکزی نورا های روسیه... آشنایی هر چه بیشتری با سداوز زندگی پیشوایی بیاموزند که اگر چه کمتر سخنی از او شنیده اند، اما بقول رفیق استالین شیره حیاتی و پیشوای حقیقی جنبش انقلابی پرولتاریا بود کتاب "ژاکب سوردلف" گوشه هایی از زندگی رهبری را به نمایش میگذارد که تحسنان کمونیست، انسان سازنده سوسیالیسم، جنگنده پیشرو انقلاب پرولتاریا بی بوده است. کسیکه با روحی شعله ور از عشق و اشتیاق انقلاب، با کار کمونیستی پر افتخار روسی و فقه مهم عظیم خود را در بنیان نهادن سوسیالیسم ادا نمود و با ایمانی وصف ناپذیر در راه ما ختمان دنیا بی نوین کام برداشت که از هر سوی آن طنین با قوس متصح پرولتاریا بگوش میرسد: دنیا بی کارگران آزاد از قید استگمیری سرمایه، دنیا بی حاکمیت پرولتاریا دنیا بی که ذره ذره آن با مبارزه توان فرما، با رزم سرخ و آگاهان، با شیره جان و جوهر زندگی کمونیست هائی چون سوردلف درهم آمیخته است دنیا بی که هر چند امروز جنبش عظیمی از آن بدست دشمنان آشتی ناپذیر طبقه کارگر شوروی - رومیزیونیستها و بران شده لیکن نجا رب پیروزی - ها و دست آورده های شکست ناپذیر آن چسبون خورشیدی فروزان، انرژی و نیروی اراده برپا با ختن آنرا در سرا سر جهان در قلب بیکارهای طبقه کارگر سرریز میکند.

### چگونه رهبران انقلاب کارگری پیروزمی شوند؟

پیش از آنکه به اساسی ترین حسیه زندگی رفیق سوردلف که همانا ایفای نقش سازنده

خوبش بگوشد، در کتاب نا سرده، محیط زندگی سوردلف در این سالها جنبش توصیف شده است: "میوه افکار انقلابی در روحان توده ها، در حال رسیدن بود، مردمدا شما این حمله از منظومه "بیک طوفان" اثر ما کسیم گورکی را با امیدواری تمام تکرار میکردند: طوفان! سزودی طوفان خواهد شد." افکار مبارزه انقلابی در قلب سوردلف جوان اشکالی سریع داشت. (ص ۷)

"تیزنی" محل تشدید انقلابیون بود. ژاکب در شهر خود با آنان آشنا شد، او هنوز یک کمونیست نبود اما آتش کینه طبقاتی او علیه رژیم تزاری که بوسیله مطلقه کتبا انقلابی تیزتر میگشت، افکار رنبر در او را می پروراند.

در سال ۱۹۰۱ کمینه حزب سوسیال دمکرات روس در تیزی تشکیل گردید. از این زمان است که جهان تازه کمونیسم در پیش چشم سوردلف گشوده میشد، دیگر او راهی برای مبارزه تا به آخر انقلابی بافته بود. آرمانهای کارگری در روح جوانش شکفت و نیروی عظیم را در او بیدار کرد. ژاکب جوان از جان و دل خود را وقف ایدن آرمانها نمود. قدمهای اولیه او، نگاهداری مطبوعات غیر قانونی، بخش و توزیع تراکت های حزب بود. از آنجا که او با همه وجود در راه انقلاب گامنها در با شور و شوق و خلاقیتی که سنها از عشق او به انقلاب ریشه میگرفت تن به توفان مبارزه سپرده بود، و همه توانایی و آگاهی خود را صرف پیشبرد امر انقلاب مینمود، سرینا در این راه شایستگی های چشمگیری بدست آورد. او سزودی موردا اعتماد حزب قرار گرفت و بجای وظایف ساده، مسئولیتهای مهم حزبی به او محول گشت. فعالیت پر شور و وقفه ناپذیر رفیق سوردلف چنان سرحتگی داشت که علیرغم کم و حوائش اش به یکی از افراد فعال و موردا اطمینان حزب بدل شد و در سن ۱۷ سالگی مسئولیت تشکیلات شوروی به او واگذار گردید. دیگر تاریخ انقلاب از تاریخ زندگی سوردلف جدا ناپذیر گشته بود. تلاش ایشان - گرانه برای سازماندهی کارگران، کوشش - وقفه برای مستحکم کردن تشکیلات و آشنین کردن حزب، سالهای طولانی در جنگال دژخیمان تزار در زندانها و تبعیدگاهها سرکردن، سخنسیری - ناپذیر به آموختن از مارکس و انگلس و لنینسین برداختن، بیبوندنا گستننی با کارگران برقرار نمودن و به مبلغ و رهبر محبوب آنان بدل شدن هر بار پس از هائی از زندانهای مخوف تزاری با شوقی ناگهانی به عملیات انقلابی برداختن همواره در پیش خط مشی کمونیستی و در مبارزه علیه انواع انحرافات راست و "چپ" پیشرو بودن... اینست چهره سوردلف، کسی که بالاخره پس از پیروزی انقلاب اکتبر از طرف حزب بقبول لنین شایستگی آنرا بدست آورده مقام شخصی اول اولین جمهوری سوسیالیستی یعنی مقام رئیس اجرا شده کمیته مرکزی شورا های روسیه به او واگذار شود تا به تحکیم و تنگامل سازمان

کسر، جهت به شمر رساندن انقلاب پرولتاریا بی و همسران آن برای تحکیم قدرت شوروی - سود بپردازیم، مقدمتا به چگونگی پرورش او که خود نمونه ای ارزنده از بیدایش و رشد رهبران پرولتاریا بی، اردل مبارزه دورا ساز کارگران است، اشاره میکنیم.

زندگی رفیق سوردلف با ردیگر موضح نشان میدهد که چگونه سنها شرکت آگاهانه در عمل انقلابی شرکت در مبارزه بی اما ن پرولتاریا علیسه سوزواری و تمام طبقات ارتجاعی و فدا انقلابی و از درون کوره گذاران مبارزه طبقاتی است که انقلابیون کمونیست پرورده میشوند. انقلابیوسی که در پیوند با بیکار تاریخی طبقه کارگر، مسخ بیگران مبارزه توده ها در آنان سرریز میکند، بیش از پیش جوهر آشتی ناپذیر خودشان را شکل میدهد، آنان را می پرورد و به آنان امکان میدهد با تکیه بر علم انقلاب پرولتاریا شسی، قابلیت هدایت پرور مندا نه مبارزه طبقاتی را به جنگ آورند.

"ژاکب میخائیلوویچ سوردلف" یکی از این دسترهبران کارگران بود که در سال ۱۸۸۵ در خانواده ای کارگری در "تیزی نوگورود" دنیا آمد. او متعلق به طبقه ای تنگ دست بود که در روسیه تزاری در زیر چکمه های فقروا استثمار و ستم تزارسیم له میشدند. او بعنوان یکی از همان میلیونها توده تیره روز و تحت استثمار، دوران کودکی خود را پشت سر نهاد و هر روز و هر بار ریسر - نیردهای مرگبار رستم طبقاتی را احساس کرد. او نحوای ۱۵ ساله بیش نبود که مجبور شد همچون بسیاری از فرزندان محرومین، تنها با دست از تحصیل شوی و به هروسبیله برای امرار معاش



شوری، سازمان دیکتاتور پرولتاریا پیدا زد. سوردلف دوسال پس از غلبه پرولتاریا بر سوزواری، در سن سی و چهار سالگی و در حالیکه همه نیروها استعداد آگاهی و تجربه و خلاقیت خود را در راه مستقر کردن حکومت کارگری بکار می- بست و دمی از پیشروی جهت بنا نهادن سوسیالیسم با زنی ماند، در راه انجام وظایف کمونیستی از جهان رخت بربست.

### سازماندهنده پرولتاریا

زندگی رفیق سوردلف نشان میدهد که چگونه کارگران، رهبران خود را می پرورند، وفادارترین فرزندان خویش را در قلب مبارزات خود آبدیده میکنند و آنان را که امکان می یابند آگاهانه آرمانهایشان را در خود با روستا زند، بمشابه رهبران و بنا بنندگان لایق خود بر میگزینند. سوردلف تجسم عالی آید ثلویزی پرولتاریا بود که در او مواضع پیشرو سیاسی - آید ثلویزیکی با عالیترین اطلاعات کمونیستی در هم می - آمیخت، فعالیتی چون شور و شوق و صف بنا پذیر نسبت به مبارزه، فعالیت و کار خستگی نا پذیر کمونیستی، نشاط و عشق سرشار به طبقه کارگر و آرمانهای سوسیالیسم، متانت پرولتری در پشت سر نهادن مشقات، انجام دقیق وظایف متعدد و شاق حزبی با نظمی آهنین و توانایی های شخصی در ارتقا گسترده به توده و ایجاد دزنده ترین پیوندی با کارگران ... از بارزترین خصوصیات اخلاقی او بود، لیکن برجسته ترین خصیصه، رفیق سوردلف، توانایی او در ایفای نقش یک رهبر کمپرا سازماندهنده پرولتاریا انقلابی بود.

سوردلف متعلق به دورانی بود که بقول رفیق استالین پرولتاریا دوره تمامت آشکار طبقات، دوره تظاهرات انقلابی، دوره انقلاب پرولتاریا می باشد. دوره تهیه مستقیم قوا بر سرای سرنگون ساختن امپریالیسم و تصرف حکومت به دست پرولتاریا را می گذراند. در چنین دوره ای پرولتاریا نیازمند آنچنان سازمان پیشقراول رزمده ای است که بتواند در نبردی آشتی نا پذیر ایده ها و آرمانهای پرولتاریا را به نیروی مادی بدل سازد، میلیونها کارگرو استشارا روشننده را برای دستیابی به اهداف تاریخی خود متشکل نموده و رهبری کند. جز این سخنمی از کسب قدرت نمی توان (انندیسرای انقلاب، پرولتاریا نیازمند زبانه ستا جنگی خود دارد، تنها با درک اهمیت عظیم چنین سازماندهی فولادین است که میتوان بی به نقش شگرف سوردلف سرد سوردلف فرمانده بزرگ و سازماندهنده سادر پرولتاریایی بود که بدون سازماندهی آهنین قادر به پیشبرد امر انقلاب نمی گشت. او سهم عظیمی در بلشویکی کردن تشکیلات حزب و تگامل سازمان شوری پس از پیروزی انقلاب اکتبر داشت امری که تنها در رابطه با جنبه کم نظیر آید ثلویزیکی او بعنوان کمونیستی کمپراقابل توضیح است. زاکب جوان از همان زمانی که با عقیده راسخ به حقانیت راهی که برگزیده بود با همه

میدان مبارزه نهاد، در جریان عمل انقلابی، روز بروز بیشتر توان و استعداد او مهارت در امر سازماندهی مستحکم بلشویکی در او رشد یافت. در واقع سنگ بنای وجود سازمانده حکومت شوراها، در جریان همان سالها مبارزه با همه گذاشته شد. از تا سیس یک جا پناه نهد در مورد موویسه دستور حزب، تا با زمان دادن حوزه ها و کمیته های حزبی، تا سازماندهی تبلیغات روزمره در میان کارگران، همه و همه وظایفی بود که او به شایستگی بدان پاسخ داد. سازماندهی بلشویکی او، سازماندهی آهنین و منضبطی بود که صلاح مناسبی در مبارزه آشتی نا پذیر پرولتاریا را محسوب میگشت. او همه جا سازماندهی یکا رجویی میریخت که به نیازهای انقلاب پاسخ گوید. به علت همین عطش سوردلف نسبت به انقلاب پرولتری بود که او همواره در انتخاب خط مشی لنینی جهت بنیاد نگذاری سازمان آهنین پیشا هنگ پرولتاریا پیشرو بود: "در ایا میز ۱۹۰۲ کارگران نیژنی از تشکیل شدن دو مین کنگیره حزب و پروزا اختلاف عقیده که منجر به پیدایش دو دسته منشویک و بلشویک در قلب حزب شده بود. اطلاع حاصل کرده بودند بعد از پایان کنگیره مبارزه تشکیلات حزب نیژنی شروع شد ... وقتی منشویکها با نقشه لنین راجع به تشکیل یک حزب انقلابی جدید و مبارزه و مخالفت کردند، سوردلف یک راه را انتخاب کرد و آن راه لنین بود (ص ۱۵) و آنگاه که سال ۱۹۰۵، زمانیکه روسیه را تسب انقلاب فرا گرفت، آغاز شد و ایجاد سازمان مناسب برای رهبری مبارزه قلمی کارگران و شعله ور کردن آتش انقلاب بدل به سازمان حزب گشت، کمیته مرکزی یکی از برجسته ترین کسانی را که قادر بودند وظیفه بلشویکی کردن تشکیلات را بمعهده گیرند، سوردلف یافت. او مرا مآده کردن تشکیلات سازمان را، سازماندهی، سازماندهی و برای فیام به واسطه سوردلف عالیترین تعاریب سازماندهی را در گورهای مبارزات بدست آورد: "آندری (نام حزبی سوردلف) توده ها را برای قیام مسلحانه آماده میکرد. تحت نظارت دستجات قشون کارگری تشکیل و اسلحه های لازم بین آنها توزیع دیگر سیدوتا کشیک جنگ در کوچه ها به آنها آموخته میشد، در ابتدا "دستجات مزدور فساد - انقلابی" از ضعف قشون استفاده نموده و در میتینگ های کارگری اختلالاتی ایجاد میکردند، یکی از این میتینگ ها ... سوسیله دستجات مزدور فساد - انقلاب متفرق شد. این برای آندری درس سودمندی بود. از این پس آندری تمام کوشش خود را صرف تقویت قشون کارگری کرد تا آنها را برای مقابله با دستجات فدا انقلابی کاملاً آماده نمود." (ص ۱۷)

این است راز پیروزیهای سوردلف و ارتقای او بدرجه یک سازماندهنده پرولتاریا، سازماندهی ای که بعدها پس از پیروزی پرولتاریا، میسایست همه این تجارب را در خدمت سازماندهی شوراها، ارتش سرخ، دیکتاتور پرولتاریا و ... بکار گیرد. آری بدانش کوچکترین تزلزل در مبارزه

علیه سوزواری، این امکان را به سوردلف داد تا در سازماندهی مبارزه پرولتاریا انقلابی، آنچنان تشکیلاتی قابل موجود آورد که در سخت ترین شرایط، توانایی ادا مکارای و پیشبرد مبارزه را به نا بستگی به سازماندهی، همانند همانند در زمان شکست انقلاب، در سال ۱۹۰۷، زمانیکه سازماندهی انقلابی کشور سرچما به تحت فشار حکومت تزاری قرار گرفت، بلشویکهای بیگارین سورگ، منطقه ای که سوردلف رهبری حزب را در آنجا به عهده داشت با خیال فارغ به عملیات محمیان خود ادامه میدادند و بسط تشکیلات حزب لطمه ای وارد میسایند. (ص ۲۱)

و این فقط به سبب سازماندهی بلشویکی سوردلف و شیوه های کمونیستی او در رهبری تشکیلات بود. سوردلف نمونه کم نظیر چنین فرماندهی پرولتاریا می باشد. در حزب بلشویک شناخته شد، او در سازماندهی صن آنکه بعنوان یک رهبر "میدانست از اعضای مبارز حزب برجسته لیاقت شان بگونه استفا ده کند"، در عین حال گسترده ترین و زنده ترین ارتباط را با توده ها موجود می آورد. او به نحو حیرت انگیزی میتواند به توده ها انگا کند. زمانیکه او به بکار تریس سورگ رفت کارگران بدینگونه از رفیق جدیدی که کمیته مرکزی حزب بدانجا فرستاده بود صحبت میکردند: "او از هم اکنون با همه آشناست - در همه جا حاضر است - رفیق برجسته ای است حالا دیگر ما کسی که از او چیزی میسازیم و بسا او مشورت کنیم در دستری خود را، نام رفیق جدید آندری بود. این اسمی بود که سوردلف را در حزب به آن مینامیدند. در همه جا دست توانای سازماندهنده ای که نظام بلشویک را برقرار میگردانید و محسوس بود سوردلف وظایف هر کس را بطور سریع مشخص مینمود و از هر کس سرحب لیاقت و استعدادش استفاده میکرد." (ص ۱۸)

این است که به توده ها تنها از بلشویکی چون سوردلف ساخته بود و در کار تشکیلات از هر نوع بوروکراسی و لیبرالیسم دور بود. او نقش کسان را که به صدور دستورات و برزور نشیست مشغولند ایفا میکرد. بقول رفیق استالین سوردلف میدانست که چگونه پرولتاریا را سازماندهی کند بقسمی که:

- ۱- هر کارگر بر حسب لیاقت شخصی حداکثر فایده را به انقلاب عاید کند.
- ۲- هر کارگر حس کند کاری که به او رجوع شده کاملاً مناسب است.
- ۳- این طرز تقسیم کار نه فقط منتهی به ایجاد وقفه در کارها نشود بلکه رویهم رفته هم هنگسی و وحدت و پیشرفت عمومی کار را تامین کند.
- ۴- جهت کار سازمان داده شده تحقق آید - سیاسی که برای آن چنین کاری بعمل آمده است باشد." (ص ۶۲)

شرفیخ ترین دوره فعالیت سوردلف، دورانی است که سازماندهی تدارک انقلاب



# اخبار مبارزات توده‌ها



## اعتراض به هجوم وحشیانه به درمانگاه طباطبائی

در اعتراض به سوریس مرتجعانه مردوران رژیم در روز ۲۷/۲/۶۰ به درمانگاه مجاهد کورسدا احمد طباطبائی، واقع در خیابان صنی‌علیه (بسیج شمیران) و اشغال درمانگاه جمعی اریزگان، دندانپزشکان، پرستاران و داروسازان معهد، اعلامیه‌ای صادر کردند. در قسمتی از این اعلامیه آمده است:

"... از آنجا که خدمات ارزنده‌ای در این درمانگاه درمداوی رورانه بیش از ۱۵۰ بیمار (بظهور رایگان) مورد حمایت اهالی و مردم منطقه بوده است و از آنجا که نیاز شدید مردم ما به بهداشت و درمان بر هیچکس پوشیده نیست، ما اس عمل عاقلانه را جز بر علیه مداخله مردم محروم نیست کشیده و مستصحب تلقی نمی‌کنیم... خواهش ما از گنای درمانگاه و استرداد اموال مسروقه و آزادی دستگیرشدگان درمانگاه می‌باشد..."

## حیثیت پاسداران سرمایه در "دورود"

روزی پنجم ۱۷ اردیبهشت، از طرف "مجلس احرار آزاده خدمت" (هواداران چریکهای فدائی انقلاب)، با انگاهای جهت‌افشای رژیم و طرح خواسته‌هایی که بر پاسداران به همراه مردوران دیگر طبق معمول به قصد برهم زدن با انگاهای محل می‌باشد که با مقاومت مردم و خصوصاً مجلس احرار مواجه می‌شوند... پاسداران ضد خلقی رنگارنگ و گلوله‌را سوزی مردم را می‌کشند که کارگرها هدی بنام "انوال فصل سلما"ی "سوسله گلوله" پاسداری بنام "کورتر ساکی" شهید شده و یک معلم احرار بنام عباس با فری "اربا شه کشف شدت محروم می‌شود. مردم جنگی از این حیثیت پاسداران، شعارهای "مرگ بر پاسدار"، "این است آزادی ما، گلوله بر سینه ما" و "پاسدار حایت می‌کند، رژیم حایت می‌کند" را سر می‌دهد. خون جاری شهید و مومنانی وی، چشم مردم را جدی‌تر می‌کند. به بر مری کفش کارگر شهید را برده شده و می‌پوشد. بعد از این جنایت مردوران رژیم ۱۱ نفر را دستگیر می‌زنند. روز جمعه ۱۸/۲/۶۰ اعلامیه‌ای از طرف

## رزم زحمتکشان "محلّه ایوردی" پر خروش باد!

کرده و اتحادنان را شکستدولی مردم که موجه سوشه آنان شده بودند، "انجمن اسلامی ها" را هم اریس خودشان بیرون می‌اندازند. "انجمن اسلامی ها" که بر با نشان شکست خورده بود، بالاخره با حیلگری موجه می‌شوند پاسداران را از مسجد بیرون آورند. اما مردم ما هدهه آنها بطرفشان هجوم برده و در حالی که شمار میدادند پاسداران را از محلّه بیرون می‌کنند. مردم در پاسخ یکی از اعضای مردوران انجمن اسلامی که آنها را تهدید میکرد، میگفتند: "استادارمان را فراری دادیم و در مقابل بحرم اقتصاد می‌محلّه ایسا دگی کردیم و اریا و ههای شما نمی‌خریم و تا آخرین قطره خونمان شمار "مرگ بر امپریالسم و اریا" را خواهیم داد. در این مقاومت و مبارزه انقلابی مردم زحمتکش ایوردی، و سرفرازان سباه رزمی نه‌نند و "انجمن اسلامی ها" "سرجون موش باسه فرارگذازدند. درود بر زحمتکشان ما و محلّه ایوردی! نقل از: خبرنامه محلی بنکار (۲) شریه سازمان بنکار در راه آزادی طبقه کارگر - تنکلات شمیران

سباه پاسداران سرمایه به همراهی انجمن اسلامی محلّه ایوردی، مدتهاست که برای اهالی زحمتکش ایوردی مراجعت ایجاد می‌کنند و سباه‌های مختلف مردم محلّه را مورد آذیت و آزار قرار می‌دهند. اما هر بار با مقاومت انقلابی زحمتکشان ایوردی روبرو شده‌اند. در همین رابطه در عصر روز سه‌شنبه ۱۵/۲/۶۰ حدود ۴۰ نفر پاسداران از طرف بسیج سباهه اما به سوارو دعا به مسجد ایوردی می‌روند. اهالی محل که از این موضوع مطلع می‌شوند، از طرف مسجد جمع شده و شروع به دادن شعار علیه ورود پاسداران به محلّه می‌نمایند. شعارها عبارت بود از: "مرگ بر ارتجاع"، "مرگ بر پاسدار" حا می سرمایه دار"، "پاسدار، خون خلقی کسرد ما می‌چکد اریک تو" و... با پاسداران ارتزس مردم حرات بیرون آمدن از مسجد را داشتند و حدود ۳ ساعت در مسجد محلی سده بودند تا با ختم انقلابی مردم سده مواجه شوند. ساعت ۸ شاعزای انجمن اسلامی محله برای اسجاد سرفره صمی کردند پس مردم می‌شود

## گشتار و نیونگ، سیاست رژیم حاکم

بوده‌اند "ما" از قبل نقشه حمله مسلحانه به حزب را کشیده بودند "راست دادند". کارگران، زحمتکشان و سوده‌های مبارز چهارمحال و خمیساری! جان فرزندان دستگیر شده‌ها در خطر است. رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی می‌کوشد حائتی را که خود مرتکب شده به کردن فرزندان انقلابی شما با پاسداری و سدی طریق خود را در مقابل حائتی که اسامی داده، سرشک کرده و "ساکت و سی گناه" طلوع دهد. شما اعراب سدها به و کس کرده شما می‌نویسند جان این جوانان انقلابی را نجات دهد... در اعتراض و مبارزه علیه اس دستگیرها و گشتارها سباه حزمید. سدل از اعلامیه هواداران سازمان بنکار در راه آزادی طبقه کارگر (چهارمحال و خمیساری) ۱۵/۲/۶۰ سادگی بلخمی

در روز ۲۵/۲/۶۰ در پی یک درگیری میان سروه‌های انقلابی و توده‌های زحمتکش شهر کرد و پاسداران و اوسانان رژیم جمهوری اسلامی، یکی از هواداران مجاهدین سام علی فتح کریمی سوسله گلوله پاسداران سرمایه شدت محروم گردید و پس از صدور سوری شدن در بیمارستان سنها در رسید. ارتجاع‌ها کم که مست اهلی و سنها مقمر اس حیثیت است، جهت احراف ادهان توده‌های زحمتکش و برای مرتب آنان، سدر و عموان می‌کشند که علی فتح کریمی سوسله مجاهدین و بنکارها کشته شده است و برای مرتب سندر مردم، اقدام به برگزاری مراسمی برای شهید می‌کند! پس از این حیثیت و عوا مرفسی، ۱۵ نفر سوسله پاسداران سرمایه دستگیر می‌کند که سبب آن اسامی سی اس از قبل "مسلح

# به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتایم

### مراسم موفقیت آمیز اول ماهه در مشهد

در روز شنبه ۱۲ اردیبهشت از ساعت ۶ بعد از ظهر، هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق از محل چهار راه دروازه طلائی بطرف میدان شهدا دست به یک راهپیمایی موفقی زدند. راهپیمایان با شعارهای "اول ماهه، اول ماهه، روزنبرد کارگر، علیه سرمایه دار"، "سازمان، بنشن گران پیکاری و حسرت نمان، بهیما بهیما زحمتکشان، بهیما بهیما زحمتکشان" و... به طرح خواستههای کارگران و افشای ماهیت هیئت حاکمه پرداخته شدند.

در جلوی صف، بلاکار ردی با مضمون "کارگران جهان متحد شوید" به همراهی هردو سازمان و پلاکاردهای دیگری با مضامین حدیثی و مذهبی حمل میشد که برخی از پلاکاردهای سازمان پیکار عبارت بودند از: "مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی - برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق - زنده با سوسیالیسم"، "دستگیرشدگان راهپیمایی دیروز تهران" "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و سازمان چریکهای فدائی خلق - اقلیت" که بیش از ۵۰۰ تن بودند. آزادبا پس گردید و... .

در جریان راهپیمایی، اوباشان رژیم چندی با فریادهای زدن مراسم را داشتند که موفقیتی بدست نیامد و مردم نیز از دعوت آنها بیسرای حمله به کمیونیتها، هیچ استقامتی نکردند. این مراسم در ایستگاه سراسر به پایان رسید.

۶۰/۲/۱۸، با سوکرمندی سمپاشی میکنند که عامل درگیری، مصلحتان اخراجی و ماوا کبها بوده اند! اما رژیم به کمک نوکران روپزونیستش نیز نمی شواند ما نندگذشته سرچنایات خود سرپوش گذاشته و با آن راه گردن نیروهای انقلابی سیاندا زد. هم اکنون مردم، خواهان دستگیری و محاکمه کوروش ساکی و دیگر مزدوران هستند.

### تظاهرات موفقیت آمیز اول ماهه در تبریز

این تظاهرات با شعار "کویسده" "بیرلشون"، "بیرلشون، کارگر بیرلشون" (اتحاد، اتحاد، کارگران اتحاد) آغاز و با شعارهای "با شاسین کارگر، محور السون ارتجاع" (زنده با دکارگر، مرگ سراسر ارتجاع) "لیبرال خلقیمیزین دتمسی دور، حزب جمهوری انون آل بیبری دور، چالیشاخ هرا یکسین ناسود اداخ، ایشاخ خلقیمیزی آزاد اداخ" (لیبرال دشمن خلق ما ست، حزب جمهوری همدست آنست تلاش کیمینا هردورا ما بود کیم، سکوشم تاسا خلقمان را آزاد کنیم) و... ادا می یافت. شکوه صف راهپیمایان، عملاً ارتجاع را از هرگونه عکس العملی عاجز کرده بود. این مراسم با موفقیت برگزا گردید.

سپاهیان سداران منتخربمشود که در آن با کمال وفاحت، عامل حسابت را اافلایسون، معرفی می کنند. سعدا زظهر جمعه، حانواده دستگیرشدگان در جلوی سپاهیان سداران تحصن کرده و حوا ستار آزادی فرزندان شان بدون هیچ عید و شرط می شوند. اکثریتی های خاشن نیز در روز شنبه

همان سبب روز اول ماهه روز چینی کارگر سازمان پیکار - تشکلات آزادی جان، تظاهرات موفقیت آمیزی در تبریز برگزار کرد. در این تظاهرات که در ساعت ۱۰ صبح روز جمعه از قبل معمم آغاز شد و بیش از هزار نفر در آن شرکت داشتند به رسم سرخ طبقه کارگر که شعار بر عظمت "کارگران جهان متحد شوید" بر روی آن نقش بسته بوده اعتراض آمد. در طی مسیر پیکاری انقلاب به پیش و پسروش اعلامیه ها و نشریات سازمان مشغول بودند و ما در آن مبارزه تشویق راهپیمایان سپردا ختم. یکی از ارمان در آن مبارزه فریاد سبزه "موفی ما شیدیمرا نم، ما رره کسید بر علیه سرمایه داری، عید خونین کارگران سیمانما رگ باد."



تبریز: بهرچم سرخ "کارگران جهان متحد شوید" در پیمانای سراسر راهپیمایی اول ماهه

### فرزندان ما را کجا برونه اند؟

"عده ای از خانواده های زندانیان سیاسی" در نامه ای خطاب به جمعیت حقوقدانان ایران، به دستگیری و شکنجه فرزندان خود در زندان اوین اعتراض کرده و خواهان پیگیری مسئله از جانب آنها شده اند. قسمتی از این نامه را در زیر میخوانید:

"... هفته پیش (۱۱ اردیبهشت) مسئولین زندان اسامی چهارتن از فرزندان ما را از سلندگوم میخواستند که این افراد هرچه زودتر به دفتر زندان بروند. اما فرزندان ما که از نقشه آنها آگاه شده بودند، از رفتن خودداری میکنند و به همین دلیل رئیس گروه فریب با خشم وارد بند عمومی زنان میشود و خطاب به فرزندان ما میگوید: "با این چهار نفر با یدبها پندیا اینکه به گریهتان خواهانداخت. بچه ها همگی بلند میشوند و از زنده نمی دهند که ۴ نفر را سداران ما خودسرند. با سداران که از این اعتراض بشنید در صفحه ۲۰

### قسمتهایی از پیام زندانیان هوادار سازمان در زندان اوین بمناسبت شهادت "بابی ساندز"

بیا برحقای زندانی سیاسی به ما تلمسی بیا مون رژیم و جناحهای مداخلاتی حاکم و نیز جیش توده ها علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و نقش کمونیستها و طبقه کارگر و نیویز خیانت روپزونیستهای حروشی و سه جانشی برداشته و در پایان می گوید:

"مردم مبارز ایران همبستگی عمیق خود با خلق ایرلند را در مبارزه ای بی امان و درخروش طوفانی خود بر علیه سیستم سرمایه داری وابسته بیان میدارند. مبارزه ای بر علیه همان سرمایه ای که، ساسی ساندز را به سدا کشیده و خلقش را چپاول میکند. ما زندانیان هوادار سازمان پیکار... مبارزه تلمسی - ما ندز" بر علیه امپریالیسم انگلستان را رچ نه ساد و معتقدیم در مبارزه ای که بر علیه سلطه جابرا نه سرمایه به پیش میبریم، پیروزی از آن خلقها ست.

"در پی ۶۵ روز مبارزه در درون سلولهای مرکزی سرمایه، "بابی ساندز" تیلور و نفیبر انقلابی توده های ایرلند در گذشت. مرگ دلیرانه این فرزندان مبارز مردم تحت سلطه ایرلند، مبارز دیگر چهره پلید امپریالیسم را در مقابل خلقهای جهان به نمایش گذاشت و نشان داد که امپریالیسم برای چپاول دسترنج زحمتکشان از هیچ جنایتی رویگردان نموده و ابتدائی ترین خواسته های انسانیت، زمانیکه چهره در مقابل سرمایه بنماید، دستخوش سرکوب ددمنشان میگردد. مبارزه و مقاومت ساسی ساندز، ساندزندهنده غرور و فریاد اعتراضی خلقهای سراسر جهان بر علیه امپریالیسم بود. ساندزندهنده طغیان غرور آمیز و نفرت مردم مبارز ایرلند بر علیه سگان پاسبان سرمایه در این کشور، که به نجه در گلوئی آنها افکنده است، بود. شان و خشم و نفخ را انقلابی بود که بر علیه سلطت بیگانه، سراسر ایرلند را فرا گرفته است. بابی ساندز شهید گشت، لیکن مبارزه هر روز در روند شد و حرکتش، حصورانه قلب دشمن را بسا پیکان زهر آگین خود می شکافد. "

# بودجه ۱۳۶۰: بودجه تشدید وابستگی، بودجه تشدید فقر و فلاکت زحمتکشان!

خصوصیت ویژه لایحه بودجه ۱۳۶۰ دست اندازی سرحما نه آن به زندگی سراسر فقیرانه میلیون ها کارگر و زحمتکش و دشمنان هست. در واقع، ندادن حق و حقوق واقعی توده ها در رژیم های سرمایه داری یک مسئله عام و همگنی است. اما این مسئله در تکان مل خود در دوران بحران های سرمایه داری تا حدست بردن به درآمد ها و ما بحتاج اندک زحمتکشان و در واقع با شستن آوردن هر چه بیشتر سطح زندگی آنها نیز پیش می رود. در لایحه بودجه رژیم نیز چنین امری کاملاً مشهود است. این دست اندازی برهمنی و در آمد و ما بحتاج کارگران و زحمتکشان که از سال گذشته و با شروع جنگ ارتحای ایران و عراق آغاز شده بود، امسال وارد مرحله تازه ای شده و با ایجاد سرمایه مالتوس و تراکت با ترغود، علاوه بر اینکه جلوی ارتقا سطح زندگی زحمتکشان را سد میکنند بلکه شدیداً آنرا به طور مستقیم و غیر مستقیم، کاهش میدهد.

بودجه، مختصرانگاری به بخشهای مختلف آن می اندازیم:

بخش های اساسی جدول خلاصه بودجه سال ۱۳۶۰ به قلم مرکب از مالیات، نفت و سایر درآمدها در ستون دریا فتها و دو قلم در ستون پرداختها مرکب از اعتبارات عمرانی (سرمایه گذاری ثابت) و اعتبارات جاری میباشد. در ستون دریا فتها ما به این ارقام برخورد میکنیم: (مالیات ها ۵۴۴/۴ میلیارد ریال - ۲ نفت

۶۰٪ بیشتر از سال قبل "یعنی بیش از ۱/۵ برابر) مالیات بگیرد. این مسئله را بیشتر بشکافیم:

هما نظور که میدانیم مالیات از دو قسمت مستقیم و غیر مستقیم تشکیل شده که مالیات مستقیم از طریق بستن مالیات بر روی درآمدها و ... تا ... میشود و مالیات غیر مستقیم از طریق افزایش قیمت کالاها و ... بدست می آید. نگاهیم به مالیات اخذ شده در سال گذشته نشان میدهد که

● با این ترتیب با چنین بودجه ای که آئینه تمام نما و تبلور کامل، از ماهیت ضد مردمی رژیم و بحران اقتصادی بسیار شدید آن میباشد. سال ۱۳۶۰ را باید سال تشدید تضاد های میان رژیم جمهوری اسلامی و کارگران و زحمتکشان دانست. سالی که ظلمت های این مبارزه پر شور و گسترده را از مدت ها پیش شاهدش هستیم.

قسمت کمی از آن بطریق مستقیم اخذ شده است. بعنوان مثال به اعتراف خود رژیم گوش میکنیم تا ببینیم چه میگوید: مهندس سحابی نماینده مجلس و رئیس کمیسیون برنا به بودجه مجلس در مصاحبه ای میگوید: "بخش تجارت چیزی در حدود ۱۴۰۵ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود برده است در حالی که از همین بخش فقط ۳۵ میلیارد ریال مالیات گرفته شده است. در حالیکه میبایست ۶۰۰ میلیارد ریال مالیات اخذ شود" (انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین) علاوه به اعتراف خود رژیم صایع داخلی در سال ۵۹ بجای سوددهی فرهای هنگفتی بجا آورده است که طبیعتاً آنها را از پرداخت مالیات معاف میکند. طبق گفته نبوی سخنگوی دولت: "کارخانه های ما سال گذشته ۱۵ میلیارد تومان سود داده اند". (جمهوری اسلامی شماره ۵۴۶)

۲۴۱۱/۶ میلیارد ریال و ۲- سایر درآمدها ۱۵۷/۳ میلیارد ریال. در ستون پرداختها نیز ۱- اعتبارات عمرانی ۱۴۰۹/۳ میلیارد ریال و ۲- اعتبارات جاری ۲۰۵۲ میلیارد ریال در نظر گرفته شده است. لازم به تذکرات که بودجه نظامی مالیات با مبلغی حدود ۵۰۰۰ میلیارد ریال اعتبارات جاری قرار داده هزینه های جنگ ایران و عراق نیز با میزان ۵۵۲/۷ میلیارد ریال، هم در درون اعتبارات جاری و هم عمرانی قرار دارد که بخش عمده آن بر روی بودجه جاری سرتکن شده است. و در نتیجه کل اعتبارات نظامی سال ۱۳۶۰ چیزی در حدود ۱۰۵۰ میلیارد ریال میشود که تقریباً ۳۲٪ کل بودجه ۱۳۶۰ را شامل میشود. هما نظور که ملاحظه میشود برای تأمین این اعتبارات، بطور عمده بول حاصل از مالیات و نعت در نظر گرفته شده و با این ترتیب بودجه بطور عمده بر روی این دو قلم تکیه دارد.

می بینیم که ۳۵ میلیارد ریال نسبت به ۲۴۰ میلیارد ریال کل مالیات اخذ شده چیزی در حدود ۱۴٪ است در حالیکه مالیات غیر مستقیم بخش عمده مالیات را تشکیل میدهد چنانکه مهندس سحابی درحالی دیگر میگوید: "در بودجه عرضه شده (بودجه سال ۶۰) عمده درآمدهای غیر مستقیم دولت، بر روی مالیاتهای غیر مستقیم است که عبارت از مالیاتی است که دولت روی قیمت اجناس با کالاها میگیرد. (جمهوری اسلامی ۲۴ اردیبهشت)

حال پس از ذکر ارقام اساسی بودجه، به بررسی کلی هر یک از این موارد می پردازیم: ۱- در بخش مالیات ها که ۵۴۴/۴ میلیارد ریال در آمد برای آن در نظر گرفته شده، نگاهیم به مالیاتهای پیش بینی شده در سال ۵۹ که ۴۱۸/۲ میلیارد ریال در نظر گرفته شده بود و در عمل فقط ۳۴۰ میلیارد ریال اخذ شد، نشان میدهد که مالیات پیش بینی شده برای سال ۶۰ نسبت به میزان تصویبی ۵۹ ۳۰٪ نسبت به میزان اخذ شده ۶۰٪ افزایش نشان میدهد. به عبارت واضح تر دولت برای امسال میخواهد

نگاهی به بخش ها و مختصات گوناگون لایحه بودجه ۱۳۶۰ بخوبی چنین امری را نشان میدهد افزایش مالیاتهای غیر مستقیم نسبت به مالیاتهای گذشته و وزنه سنگین آن در بخش مالیاتها (نسبت به مالیات مستقیم) سهمیه بندی کالاها که طبق ادعای خود رژیم، امسال علاوه بر اینکه ادامه پیدا میکند، بلکه کالاها را "دیدتری راهم در بر بگیرد، بالا بردن سویدی کارخانه ها که در واقع چیزی جز استعمار جدید تر و وحشیانه تر کارگران نیست، ثابت ماندن دستمزدها در طول سال جاری، کاهش یافتن شدید اعتبارات جاری که منشا شکر کارکنان دستمزدها و مزایای مردسگبران ندارد، کاهش شدید اعتبارات عمرانی که کیفیت تعطیلی پروژه ها و طرح های گوناگون شما شده و حفظ و گسترش بیکاری را بدنبال دارد، تشدید تورم به میزان خیلانی بیشتر از سالهای گذشته که بخش بزرگی از درآمد اندک کارگران و زحمتکشان را می بلعد و ... همگی دست اندازی های رژیم هستند بر درآمد ها و سطح زندگی پائین توده ها.

با این ترتیب با چنین بودجه ای که آئینه تمام نما و تبلور کاملی از ماهیت ضد مردمی رژیم و بحران اقتصادی بسیار شدید آن میباشد، سال ۱۳۶۰ را باید سال تشدید تضاد های میان رژیم جمهوری اسلامی و کارگران و زحمتکشان دانست. سالی که ظلمت های این مبارزه پر شور و گسترده را از مدت ها پیش شاهدش هستیم. برای روشن کردن این خصوصیت ویژه

نان ، مسکن ، آزادی

میخواهد خذ کند آنهم بطور عمد و غیر مستقیم ، چیزی نیست جز افزایش هر چه بیشتر مالیات بر روی کالاهای مورد نیاز مردم و در نتیجه با راضی این افزایش مالیات ، سروری دوش میلیونها کارگر و دهقان زحمتکشی سنگینی میکند که ناچارند ما به احتیاج اساسی خود را با قیمت هاشی بسیار گرانتر تهیه کنند ، و این چیزی نیست جز پس گرفتن مقداری از دستمزدهای کارگران و زحمتکشان ، البته بطریق غیر مستقیم که نتیجه آن فقر و فلاکت و خانه خرابی هر چه بیشتر برای آنهاست .

۲- در بخش نفت ، دولت تصمیم به فروش نفت در سال جاری به میزان ۲۴۱۱/۶ میلیون دربار گرفتار است ؛ به این مسئله نیز قدری بهر داریم ؛ میزانی که رژیم برای فروش نفت در سال ۵۹

است به این هدف خود منی بر سرش ۲۴۱۱/۶ میلیاردریال نفت ( سه برابریال گذشته ) جا مه عمل بیوشانند ؟ و اقیامت چندی نشان میدهند که این ادعای رژیم ، بگزاره گوش مخرد - ای بیش نیست ، اولاً : قدرت استخراجی رژیم در اثر ضربات ناشی از جنگ آنچنان اندک است که بهیچوجه به آن چنین امکانی را نمیدهند . چنانکه اکنون که دو ماه از آغاز سال حساسی می گذرد و نشان از افزایش استخراج نیست بچشم نمی خورد .

ثانیاً : با کاهش صدور نفت ایران - بخصوص با آغاز جنگ - سایر کشورهای تولیدکننده نفت و بخصوص عربستان ، بمیزان زیادی تولید خود را افزودند که جای خالی ایران را پرکنند و علاوه اکنون امپریالیستها واردکننده نفت با آنچنان وفور ذخایر نفتی مواجه هستند که حتی

● با این ترتیب مالیاتی که رژیم جمهوری اسلامی به میزانی بیش از ۱/۵ برابر سال گذشته میخواهد اخذ کند آنهم بطور عمد و غیر مستقیم ، چیزی نیست جز افزایش هر چه بیشتر مالیات بر روی کالاهای مورد نیاز مردم و در نتیجه با راضی این افزایش مالیات ، سروری دوش میلیونها کارگر و دهقان زحمتکشی سنگینی میکند که ناچارند ما به احتیاج اساسی خود را با قیمت هاشی بسیار گرانتر تهیه کنند .

بیش بینی کرده بود ۱۷۵۴ میلیاردریال بود که عملاً بیش از ۸۸۹ میلیاردریال نتوانستند بفروش برسانند ، یعنی نصف آن را ، حاصل در بودجه سال جاری تصمیم داده میزان فروش آنرا به سه برابر فروش سال گذشته برسانند ؛ رقمی که حتی در رژیم پهلوی نیز سابقه نداشته است ، بدین ترتیب گذشته از آنکه تمامی ادعاها و تبلیغات مزورانه رژیم مبنی بر کاهش صدور نفت برای حفظ ثروت ملی و ... بر ملا شده در عین حال نشان داده میشود که این رژیم نه می - خواهد و نه میتواند قدمی در جهت حفظ منافع توده ها در این مورد بردارد ، بهیچمیان افزایش تولید نفت از کجا آب میخورد و اصولاً آیا امکان پذیر است ؟ و علاوه چه عواقبی دارد ؟

الف - این افزایش تولید نفت از کجا آب میخورد ؛ در تاریخ ۱۸ فروردین امسال رجایی اعلام کرد که دولت ۱۱۰ میلیون ردتومان کسر بودجه دارد ( کیهان ۱۸ فروردین ) بلافاصله بگروز بعد از آن ، نبوی مامون وی و سنانگسوی دولت ادعا کرد که مبلغ واقعی کسر بودجه ۶۰ میلیون ردتومان است ! ( انقلاب اسلامی ۱۹ فروردین ) و سپس وقتی در سوم اردیبهشت لایحه بودجه اعلام کردید ، رجایی در آن ادعا میکند که اصولاً هیچ کسر بودجه ای نداریم ! او بدین ترتیب کسر بودجه آب میشود و بزمین فرو میرود ، اما واقعیت این است که رژیم برای پنهان کردن بحران اقتصادی خود از چشم توده ها ، با لایردن فروش نفت تصمیم به پوئوشاندن کسری بودجه میکند اما مگر خودها نمیخواهند که کمترین از ده هفته قبل از آن اعتراف کرده بودند که ۱۱۰ میلیاردر تومان کسر بودجه داریم ؟!

ب : از اینها گذشته ، براساسی آنرا رژیم قادر

به لغوبرخی قراردادهای نفتی خود با برخی از کشورهای پیراخته اند . و تولید جهانی نفت روزانه از ۲ میلیون بشکه ما را در مصرف است ، قیمت نفت نیز در همین رابطه در سطح جهانی شزل با فتنه است ، اگر این نکته را در کنار این مسئله بگذاریم که امپریالیستها برای جانی با مشاهده نیاز و آن رژیم ایران به فروش نفت زمینه سازی برای تحت فشار گذاردن رژیم در جهت پاشیدن آوردن بهای نفت می یابند ، عملاً می بینیم که امکان فروش رفتن این میزان هنگفت نفت منتهی میشود ، چرا که - افزایش تولید ، به توجه به ما زاد نفت تولیدی دنیا ، موجب پاشیدن آمدن قیمت نفت میشود که متقابلاً ضرورت افزایش آن را بمیزانی خیلی بیش از ۲/۵ میلیون بشکه در روز بیش میاورد که این خود با زنا توانی رژیم را در رسیدن به چنین میزانی از تولید ، بیش از پیش آشکار میسازد .

پ : و اما عوارض این چنین افزایش تولیدی رژیم را بسمت وابستگی هر چه شدیدتر سوق میدهد چرا که امپریالیستها با استفاده از این نیاز شدید رژیم به فروش نفت ، با انجام عملیات پاپایی ، به صدور کالاهای خود پرداخته و بدین - ترتیب گشای اقتصاد دکتور را بسمت وابستگی شدید میکنند ، علاوه توری که از این رهگذر دانگنیر ما به احتیاج عمومی و رزاق مورد نیاز مردم میشود ، از عوارض دیگری است که در جهت شزل سطح زندگی کارگران و زحمتکشان و سرازیر کردن دستمزدهای آنها به جیب امپریا - لیستها ی خونخوار رجایی سیر میکند .

با این ترتیب می بینیم که امکان تا میسر بودجه از طریق نفت نیز امری محال است و رژیم با تمام چاکر منشی های خود در قبال امپریا -

لیستهای خریدار نفت ، نه تنها قادر نخواهد بود حتی نیمه از درآمد پیش بینی شده نفت را بدست آورد ، بلکه موجب دست اندازی هر چه بیشتر به زندگی محقر زحمتکشان به سع امپریالیسم جهانی نیز میگردد .

۳- آخریس منبع تامین درآمدهای عمومی " سایر درآمدها " میباشند که برای امسال میزان آن ۱۵۷/۳ میلیاردریال در نظر گرفته شده است در حالی که رقم تمویبی آن در سال ۵۹ ، ۱۴۱/۵ میلیاردریال بوده که در عمل فقط ۱۱۹/۲ میلیاردریال تا مین شده است ، رژیم اعتراف کرده است که در این مورد دچار رتنگنهای بسیاری است و از جمله نبوی اعلام کرده که در بخش صنایع ۱۵ میلیاردر تومان ضرر کرده اند ، از همین روی رژیم برای سال جاری در نظر دارد ۲۵٪ کل تا میسات معنی مورد بهره برداری را از حالت زیاندهی به سوددهی برساند ، رجایی ضمن اعلام این مطلب در گزارش بودجه ۱۳۶۰ میگوید : " با برنا بهای که برادران همکار در وزارت صنایع و معادن در دست اجرا دارند چنین تمهیدی داده اند ، با این ترتیب رژیم علاوه بر دستموا شتفا روحیانه ای که تاکنون برگردان کارگران تحصیل کرده است از این بخدمتخوا ۲۵٪ نیز بر آن بیفزاید .

در بررسی علل فقدان بازدهی منابع در سال گذشته ، یکی از عوامل مهم را باید ایستادگی هار میازات عادلانه کارگران در مقابل بهره کشی - های رژیم و سرما به داران دانست ، مبارزه کارگران و ایستادگی آنها در این مورد ، مهمترین عاملی بود که رژیم را نتوان از رسیدن به اهداف آغازینش نمود ، اما امسال هم علیرغم اینکه رژیم چنین تصمیمی گرفته ما شاهد مقاومت پر شورتری از جانب کارگران خواهیم بود .

رژیم در تلاش عبث خود برای تا مین ۲۵٪ سود - دهی ، طبیعتاً علاوه بر افزایش فشار بر سروری کارگران برای افزایش تولید ، اقدام به سرکوبهای وحشیانه تر میازات آنها نیز خواهد نمود و این از غلظتها ی عمومی یک سیستم سرما به داری وابسته است ، کارگران با پسندیدن آنند که تنها با اتحاد و تشکیل خود در مبارزه - ای هر چه گسترده تر خواهد نتوانست در مقابل این نقشه تومی که رژیم برایشان کشیده است ایستادگی کرده و توطئه های فدکارگری آنرا خنثی سازند .

۴- وقتی یک چنین وضعیتی بر درآمدهای عمومی حاکم باشد ، طبیعتاً تا شیر خود را برهزینه ها نیز که مستطبق بر این درآمدها تعیین شده اند میگذارد ، همانطور که گفتیم از مجموع ۳۱۶۱/۳ میلیاردریال اعتبارات جاری و عمرانی ، ۵۵۲/۷ میلیاردریال مربوط به هزینه های جنگی و ... میباشد ، طبیعتاً رژیم نمیتواند این رقم را در صورت عدم تا مین درآمدهای پیش بینی شده کاهش دهد و همچنان ثابت میماند ، در نتیجه کاهش درآمدهای عمومی ، مستقیماً تا شرخود را بشکند در صفحه ۱۷

# روشنفکران و جنبش کمونیستی (قسمت دوم)

کوحد و عمره) سارو سیمیا رنزدیک است ، ارباط لاسفک دارد . (لمین: بک گام سه پیش دوکا مه پی )  
اگر چه روشنفکران بیرون را به لحاظ سنگری طبعانی وحی خصوصیات خود سب عروس - فکان سورزوا بطور کمی متفاوت مساند ، لیکس روحه انفرادی منجی و گریز را انطاط آهسی کمونیستی در آمان موجود است و آسان در مقابله با بیرون را ای کمونیست با استواری مضمی ارحود سرور می دهد . آسان به لحاظ موقعیت

نده و سه سوط آنها ته بیرون را عا شی که ارحیث سکا مل فکری خود سر حسه اند مسفل می گردد ، " آ مورش سوسال سیم ار آن نشوریهای فلسفی ، تاریخی و ایمادی سو ونما با مساند که سنا سندگان داسور و روشنفکران شمع سوده اند . خود مارکس و انگلس موجدس سوسال سیم علمی معاصر سیرا ر لحاظ موقعیت احسانی خود در مره روشنفکران سورزوازی سوده " (چه سانه کرد ؟) روشنفکران مارکسیست اغلب ارا ففسار

هما بطور که کف سیم روشنفکران اگر چه وجه اسرا کنان کسار فکری آسان لیکن اربسطه نظر کراس اند ثولوزیک خود را ای سنگری - های طبعانی گوناگون مساند ، آسان سه هجوجه مصنوعه واحدی که مدافع مایع سیک طیفه احسانی مضمی سانسید سید لکه سیکس خود سه سندگان آگاه طیفات مختلف سیم سسوده و سافکرو فلم خود در را آرمان طبعانی جوین فعال سیم سنا سده . در حاضره سربانه داری و سخصوص در دوران امیرا لیم ستمایز سکان گروه سیدیهی روشنفکران نظر عا شی خود مایمی سوده و گرا سانات طبعانی سس از هر مان دیگر عربان سیکر دند . گروه سیدیهی روشنفکران سورزوا و روشنفکران بیرون را شی دو گروه سدی سرحسته اس دوران ستماری آسند . در طسول حاضره سربانه داری ، اگر در ا سنا به لحاظ نقش سترعی سورزوازی روشنفکران سورزوا نفس سارر و انقلابی اسنا سوده سدر سرحمدار سارره علمسه ظلمت و نا ریک اندیشی سظم گمهن گردیدند ، اما با سرار سدن انقلابات بیرون سترعی نفس سارر و انقلابی خود را ارد سداد ده وحای خود را سه روشنفکران بیرون را شی سیر دند . روشنفکرانی که برای آرمان سوسال سیم و کمونیسم علمسه ظلمت سربانه داری سرحمدار ره انقلابی را سرار سند . در دوران حاضره روشنفکران سورزوا با سنا مقدرت جهان سیمی طبعانی خود را سه صورت سدی عظیم در سار آگاه سرون سار سنا و سوده های رحمدک سکا رسکری سند ، آنها سسرای خدمت به سورزوازی حاضری را سرحیف سوده و رشتی های سیموا ستمار سربانه داری را سرده - پیونی سیم ساند . در واقع آسان سکی از هر مای ساسی خاک سیمت سورزوازی در جهت سرحک سوب بیرون را سیم ساند ، آسان خود سرحک ساسی سسند که در راه مایع سربانه سطمه کار گروا سه سلاح حاضره سورزوازی سوا حواده و تلاش سیکسند هر روز سرون سترعی را در مان کارگران و دهقانان کور و حاضری موش سنا سند . در مقابل اس روشنفکران سورزوا ، روشنفکران سسرو بیرون را شی سسند . روشنفکرانی که حاضری علمی را سه سلاح رهائی طیفه سیدل سوده اند . روشنفکرانی که اند ثولوزی سرون سار شی را با حاضری خود - سحودی کارگران سسوده و طیفه کار گروا سسرای انقلاب احسانی آما ده سسار د . روشنفکرانی که سه سورزوازی سست کرده سه طیفه آسند سار رسوده اند ، اغلب اس روشنفکران از سکان طیفات مره وحی سورزوازی حاضره سرحا سنا سند لیکن آنها طیفه خود را سرح گفته سه سسنا سرون را سدر آ سده اند . لئس در اس رسسه حسی میگوید :

"حامل علم هم بیرون را سنا سوده و لیکسه روشنفکران سورزوازی سسند . سوسال سیم کنوسی سسدر معرا عدی اراس فشر سدا

... روشنفکران به لحاظ جدائی و دوری از روحیات رزمنده ، شور و عشق طیفه کارگر و در مقابل به خاطر وجود روحیه انفرادی منعی ، روحیه تحقیر کار جمعی ، روحیه تحقیر تشکل و انضباط ، روحیه گریز از کار تود ، ای ویراتیک انقلابی ، روحیه لیبرالیستی و پاسیفیستی ، روحیه محلیسم و فرا کسیونیسیم ، روحیه انحلال طلبی آکادمیسیم - که همه سنا نه ای از خصوصیات طبعانی و موقعیت اجتماعی آنا سست - زمینه مساعد تری جهت در غلطیدن به انحراف دارند

احسانی خود و عدم سرحکشان در تولید اجتماعی اربک سوسنا را اند ثولوزی سورزوا شی در انکال محل سدن ارسوی سیکر دجا سرنزلات مختلف گردیده و گاه سسری را طی سسما سید که سرانحاط سه حبا سترعی علمسه . سه معنای دیگر سرنزلات روشنفکرانه سسرو سادی جهت سرحک سسندن انحرافات حرده سورزوا شی و سورزوا شی میگردند مسئله قابل سنا کسدر اربحاط این است که روشنفکران مارکسیست زسسه سسمد تری جهت سه انحراف در غلطیدن دار سده و سصوص این مسئله در مای سیکل سار زطهور سیکسند که سسبون سند بولادین سمان آمان و کارگران سسرو سه وجود سنا سده است . در حسی شرایطی روشنفکران سه لحاظ حاضری و دوری ارحوضات رسنده ، شور و عشق طیفه کار گروا در مقابل سنا طر و خود روحسه انفرادی سشی ، روحیه تحقیر کار جمعی ، روحیه سحفر تشکل و انطاط ، روحیه گریز از کار توده ای ویراتیک انقلابی ، روحیه لیبرالیستی و پاسیفیستی روحیه محلیسم و فرا کسیونیسیم و روحیه انحلال طلبی و آکادمیسیم - که همه سنا نه ای از خصوصیات طبعانی و موقعیت اجتماعی آنا سست - زمینه مساعد تری جهت در غلطیدن سه انحراف دارند این روحیات روشنفکرانه و سرنزلات ساشی از آن سستر ستمندی برای ظهور و رشد انحرافات ایورتونیستی و روبریونیستی سسما رمی آسند .

مره سرحا سنا سید لیکس آسان خاک سکا و طبعانی خود را سه مایع مومع سرون را شی سرحک گفته سه و سه روشنفکران طیفه ای سیدل سده اند که برای کمونیسم می حگند . سنا اربس روشنفکر - اس که اند ثولوزی سورزوا شی را سدر و آسند و سه مارکسیسم سس سیم سرون سده اند در حقیقت سه بیرون را سس سیکری سسده اند . اما بیرو اصح است که آسان سوسزه دز سراطی که سسود سنا سوار سسکا سکی با بیرون را سس سرار سکر دده به لحاظ موقعیت احسانی خود را ای سرنزلات حاضری سسوده و زسسه سسادی را برای سسدر کراسانات اند ثولوزیک سسرو سدیور لوسری در خود دارند . لئس سسگفت : " سسکس حرا با سکا را سس موضوع را سدار که روشنفکران که فتر حاضری از حاضری کمونیستی سربانه داری سسند سسخت مشخصه سمان همان انفرادی سشی و عدم سسداد سسرای دانشی اسباط و سارمان است .... و در سس سنا سگفت که سس سس مقص اس است که این سسرا حاضری را اربرون را سسری سس سس سسار د سکی از غل سسحالی و نا استواری روشنفکران که اکنوا سسرای بیرون را سسنا محسوس است ، در همین موضوع سسخته است و این حاضری روشنفکران با شرایط عادی زندگی آنها و با شرایط در آمد و عایدات آنها که با شرایط زندگی حرده سورزوازی (کار در حالت انفرادی در جمع سسهای سسار

## زنده باد سوسیالیسم!

ارتداد ایدئولوژیک و خیانت نسبت به آرمان پرولتاریا به یکباره نا زل نمی شود، ارتداد دینی یک روند دربرگیرنده روحیات و ویژگیهای غیر پرولتاریائی شکل میگیرد. هرگونه تزئین نسبت به ایدئولوژی پرولتاریا (مارکسیسم-لنینیسم) و هرگونه کمبها دادن به مبارزه ایدئولوژیک کمونیستی اثرات مرگبار خود را گذاشته و ورطه ارتداد را نزدیک و نزدیکتر میآورد. مبارزه با روحیات و خصوصیات انحرافی فوق مبارزه با طوطی ها شای از پورتونیم بشمار می آید. عدم مبارزه با این انحرافات غیرپرولتاریائی پورتونیم را قوام بخشیده و ارتداد ایدئولوژیک را بشما نتیجه حتمی آن احتساب نا پذیر میکند. در این جا بحث بر سر تعریف عنصر آگاه نیست و نمیتواند با شش خط یک دیدگاه اکتونومیستی و عقب مانده مینواند عنصر آگاه را نفی نماید، فقط کسانی که نمیدانند پرولتاریا با قدرت برسد و جنبش کارگری حتمی بورژوازی باقی نماند عنصر آگاه را نفی میکنند در اینجا بحث بر سر است روشنگری جنبش و وجود زمینه گسترده جهت رشد و غلبه پورتونیم و ارتداد و رویونیستی است.

جنبش کمونیستی ایران اگر از یکسوی تفتت ایدئولوژیک مواجه میماند از سوی دیگر با مادیوندا ستوار با پرولتاریاست. به این معنا که رابطه متعادلی میان روشنگران مارکسیست و جنبش طبقه کارگر موجود نیست. جنبش کمونیستی ایران اینک فقط یک گرایش ایدئولوژیک نیست، این جنبش در حال حاضر فقط در چهارچوب وجود ماحول و گروههای شورویک و بدون هرگونه رابطه با کارگران تعریف نمیشود. جنبش کمونیستی لنینیستی ایران از محدوده روشنگران کمونیست که در ماحول شورویک جمع شده فراتر رفته و دوران مطلقیت سرگذاشته است. لیکن این پیشرفت در عین حال بسیار محدود است. اگرچه جنبش کمونیستی با بخشی از کارگران پیشرو رابطه برقرار کرده، اما این بخش هنوز محدود میماند. جنبش کمونیستی علیرغم پیشرفت های خود بخصوص طی دو سال اخیر، هنوز توانسته است توده پیشرو طبقه کارگر ایران را متشکل سازد و همراه نماید. هنوز کارگران مستعد بسیاری وجود دارند که اگر آگاهی سوسیالیستی ذهن آنان را روشن نکرده و در تشکلات کمونیستی سازمان نیافته اند هنوز شور پرولتاریائی و روحیات پرولتاریائی تشکلات کمونیستی را آکنده نمانده است. بدین ترتیب اگرچه جنبش مارکسیستی - لنینیستی فقط یک گرایش ایدئولوژیک نیست، لیکن هنوز به یک جریان قوی احتمالی تبدیل نگشته است و پرواضح است که ساخت روشنگری جنبش زمینه مساعدی برای رشد انحرافات پورتونیمیستی و رویونیستی بشمار می آید. اگر در هم آمیختن مارکسیسم-لنینیسم و پرولتاریا جنبش را به دژ استواری تبدیل مینماید و آنرا در برابر انحرافات غیر پرولتاریائی

مقاوم نموده و مستحکم میسازد، در شرایط فقدان چنین وضعی و وجود تشکلات ایدئولوژیک روشن است که ایدئولوژی بورژوازی و سایر استهسای خرده بورژوازی و بورژوازی عرصه ساخت و ساز گسترده ای مینماید و جنبش کمونیستی به لحاظ خوان بودنش میتواند سبقت مورده غیره برار گیرد. در چنین هنگامی رویونیسم و پورتونیم گنبدیده از قدرت تعرض و تنها حمایتی برخوردار بوده و ضربات سنگینی میتواند به جنبش و نیروهای آن وارد آورد. گاهی به تازگی دو

● امری روشن است که گوش فعال در تبدیل ساخت روشنگری جنبش به ساخت پرولتاریائی یکی از عوامل اساسی رفع بحران جنبش کمونیستی است. به همین خاطر جنبش کمونیستی وظایف سنگینی در پیوند خوردن به جنبش خود بخودی طبقه کارگر دارد. بدون این پیوند پرولتاریا قدرت نخواهد رسید و بدون این پیوند روشنگران مارکسیست از انحرافات خطرناک و مهلک و از روحیات انفرادی منشی، خود مرکز بینی، پاسیفیستی و آکادمیستی نجات نخواهد یافت.

سال اخیر جنبش کمونیستی بسیار ناگوارین حقیقت است. بحث اعظم با زمان چریکهای فدائی است. انکا تزئینات روشنگرانه خود و بخصوص انحرافات راست و رویونیستی خود به ورطه حیات در غلطید. امروز در شرایطی که جنبش دچار ضعفها و انحرافات ایدئولوژیک بوده و تشکلات ایدئولوژیک آنرا در سنگنا قرار داده و در شرایطی که جنبش با قیادیه توده ای مستحکم مینماید و از زمان در خود یعنی پرولتاریا جداست، نیروهای جنبش زیر فشار ناشی از عملکرد این عوامل بدرجات مختلف دارای انحراف مینمایند. "راه کارگر" یا ساخت شده روشنگری خود و بسا چا تزئینات و روحیات پاسیفیستی روشنگرانه و نیز انحرافات ایدئولوژیک - سیاسی رویونیستی خود نمونه برجسته ای بشمار می آید. اگر در خاظرمان باشد "راه کارگر" حیات خود را با منشی تزما رگمیستی سوسیال امپریالیسم آغاز کرد. این نیرو در شرایط تشکلات ایدئولوژیک جنبش کوشید تا بسا "نوآوری" رویونیستی خود "لفظ حادث" ایجاد نموده و زمینه ارتداد دینی را در سطح جنبش گسترش بخشد. در حقیقت "نوآوری" راه کارگر جنبش بیان تزئینات روشنگرانه نسبت به مارکسیسم-لنینیسم و اصول اساسی آن، انحلال فلسفی روشنگرانه در عرصه سیاست پرولتاریائی، آکادمیسم بورژوازی و گرایش ایدئولوژیک رویونیستی چیز دیگری نبود. "راه کارگر" یا فضل فروشی و خود سرگرمی خرده بورژوازی و بسا هیا هوی بسیار اعلام "کشف جدید" نمود. اما کشف این روشنگران نه تنها بسک کشف جدید نبود بلکه همان خزعات رویونیستی بود که سالها قبل از آن توسط رویونیستها مطرح شده بود. روزمندان نموده دیگری بسبب. آنان با روحیه مطلقیت و روحیه تحقیر و حدت طلبی از یکسو و "کشف های جدیدی" در باره "سرمایه - داری خودی" در ایران، خرده بورژوازی فدایی خلق خدا مپریالیست، "وتز" "نمیدانم، چه میدانم" در مورد سوسیال امپریالیسم از سوی دیگ

تزئینات روشنگرانی که بر کمونیسم استوار نیستند و اسرار انحرافات رویونیستی ممانند را به شما نشان گذاشته. در سفر هفتین روحیه انحرافی روشنگرانه غیر پرولتاریائی و گرایش ایدئولوژیک انحرافی بود که جریان کارگزاران را در غلطید و کل جریان دچار بحران میگردد. نحوه ها بدینجا ختم نمیشوند ولی مسئله اساسی در اینجا است که در باره نیم چه عواملی زمینه ساز ارتداد انحرافات ایدئولوژیک میگردد و این عوامل تحت چه پوششها می آید.

● امری روشن است که گوش فعال در تبدیل ساخت روشنگری جنبش به ساخت پرولتاریائی یکی از عوامل اساسی رفع بحران جنبش کمونیستی است. به همین خاطر جنبش کمونیستی وظایف سنگینی در پیوند خوردن به جنبش خود بخودی طبقه کارگر دارد. بدون این پیوند پرولتاریا قدرت نخواهد رسید و بدون این پیوند روشنگران مارکسیست از انحرافات خطرناک و مهلک و از روحیات انفرادی منشی، خود مرکز بینی، پاسیفیستی و آکادمیستی نجات نخواهد یافت.

نمایش میکنند. مسئله اینجا است که از حیوات جنبش بسیار موزیم و در مبارزه خود آگاه ها به پیش برویم. فراموش نکرده ایم چگونه زمانیکه ایس حریات با سه عرصه اندام در سطح حاکمه بردا ختم نشد میان توده طرفدار جنبش چپ افزایش یافت البته این امر اتفاقی نیست. در شرایطی که جنبش بین المللی کمونیستی در بحران به سر میبرد، در شرایطی که رویونیسم در عرصه جهانی ملی ضربات بسیاری تحمیل کمونیستی وارد آورده است، در شرایطی که جنبش مارکسیستی ایران از پیوند استواری با طبقه برخوردار نیست در شرایطی که پیچیدگی ها و مضامین گسترده ای در سطح جنبش وجود داشته و جنبش کمونیستی به تئوری و سیاسی منسجم خود دست نیافته است، گرایشات و جریانات انحرافی آنرا نمیتوانند توده را به انحراف کشانند و آنرا از مسیر پرولتاریائی و مارکسیسم-لنینیسم انقلابی دور سازند. جنبش به تئوری منسجم خود نرسیده و توده در پی این تئوری مینماید و هر آنجا که صحبت از "کشف جدید" و "نوآوری" است نظرتوده نسبت بدان منطوف میگردد. در این گنا کشف توده ها شای که آنها با ایدئولوژیک پرولتاریائی کسب نکرده، از مارکسیسم درک محدودی داشته و تزئینات و روحیات و شما بیلات انحرافی در میان آنان موجود است، به سمت گرایشات و حریات و انحرافات سوق میداد میکنند. این گرایشات و حریات مدتی توده های مشتاق را به سوی خود میکشند ولی از آنجا که آنها خود به بین بست می رسد و نمیتوانند تماماً بیلات انقلابی توده را بسح دهند چه بسا توده های را به انفعال و پاسیفیسم بکشانند و حتی آنان را با خوده مسرداب اپورتونیم و رویونیسم سوق دهند. بدین ترتیب در پی پاسیفیسم ساخت روشنگری جنبش در شرایط تشکلات ایدئولوژیک و انحرافات خرده بورژوازی و بورژوازی عرصه ای را تشکیل میدهد که بر اساس آن رویونیسم، تروتسکیسم

## تیریه اتحاد عمل اول ماه مه و جناح چپ

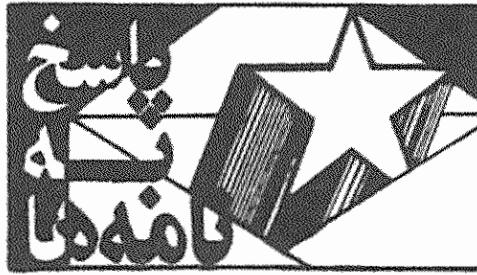
یکی از رفقا در رابطه با اتحاد عمل اول ماه مه و همکاری با جناح چپ سوالاتی مطرح نموده و پرسیده است تحلیل سازمان از جناح چپ چیست که بر اساس آن در اتحاد عمل اول ماه مه شرکت جناح چپ را با حقوق مساوی و برابری نیروهای دیگر، درست از زاویه همین مسئله تشریح می کند؟

گودیمونه اینکه آنها بطور کلی رده نامش "وحنسی" "علیرغم" این اعتقاد خود، ما این مسئله را یک مسئله مورد بحث بعد از توافق بر سر پلاتفرم می دانستیم و در همین حال نهایتاً قائل به انتطاف بودیم". (پیکار ۱۵) سپس رفیق پرسیده است که آیا ما جناح چپ را در طیف حرمان ناپیگیر جنبش همچون سازمان چریکهای فدائی فلسطین و راه کارگر میدانیم؟ و آیا لاخره اینکجه چرا موضع گیری در مقابل این نیرو به تمویق امتداد.

در پاسخ باید بگوئیم بحراغات عمیقاً رویزبونیستی جناح چپ اکثریت در سرخوردیده مسائل گوناگون (که در جای دیگر بدان خواهیم پرداخت) و... ما را بر آن داشت که بسادگی در باره حرمان مذکور موضع گیری ننماییم و مستظرف روشن نشدن مواضع بیشتر آنها شویم. بسند از بررسی و مطالعه مجموعه مواضع و سربرونداتی آن بدانجا رسیدیم که این جریان علیرغم همه انتحرافاتش یک نیروی انقلابی است که در مجموع در طیف ناپیگروما نتر جنبش کمونیستی قرار میگیرد. بر سمیت شناختن همکاری با این نیرو به حول پلاتفرم اول ماه مه در رابطه با جنبش سلطیلی از جناح چپ بود و از این نیرو بود که همکاری با این نیرو را بطور کلی رده مسودیم، بلکه بر سر حقوق مشترک و برابری نیروها و زاویه "هوس معین و شبا حنه شده تشکیلاتی و نیز با به قایل حصول نوده ای" (پیکار ۱۰۵) حصر فدا کنیم، اما در صورت بی همکاری ما و رفقای فداشی بر اساس مسئله حاضر به انتطاف بودیم همانطور که در پیکار ۱۰۵ آمده ما معتقدیم که جناح چپ، راه کارگر و فدائیان (انقلابیست) سلحاظ مواضع جهانی و ایدئولوژیک هوش در یک نظام مگر فرار دارند، هر چه که از لحاظ سیاسی، درجات متعاضی از ادبیکالیم را متجلی می سازند.

● رفیق رضا: ضمن انتقاد به مضمون تبلیغات سرسباط... های نشریه، مطرح کرده است که خط واحد تبلیغاتی وجود دارد و موضوعات تبلیغاتی متعاضی مورد سرچوردن قرار میگیرد.

رفیق! ما کوشش میکنیم تا محور تبلیغ را در هر وضعیت روشن نموده و سازماندهی تبلیغ را بر روی محور آن تعیین کنیم. رفقای ما در هر کجا که هستند می بایست به حول محوری تریستن و مترسری مسائل خاصه که در "پیکار" منعکس میگردد دست به تبلیغ بزنند. ترکیب عمومی مقالات "پیکار" و محورهای افشاگری منسدرح



در آن، خودبیا نگران مسائل است که باید بطور همزمان و هماهنگ در سرتا سر ایران مورد تبلیغ قرار بگیرد. بی شک در این زمینه ناریاسی ها و انتقاداتی نیز به "پیکار" مطرح است. اما رفقای مبلغ و پیکهای انقلاب و فروشندگان نشریه در مقابل این نقاشی، نباید غمخوار شوند. موضوعات تبلیغ را در گون سا زد. بلکه باید با پیشنهادها و انتقادها دیکوشنه سیر تبلیغاتی "پیکار" را اگر با سخنگوی مسائل روز مره توده ها و مسائل محوری و مبروم نیست، اصلاح نمایند. چه در غیر اینصورت هر رفیقی میتواند ادما برداشت خاص خودش، موضوع تبلیغ را تغییر داده و ضمن تحمیل خرده کاری، عملاً مانع از تحقق بافتن خط مرکزی تبلیغاتی و افشاگری سازمان شود.

● برخی از رفقا در مورد ضرورت تکثیر برخی مقالات آموزشی، ترویجی، مبارزه ایدئولوژیک و... بصورت مستقل پیشنهاداتی ارائه نموده اند و بر ضرورت آن تاکید کرده و از تکمیلی سازمان در این زمینه انتقاد نموده اند.

رفقا! پرواضح است که برخی از مقالات پیکار میتواند تکثیر و بازنشر شود در مساطبق گوناگون پختی و توزیع گردد. اما متأسفانه انتحام همه جا نیه چنین کاری از محدودیت های چاپی ما فراتر است. بینا برای این وظیفه های است که همه رفقا در مناطق گوناگون فسرار دارند که با توجه به میزان نیاز و ضرورت مقاله نامبرده در تیراژ معینی برخی از مقالات پیکار را تکثیر کنند. نمونه های خوبی از این دست نظیر تکثیر مقاله "مزد در ایران"، "حق اقل دسمزد و ضرورت مبارزه برای افزایش آن"، "مبارزات طبقه کارگر در دوران جمهوری اسلامی" و... که توسط کمیته کلبان سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار و آخری توسط تشکیلات تهران سازمان تکثیر شده اند، وجود دارد که قابل تقدیر است. پیشنهاد ما به کلیه رفقا در مساطبق گوناگون این است که با توجه به محدودیت های چاپی سازمان، این رفقا علاوه بر تکثیر مقالات افشاگری و تبلیغی - سیاسی پیکار و تکثیر اعلامیه ها و تراکت ها، به تکثیر مقالات مهم آموزشی پیکار نیز بصورت سیمتیک بپردازند. این امر میباید در رابطه با مقالات مربوط به مسائل کارگری اهمیت بیشتری میابد.

● پیروزی باشد!

رفیق مهرداد از آلمان غربی - نامه ات رسید و مورد بررسی قرار خواهد گرفت. پیروزی باشی!

● رفقای هوادار آلمان غربی و آمریکا - شعرها و طرح های تان رسید. پیروزی باشد!

● رفیق های بون راد - مسائلی که مطرح نموده بودی مورد سرچوردن قرار خواهد گرفت و نتیجه آن منعکس خواهد گشت. پیروزی باشی!

### سایر نامه های رسیده

رفیق کارگر سما میل، الف از جنوب -  
رفقای مونتاز - ش - ج مهرآبادی - م - م -  
کانون زندانیان سیاسی شهدا - هستب - م -  
م - پ - سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکار - مازندران - از دراز انزلی - ج -  
کاظم زنبوری - رضا از اصفهان - ف - ج - ش -  
دانش آموز - رضوا - س - س - تهران  
- ج - ش - کمیته مروجین - س - س - تهران  
- اسلامشهر - ا - ج - م - زهرورد - ۲۴۰۲ - ر - ۲۰  
اهواز - محمد مراد بیگی کارگر از بوکان - ۸۱۲ -  
- س - ب - س - زکرج - مهزاد جنگزده خوزستانی  
- رف - تهران - شهرام از شیراز - هسته علیوی  
خوشتری - فرهاد کارگر میاندوآب - محلات - ج -  
غ - هسته دانش آموزی - کرج - ر - مشهد - ز  
کرج - کارگر هوادار (H) - محلات اهواز - ه  
از انتشارات - م - ن - مال - انزلی - م - ۳  
دانشجو - فواد - س - ا - ذ - ف - سعید - ج - ع - از  
تدارکات - نسرین مدری - سروان سالفاز  
مشهد - رضا - هسته تبلیغی شرق و جنوب - جاسم  
از ایلام.

● نظرات سیاسی دور رفیق زندانی محمدی رسید.

### بقیه از صفحه وحدت

اسلام مبارت دارند، باطل دانسته و با آنها مبارزه میکنند.

"ماده ۹ - کسب خود مختاری که ما من حفظ شئون مادی و معنوی هر مسلمان میباشد."

"ماده ۱۱ - ایستادگی در برابر استبداد و انتحار طلبی."

بر طبق این مواد که چکیده تفکرات رهبران آنها میباشد و پیرو سرخترانی یکی از بنیان گذاران این جریان (مولوی عمر سرپا زی) که در تاریخ ۵۹/۹/۲۰ انجام پذیرفت، اهداف واقعی آنها را (هما نظور که در بالا نیز مضمرا توضیح دادیم) بطور کلی به سه قسمت میتوان تقسیم نمود:

۱- مبارزه با نیروهای انقلابی (ماده ۶)  
۲- کسب امتیازات بیشتر از رژیم (ماده ۱۱)  
۳- زدن ما سک انقلابی به خود در جهت فریب توده ها (ماده ۹)

.....

بمنقل از: سرمقاله نبرد بلوچ (۷۲)





سبعه از صفحه ۱۲ بونجه...

سرروی این اعتبارات جاری و عمرانی می - گذارد. رژیم اعتبارات جنگی خود را به سه قسمت تقسیم کرده و یک قسمت آن یعنی ۱۸/۵٪ را که ۱۰۲/۵ میلیارد ریال میشود از بودجه جاری صرفه جویی میکند و دو قسمت دیگر آن را هم میخواهد از طریق صرفه جویی در ۲۱۰٪ اعتبارات جاری و ۲۲۵٪ اعتبارات عمرانی تامین نماید. طبیعتاً این صرفه جویی معنای نخواستار هدایت جزا که در آن مدعیان کارگران و زحمتکشان به انگشمال مختلف و همچنین افزایش بیکاری که در نتیجه صرفه جویی از اعتبارات عمرانی ناشی میشود. بعلاوه رژیم با آمیختن اعتبارات جنگی در اعتبارات جاری و عمرانی، و در نتیجه جلوگیری از کاهش این اعتبارات نسبت به سال گذشته محبوسانه گوشیده است تا این کاهش را از چشم کارگران و زحمتکشان محفی بدارد.

تا این ترتیب با حذف بودجه معارف جنگی از اعتبارات عمرانی و جاری، مبلغ واقعی اعتبارات جاری حدود ۱۷۵۵/۹ میلیارد ریال و اعتبارات عمرانی حدود ۸۵۰ میلیارد ریال میشود. ترسیدن به درآمدهای عمومی به میزان بیش بینی شده، تا شریکلا واسطه خود را سرروی ارقام خیر میگذارد. یک مقایسه ساده میان این ارقام و ارقام اعتبارات جاری و عمرانی سال ۵۹ که به ترتیب ۱۸۵۵/۹ و ۱۰۷۲ میلیارد ریال بودجه موصوح میرساند که بودجه جاری و عمرانی اعمال، حتی بدون در نظر گرفتن تاثیر کاهش درآمدهای عمومی برای اعتبارات، کمتر از اعتبارات سال گذشته است. در توضیح تعریف این اعتبارات باید گوئیم که اعتبارات جاری مرکب از حقوق ها و سایر خرج ها میباشند که بخش عمده آن را حقوق و دستمزد تشکیل میدهد و اعتبارات عمرانی نیز مرکب از احزای طرح - های نیمه تمام و ایجاد طرح های عمرانی جدید (سرمایه گذاری ثابت) است که البته در بودجه اعمال ۲۹۰٪ اعتبارات عمرانی مربوط به احزای طرح هائی است که از زمان رژیم پهلوی باقی مانده. فقط ۱۱۰٪ آن مربوط به شروع طرح های جدید است.

آنوقت در چنین شرایطی آنچه قطعی است عدم رسیدن مبالغ نفت و مالیات به میزان بیش بینی شده و تفاوت عظیم آنها با این میزان است که اگر چه دولت اعلام کرده در صورت عدم رسیدن این مبالغ به میزان بیش بینی شده دست بدامن فرض گرفتن از بانک مرکزی میشود (آنهم در شرایطی که در پایان اسفند ۵۹، دهسی دولت به بانک مرکزی ۲۷۰۹ میلیارد ریال یعنی نزدیک به رقم کل بودجه کشور میباشد). اما با زهم هرگز نمیتواند درآمد مورد نیاز را تامین کند. چنانکه موسی خیر ویر میشارد و سرپرست سازمان سرمایه و بودجه نیز اعتراف کرده است که: "اگر مبالغ تامین اعتبارات طبق پیش بینی بود برای تامین کسری احتمالی بودجه، از طریق اسفراص ارسسما یکی و از

طریق مگانسیم صرفه جویی اقدام خواهیم نمود." (کپهان ۱۶ اردیبهشت)

تا این ترتیب یک با صلاح صرفه جویی عظیم دیگر در اعتبارات جاری و عمرانی، قطعی است و آنکه است که این اعتبارات حتی از اعتبارات عمل شده (نه تصویبی) سال ۵۹ نیز که ۵۷۹ میلیارد ریال عمرانی ۱۶۴۴/۸۰ میلیارد ریال جاری مصرف شده است کمتر خواهد شد. و این در بخش جاری اولین و بزرگترین تاثیرش، کاهش درآمدهای کارگران و کارمندان و سایر مزدبگیران و کاهش حقوق آنها خواهد بود. چنانکه در سال گذشته هم شاهد بودیم که چگونه به بهانه جنگ، دهها درصد از حقوق مزدبگیران را به اشکال مختلف کمافزافه - کاری، سود ویژه کارگران و... حذف نمودند. در همین رابطه بد نیست به سخنان راجحی گوش کنیم که با افتخار میگوید:

وزحمتکشان جامعه بوده اند که با این توزیع با صلاح عادلانه را برده و شکستیده است بورژوازی و خرده بورژوازی صرفه با امکانات مالی خود، همیشه ما بحتاج شان را براحتی از بازاریاگرچه بقیمتی گرانتر - تهیه می کرده اند و سهمیه بندی کالاها نه تنها به از بین بردن اختلافات طبقاتی کمک نکرده، بلکه با کاهش مصرف اقشار کم درآمد جامعه، طبقات بورژوا و مرفه همچنان به برگردن کیسه های گشاده خود ادامه داده و شروتمندتر و شروتمندتر شده اند.

رژیم وقت را تا بدانجا میرساند که دونه خرده کردن برخی از کالاها مانند بنزین را نیز گامی در جهت توزیع عادلانه و از بین بردن اختلافات طبقاتی محسوب میشود. در جهت توزیع عادلانه و از بین بردن اختلافات طبقاتی جامعه، در حالیکه برای هر موطن زحمتکش ما روشن است که دونه خرده کردن یعنی با نرخ گران ولی سهمیاتی محدود برای زحمتکشان

● رژیم وقاحت را تا بدانجا میرساند که دونه خرده کردن برخی از کالاها مانند بنزین را نیز گامی در جهت توزیع عادلانه و از بین بردن اختلافات طبقاتی محسوب میکند. در حالیکه برای هر موطن زحمتکش ما روشن است که دونه خرده کردن یعنی با نرخ گران ولی سهمیاتی محدود برای زحمتکشان

"نسبت افزایش بودجه جاری اعمال نسبت به سال گذشته به میزان ۱۰٪ کاهش یافته است." (کپهان ۳ اردیبهشت)

تا این ترتیب می بینیم که در این مورد نیز رژیم بدست اندازی سرزدگی کارگران و زحمتکشان پرداخته و به آنها مختلف، اگرچه چیزی به آنها میدهد، بلکه همان اندک راهم در مدد پس گرفتن است!

مسئله دیگری که نشان دهنده دست اندازی رژیم به زندگی زحمتکشان جامعه است، سهمیه بندی کالاهاست که در گزارش بودجه راجحی درباره آن چنین آورده شده: "دولت از بدو شروع کار ضمن تلاش برای کاهش با رنج هدف اصلی خود را که از بین بردن اختلافات طبقاتی و اجرای توزیع عادلانه امکانات بوده، زیاد دیده و با طرح و اجرای سهمیه بندی کالاها ضروری مانند قند و شکر و همچنین دونه خرده کردن بعضی از کالاها مانند بنزین و توفیقاتی در این زمینه بدست آورده است. دولت در نظر دارد در آینده این برنامها مفید مردمی را که امکان ادامه و گسترش دهد."

در اینجا باید دیگر حقه سازی های موزورانه رژیم برای سنبم که سهمیه بندی کالاها ضروری مردم را بجای "توزیع عادلانه امکانات" و از "بهر بردن اختلافات طبقاتی" جا میزند. براساتی کیست که نهاد عدالت اصلی سهمیه بندی کالاها چیزی جز کمبود و قحطی و حشتناک ارزاق و مایحتاج عمومی نبوده و اگر رژیم در چنین کمبودی تمسند هرگز بفرگنجین توزیع های با صلاح عادلانه ای نمی افتاد و سبلاوه کیست که نهاد عدالت طرح سهمیه بندی کالاها نه تنها موجب توزیع عادلانه کالاها شده، بلکه این فعل کارگران

و سایر کارکنان سهمیاتی نامحدود برای سرمایه داران و اقشار مرفه.

و حالسترا همه آنکه رژیم وعده میدهد که این برنامها مفید مردمی را در آینده نیز کامکان "ادامه" و حتی "گسترش" میدهد. با این ترتیب کارگران و زحمتکشان ما با همه چنان سار کمبود و حشتناک ما بحتاج خود را نه تنها در مورد کالاها که تا حال سهمیه بندی شده بدوش کشند، بلکه با بدو را انتظار سهمیه بندی شدن کالاها را دیگری هم باشند!

درواغ سهمیه بندی کالاها برای توده های زحمتکشی که روز بروز در دشمنان نسبت به هزینه - های سنگین زندگی کاهش می یابد محدودیت هر چه بیشتر را در تهیه ما بحتاج عمومی و ضروری - شان به ارفمان میاورد. در حالیکه برای سرمایه داران و اقشار مرفه جامعه با توجه به شروت های هنگفتی که در طی حکومت رژیم خا شن پهلوی و رژیم خا شن جمهوری اسلامی بدست آورده اند، این سهمیه بندی نه تنها محدودیتی سهمیه ندارد، بلکه دست آنها را در تهیه کالاها، با توجه به شروت هنگفتشان همچنان باز میگذارد. (در این رابطه بد نیست اعتراف مهندس سعادی را بساد سب و رژیم که اشاره به سود بردن تجار کشور در طی سال گذشته به میزان ۱۲۰ میلیارد تومان کرده است و اینکه خودت را اعتراف کرده اند که سودی که طی دو سال اخیر بدست آورده اند در تار و پود جیب و لگنری هایشان بسیار بقه بوده است). آری رژیمی که ادعای "توزیع عادلانه امکانات" و "از بین بردن اختلافات طبقاتی" را دارد تنها در سال گذشته ۱۲۰ میلیارد تومان سود در زیر پایش به حسب گشاده کارگران رفته است و ۱۱

بقیه از صفحه ۱۹  
بهران

میلیا رددلار (معادل ۸۸ میلیار دتوماسان) اعتبار به بخش خصوصی داده است.

نگاهی کلی به مجموعه مواردی که در فوق آورده ایم بوضوح نشان میدهد که بودجه سال ۱۳۶۰ تا چه اندازه جهت کاهش سطح زندگی و بقیمت فقر و فلاکت هر چه بیشتر زحمتکشان عمل میکنند.

درواقع این بودجه خیلی بیشتر از آنکه متکسی به در آمد منفعت و مالیاتهای مستقیم زرمایه - داران باشد، متکی به درآمدهای اندک کارگران و زحمتکشان و استثماری و احتیاجهای زنیروی کار آنهاست. در این بودجه قمارهایی مالیاتها را مالیاتی که سرزندگی زحمتکشان بسته میشود تشکیل میدهد. فروش نفت با این دست و دلیلی! تورم هر چه بیشتر و اوارجا همه میکنند که بسیار اصلی آن بردوش زحمتکشان جا معماست. در کاهش اعتبارات جاری، این زحمتکشان هستند که سطح زندگیشان کاهش می یابد و در کاهش اعتبارات عمرانی این زحمتکشان هستند که باید همچون قبل و حتی بیشتر از آن، فحشسار بیگاری را بر سر گردنهای نحیف خود احساس کنند.

سود کردن مناصبی که بدست فرمیدند آنها هم به میزان ۳۲۵ بردوش کارگرانی است که بسیار استثماریا زهم بیشتر بر گردنهای آنها سنگینی میکند. در سهمیه بندی کالاها، زحمتکشان هستند که باید محدودیت تهیه ما بحتاج عمومی را تحمل کرده و تازه منتظر ادا مه و گسترش آنها باشند

.....

تمامی این معاش و بدبختی های ناشی از سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم که در بودجه سال ۶۰ تیلوریافته است، ارمغانهای هستند که سال نیز مانند سالهای گذشته، منتهی با شدتی بسیار بیشتر و گشاده تر، زندگی فقیرانه میلیونیها را گروز زحمتکش میهنمان را تحت شدیدترین فشارها قرار میدهند.

کارگران و زحمتکشان ما باید بدانند که بودجه برای آنها خوابهای وحشتناکی دیده است این توطئه های رژیم را که بمیزانی به مراتب خطرناکتر و دشت زارتر بودجه سال ۱۳۶۰ تیلور یافته است، تنها مبارزات بی امان و گسترده زحمتکشان میتواند افشا و غنشی نماید. هدف اصلی توطئه های رژیم در حل بحرانهای کمزگن اقتصادیش که روز بروز گسترش بیشتری می یابد و کارگران تشکیل میدهند، رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نیز همچون تمامی رژیم های سرمایه داری، با بحرانهای خود را بر روی طبقه کارگر و سرشکن میکنند. کمبودهای خود را از طریق استثماری و مستقیم بردوش این طبقه جبران میکنند و تورم ناشی از سیستم سرمایه داری را نیز بردوش این طبقه سوار میکنند. از همین روی هم هست که وظیفه و نقش این طبقه در مقابل سرمایه است. این رژیم را با توطئه و خباثت سنگین سراز ساز زحمتکشان جا معماست.

در همین رابطه، کمونیستها نیز وظیفه سنگین افشای توطئه های رژیم و از جمله افشای بودجه

اقتصادی و بگسلای یک اقتصاد دو استه - سه امپریالیسم جهانی است. سرمایه های امپریالیستی خارجی در اغلب رشته ها و موسسات تولیدی خود را در دست کارکنان رژیم جاگم تا بحال ۱۱ میلیار ددلار از کشورهای امپریالیستی و امگرفته که فقط ۷ میلیار د آن و اما امپریالیسم آمریکا میباشد. ریزش و نیستیهای تیتوشی عوام فرسایه مگوسید بگسلای دارای "استقلال" است و به "نیروی خود" تگادارد، اما واقعیت مگوسید بگسلای وابسته به امپریالیسم جهانی است. مگوسید ساختن سوسیالیسم را با تگادلزهای امریکائی سرپا نموده اند و هرگز! تنها خائنین به سوسیالیسم حقایق را واره طوعه میدهند.

در حال حاضر اقتصاد بگسلای یک اقتصاد بهران زده است. در سال ۱۹۷۶ کسری موازنه پرداختها به ۱۸ میلیار د دلار بگسلای مرسد و در سال ۱۹۸۱ با زرگاسی خارجی ۱/۸ میلیار د دلار کسری موازنه خواهد داشت. این کسری بسیار مشخصی از فلاکت اقتصاد و بحران موجود در این کشور میباشد. تورم و گرانی بیش از پیش افزایش می یابد و ضررهای سنگین خود را بردوش زحمتکشان تحمیل می نماید. بین ۷۰- ۱۹۶۵ قیمتت ما بحتاج اولیه مورد نیاز زحمتکشان ۳۵ درصد افزایش داشت حال آنکه این رقم در سالهای ۷۳- ۱۹۷۲ به میزان ۶۰ درصد رسید. فقط طی ۸ ماه اول سال ۱۹۷۷ قسمت مواد خوراکی ۱۸/۴ درصد، هزینه خدمات ۱۳ درصد و هزینه زندگی ۱۲/۶ درصد افزایش یافت و پیش بینی میشود که در طول سال ۱۹۸۱ تورم به ۴۰ درصد برسد و از بدشتریم که دولت سرمایه داری بگسلای در سال ۱۹۸۰ بیش از سی درصد از ارزش دینار را کاهش داد. واقعا فشارها و قوت فرسای این استثماری و مستقیم سرمایه داری و بر علیه طبقات و بر علیه کدام طبقه اعمال میشود؟ فقط در یک رژیم سرمایه داری است که تورم و گرانی میتواند وجود داشته باشد. سوسیالیسم تورم و فقر روز افزون نوده. ما بیگانهاست، سوسیالیسم ما رو بحرانسی نیست. بحران و هزاران فلاکتی که در جامعه بگسلای وجود دارند نتیجه مستقیم سرمایه داری و کم و سلفه بورژوازی گمیده میباشد. در حال حاضر در بگسلای ریزش و بیستیک میلیون نفر

فرد می آن را برعهده دارند. آنها با سید و اقمیت های فدکاری و ضدتوده ای این بودجه را که تحلی ما هیت ذاتی این رژیم ارتعاسی است بیمان کارگران و زحمتکشان و بخصوص کارگران برده و با مسلح کردن طبقه مسلح آگاهی و تشکل، کارزار وسیع و گسترده ای را در مقابل سرمایه رژیم و در جهت سرنگونی آن و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، جمهوری کارگران و زحمتکشان فراموش کردند.

آری، عملکرد عینی این بودجه در سطح جامعه بیش از پیش موجب فروریختن توهم توده ها نسبت به رژیم و ما هیت واقعی آن خواهد شد. توده ها

بیگاری وجود دارد و بیلاوه یک میلیون و سصد هزار نفر از کارگران، متخصصین و تکنیسینهای بگسلای در خارج توسط سرمایه داران امپریالیست آلمانی، فرانسوی، بلژیکی، اطریشی... استثماری میشوند و ۵۴/۵ درصد از کارگران مهاجر بگسلای پاشین تراز ۳۰ سال دارند. ریزش و بیستیهای ناشی مگوسید افزایش بیگاری ناشی از "مدرسیزاسیون" و "افزایش با آوری تولید" است. حال آنکه این دروغی بیش نیست. سرمایه اسبابین استدلال مزخرف با بدگفت در کمونسم میزان در دس بیگاری بیش از هر جا معما دیگر است چرا که رشد نیروهای تولید بصورت بسیار زیادی انکشاف یافته است! در جامعه سوسیالیستی کار حق همه است و همه میزانی که تحت بدگتای توری پرولتاریا تولید می کنند، شود و تولیدات افزایش پیدا کند، برای کارگران میزان ساعت کار تولیدی تنزل می یابد، لیکن در عوض کارگران فرصت می یابند معنویات کمونیستی خود را ارتقا داده و فرهنگ نوین را هر چه بیشتر انکشاف نمایند. اما در سرمایه داری به معنی اینکه سرمایه با اقتصاد نماید کارگران را از کارخانه بیرون رانده و بر فقر و فلاکت آنها می افزاید. و این همان قانونی است که در بگسلای جاگم است. ریزش و بیستیها مانند همه سوز و آها کارگران را استثماری و سرکوب میکنند از کار بیگاری نماید، به تعارضت نیروی کار می برد از ندوب زهم مگوسید "طرفداران سی" کارگران میباشند. ریزش و بیستیهای ناشی این مدایمان نظام سرمایه داری از سوسیالیسم حرف میزنند تا طبقه و توده ها را فریب دهند، اما مساکارگران و زحمتکشان بطور روز افزون درمی یابند که آنها فقط ماسک سوسیالیستی دارند و تنها راهی که در مقابلشان میماند مبارزه علیه استثماری و زحمتکشان است. آری مبارزات امروز مردم "کوسووا" گوشه ای از مبارزات خلقهای بگسلای و حلقه های از مبارزه طبقاتی در یک جامعه بورژوازی - ریزش و بیست است. ریزش و بیستیهای این سگان نگهبان سوز و آزی مگوسید در کشورهای ریزش و بیستیهای مبارزه طبقاتی وجود ندارد. اما مبارزه کارگران و زحمتکشان بگسلای و از جمله "کوسووا" ثابت میکند در این کشور مانند همه کشورهای سرمایه داری مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی بیگاری حقیقت روشن، مسلم و انکارنا پذیر است.

با زهم در زندگی خود و در سایه افشای کمونیستها و انقلابیون از عملکردهای ضد مردمی رژیم، بیشتر و بیشتر بی ما هیت واقعی آن می بینند و در نتیجه روز بروز به مساکارزه ای وسیع تروی می آورند. با این ترتیب، سال ۶۰ سالی است که توده های میلیونی بیگاری ما خود را برای مبارزه ای سنگین و رویارویی با رژیم جمهوری اسلامی آماده میکنند.

در یک کلام، بودجه سال ۱۳۶۰، بودجه تشدید و استتگی، تشدید بحران اجتماعی، تشدید فقر و فلاکت کارگران و زحمتکشان و بلا لاف تشدید مبارزه طبقاتی است.

## لبنان: خلقها زانو نمی زند!

فرهیلین حبیب نما پندها امیریا لیبم آمریکا به خاطر مسائله حملات نظامی روزا سه اسرا شیل" و ارتقا عبون ما لایزیت به مواضع انقلاب فلسطین و جنبش ملی لبنان و لاجره توطئه بین المللی کردن سوئوت لبنان، حلقه های جدید توطئه ای است که سالها است رنجبروار برای سزا نورد آوردن حلقه های حاوره میان طرح ریزی و اجرا شده است. سازه توده ای و مسلحانه حلقه های لبنان و فلسطین چون رودی خروشان، با عبور از دره های غسون و ریج همجان به پیش میرود و آغوشی ناب پذیر ترا گذراند... امیریا لیبم و صهیونیسم و ارتجاع عرب را سه معاف مرگ و زندگی می طلبد.

بدین مناسبت مقاله ای آماده شده بود که متاسفانه بخاطر تراکم مطالب چاپ آن در این هفته میسر نگشت و آنرا به شماره آینده موصول می نمائیم. با اعلام مجدد همبستگی انقلابی بین حلقه های ایران و عرب!

## انگلستان: اوج گیری بحران اقتصادی و مبارزه طبقاتی

در هفته گذشته کارگران کارخانه ماشین سازی لیلاندا انگلستان دست به یک اعتصاب عظیم بردند این اعتصاب بزرگ رشته تولیدی این ماشین سازی را فلج و متوقف ساخته و موجب ۱۲ میلیون لیره استرلینگ خسارت گردیده است. کارگران این کارخانه که در حال ورنسکی است خواهان افزایش دستمزدها و بهبود شرایط کار میباشند. اعتصاب کارگران لیلاندا در زمانی صورت میگردد که داده های اعتصابات کارگری در انگلستان نحو سیاستهای گسترش یافته و حیاتی اقتصاد این کشور را شدت دجا و مضطرب کرده است. خسارات اقتصادی این اعتصابات بر سوزواری امیریا لیبم انگلستان ابعاد دوسمی پیدا کرده است. بحوری که در آمدت معاصر این کشور سه پایه بنی برین سطح در طول تاریخ این کشور شلرل نموده و بسیاری از شرکتها را در آستانه ورشکستگی قرار داده است. در حال حاضر بحران اقتصادی عمیقی این کشور را فرا گرفته است تعداد دستکاران به بیش از ۲/۵ میلیون نفر رسیده و این تعداد از دوران رکود ۱۹۳۱ تا کمون به سابقه بوده است و احساس می رود که تا پایان سال ۱۹۸۱ تعداد دستکاران به ۳ میلیون نفر برسد. سوزوگرا نی سند امرا این باطنه و کارگران را تحت منگنه و فشار طاقت فرمای خود قرار داده است. کمرای در سال ۱۹۸۰ نسبت به ۱۹۷۹ به میزان ۱۸ درصد افزایش یافته است و اس رفتمکی اربا لاسری ارقام کمرای در



کشورهای امیریا لیبی غرب میانه است. بحران اقتصادی موجود موجب رکود در تولید کشور رسیده است. معصوم سرمایه گذاری ها در سال ۱۹۸۰ نسبت به ۱۹۷۹ ده درصد کاهش یافته و تا راه این سرمایه گذاری ها با احاد شعلهای حدسند سببا میده، بلکه اساسا به سازه های صنایع بحران زده اختصاص داشته است. و پرواضح است که فشار عظیم این بحران اقتصادی فقط بر دوش کارگران و توده های زحمتکش سنگینی میکند. سارزات کارگران با ربات ستم و استثمار عظیمی است که سوزواری زحمتکاران را در این شخص در شرایط کنونی اگر این سارزات اوج سبتری یافته در رابطه با بحران حادی است که انگلستان را فرا گرفته است. با توجه به اوج گیری بحران مسلما دور ساری روشنی از رشد سارزات طبقاتی وجود دارد. اعتصابات کارگران لیلاندا و معددها در ذغال سنگ، نظ هرات خونین و تهر آرمیزا هیوستان، رشد سارزات تهر آرمیزا در لندون و... انعکاسی از سوسه روزافزون سارزه طبقاتی در انگلستان بشمار میآید. در مقابل ما این سوسه سارزاتی سوزواری بنا به ما همت خود محسوس است. بیش از گذشته بطور عریاسی دست به سرکوب زد و در همان زمان عوامل خود در حش کارگری بمسلسی رویزیونیستها و شرافیت کارگری را به سنج سانه. طبقه کارگر در انگلستان تنها زمانه سنی سنواند و طبقه سوزواری را غشی نموده و سارزه طبقاتی را گسترش میدهد که به امثال و طرده سگان نگهسان سوزواری سرسوده ستمسازد بپولتاریا می دست یابد.

## بحران سرمایه داری در یوگسلاوی

نظ هرات و سارزات خوین ما ههای اخیر ا بالت "گوسوا" در یوگسلاوی و کشتار روحیانه مدها بفرسوط پلیس حنا بیتکا ریزیم ارتقا عسی حاکم این سوال را مطرح میسازد که علت اصلی این سارزات چیست؟ رویزیونیستها ساری ستموشی، رویزیونیستها ی خروشجفی، رویزیونیست های سجهانی، امیریا لیبیها و سمارزیهای

ارتقا عسی، یوگسلاوی را بعنوان یک کشور "سوسیالیستی" معرفی میکنند. اما آیا این سخن حقیقت دارد؟ چگونه میشود در یک کشور "سوسیالیستی" طبقه کارگر بر سرده بدترین فشار های سیاسی و اقتصادی قرار داشته باشد؟ چگونه میشود در یک کشور "سوسیالیستی" کارگران و زحمتکاران مورد وحشانه ترین سرکوبها قرار گیرند؟ در پاسخ به این سئوالات ما از موضوع کمونیستی اعلام میکنیم که یوگسلاوی نه یک کشور سوسیالیستی بلکه یک کشور سرمایه داری میسازد و سبب سالیفا تی که منسی بر "سوسیالیستی" جلوه دادن چهره یوگسلاوی است، جز تبلیغات رویزیونیستی و امیریا لیبیستی چیز دیگری نمی باشد. تینویک حاشن مرتد بود و بیرون امرویش نیز مرتدانی بیش نیستند. تینویسم یک حربان رویزیونیستی و سوزواری بشمار میآید و یوگسلاوی هرگز و هرگز کشوری سوسیالیستی نمی باشد. یوگسلاوی سبیل خیانت به سوسیالیسم و طبقه کارگر بشمار می آید. کشور سوسیالیستی کشوری است که طبقه کارگر در رتسدرت و در راه ساختن سوسیالیسم به پیش میرود حال آنکه در یوگسلاوی رویزیونیستها حاکمیت دارند و اسنان نمایندگان سیاسی سوزواری میباشند و اقتصاد موجود یک اقتصاد سرمایه داری تمام عیار است. در یوگسلاوی اگر چه گفته میشود اقتصاد "خود مختار" کارگری "خود را" ما در حقیقت در این کشور سرمایه داری دولتی حاکم است. در این سیستم مالکیت وسایل تولید متعلق به طبقه سوزواری سوزواری میسازد. این سوزواری که همان مدیران، سوزوگرا تها و رویزیونیستها میباشند تولید وسایل تولیدی را تحت کنترل خود داشته و سبب طبقاتی کارگر را استنما میکند. از سال ۱۹۵۰ موسسات تولیدی و باز رگانسی رسا از کنترل مرکزی دولتی خارج شده و تحت ادا ره خود موسسات در آمدت معنای دیگر مدیران و سوزوگرا تها رسا محاز شدنتا خود مواد خام را خریده، طبقه بندی و میزان قیمت کالاها را معین کرده، کالاها را در بازار فروخته و میزان دستمزد کارگران را معین میسازد. سبب این حق را پیدا کردند که در بازار استخفا مواخراج کارگران تصمیم بگیرند بلکه حتی امکان یافته در سوره خرید و فروش وسایل تولیدی اعمال نظر کرده و تصمیمات خود را اجرا کنند. سنا بر این مناسبات طبقاتی موجود حزن مناسبات استنما رگرا نه و منسی بر ستم طبقاتی چیز دیگری نمی توانست باشد و "خود مختاری" کارگری در حقیقت همان اعمال حاکمیت سوزواری و سرمایه داری بشمار میآید. پرواضح است که حاکمیت سرمایه داری نمی تواند به بحران اقتصادی احتیاجی نیانجامد بحران اقتصادی موجود بین روشن ما هست نظام حاکم و قوانین اقتصادی میسازد بر استنما ر نیروی کار است. سگاهی به مواضع اقتصادی یوگسلاوی بروشنی این حقیقت را آشکار میسازد



قسمت دوم

# لایحه قصاصی: نمودار ماهیت ارتجاعی رژیم

پیش از آنکه به بحث ماهیت این لایحه قصاصی بپردازیم، لازم است ابتدا به آن استناد کنیم. این لایحه در مجامع سیاسی و اجتماعی مختلف، بر اساس ماهیت طبقاتی نیروهای موجود، عکس العمل‌های گوناگونی در قبال آن صورت می‌گیرد:

۱- حزب جمهوری اسلامی و طبقاتی با اصطلاح یکسری با سرخانی تمام آن دفاع می‌کنند و با استناد به اینکه این لایحه بر اساس موازین اسلامی است و منطبق با نظر "مجاهدین و فداییان سرگرد" تنظیم شده، می‌گویند عوام فریبانه‌ترین تگردها، بنده‌های ناآگاه را به حمایت از خود فراخوانده‌اند. مخالفین را از هر سوچ کسه با تشدید، بهشتی و موسوی اردبیلی و امثال آن‌ها در دفاع از این لایحه به همس نحو سخن گفته‌اند. آن‌ها نادانها و برتر را در آن اعتقاد دین مدهی بوده‌ها بر آنست که این مجموعه خواست ارتجاعی را که حقوق بنده‌های زحمت کش مسلمان را الگومال می‌کنند آن‌ها را به محض سما شد، آن‌ها می‌گویند به نهاد دست آورده‌های قیام ۲۲ بهمن، بلکه دست آورده‌های انقلاب مشروطیت را بر آورده‌ها با زین گسرنده و حاکمیت ارتجاعی و تبدیل عفت ماسه خویش را به حیال خود تحکیم بخشد.

۲- مخالف اسرائیلی که از موضع حمایت از منافع و حقوق یورژواقی با این لایحه مخالفت می‌کنند. احتیاط و محافظه کاری را با نوسان به التماس و گاه به "فهر کردن" و اعتراضی امتداد می‌دهند و خواهان آنست که این "لایحه" در مجلس شورای مسترد و اجرای آن متوقف شود و کمی از فقیهان و محققان علوم کفیری و نادانان با تجربه به فراغت و دقت مصالح جامعه مسلمانان و فواید و ربا بهای صورت لایحه را از دیدگاه علمی (؟) (نظری و ارزشی) گسند و سیاست کفیری معقول و بجهت ای رادرسین گیرند. (با ناسه اسنادان و ضمانت و... انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۲۲) آن‌ها با گسند می‌کنند که "مردم" مستعد و طرا نگران آنست که "حسنت و آبروی یک اندوژوئی مدهی و جهان بینی و جان و آزادی یک ملت انقلابی و مبروم و در بدی و سمن سربسوت کشور در میان است. (همانجا) اما گسندگان این سیاسته که تعدادان به حدود ۱۷۰ نفر می‌رسند عسند که منظور "مؤسسه اسلامی" و "اصول و احکام مدهی کشور که در اصول ۴ و ۲۲ قانون اساسی مسوان چهار خوب مانین - گذاری آمده است لیروم بیروی کامل از عقاید معنهای گذشته نیست." (همانجا)

ولی کارگران و زحمتکاران آگاه ما بحوسی سداست که مخالف اسرائیلی با این لایحه مخالف انقلابی علیه این لایحه که یکسری از

سودهای با رما هست ارتجاعی رژیم حاکم است. هر یک بسا ردارد. اما گسندگان با ناسه خواستار آنست که کمی از فقیهان و دیگران بنشینند و سیاست کفیری معقول و بیخه‌ای را در پیش گیرند. این آقایان با لایحه "کاسه از آش داغتر" شده‌اند و بدین گسندگان قانون اساسی معنای اصولی را که خودشان تصویب کرده‌اند با داورمی - شوند و "مرا موش" می‌کنند که لایحه قصاصی نه فقط از "عقاید معنهای گذشته"، بلکه از فتوای

زیرا نسوهی از شما رهای پرزرق و سبرق و با اصطلاح حماست از فقرا و "مستضعفین" بیوشاند. این رسم معمول همه طبقات فدا خلقی حاکم است. از "عدل" انوشیروان در دوره باستان بگیر تا شمسار "آزادی - سراسری - برادری" دروغین سوزوآزی و با لایحه "حمایت از مستضعفین"، در گوشه خود مان اینرورها ادعا هر چه باشد، ماهیت واقعی ادعا - کننده در عمل آشکار می‌شود و اکنون با لایحه قصاصی مردم خروس هزارم از زیر خرقه ربا گساران جمهوری اسلامی بیرون زده و ماهیت بیوسیده و ارتجاعی آن‌ها نشان می‌دهد.

در لایحه قصاصی بیوضوح و سبکی غیر قابل انکار بسین شروتمند و فقیر فرق گذاشته شده و قبحا به حاسبت شروتمند گرفته شده است. به این

● اگر سرمایه دارین کارگر را بکشند می‌تواند از مجازات معاف شود ولی اگر کارگر یک زن سرمایه دار را بکشند از مجازات معاف نیست و باید کشته شود!

آیت الله خمینی که بی و حضرات اخذ کرده‌اند و منطبق بر آنهاست.

۳- مخالف اسرائیلی شریک در حاکمیت (بنی - هور و سیمت آزادی) نیز در فریبسته‌ها و دغلیبر غم مخالف خود با این لایحه که با منطق سوزوآزی آن‌ها را سبب خوانند، از تریس سخن نمی‌گویند و فعلا فقط به استناد نظراتی اسرائیلی اهمیت می‌دهند. تفسیر روزنامه‌ها نشان، اکتفا می‌ورزند. آخر این لایحه بطور غیر مستقیم سبخت خودشان هم هست و سیاسی است از رژیم که خود را به اعدا آن دست داشته‌اند.

۴- همچنین سمد مرتعممی که با تعقل بیشتر به پی آمده‌های اجرای این لایحه نگاه می‌کنند و برسان ارتجاعی که رادرسین حال که تا گسند می‌کنند این لایحه "تصویب خدا ش" است و احتیاج به طرح و تصویب در مجلس ندارد می‌گویند که اجرای آن را بگذارید برای سمد که شرایط فراهم باشد! (حتی کرمانی - کهان ۶۰/۲/۲۲) ۵- اما حزب جاشن بوده که سمد حوری در مضمسه گیر کرده، با حله گیری مرسوم خودش فریب می‌دهند که "لایحه قصاصی را می‌گسند بگذارید! که قابل دفاع نیست." هر چند گمان نمی‌ورند که جنسه روبروسیم و یورونوسیم حزب سوزوآزی توجه و رنگ آمیزی حتی همین لایحه خالی باشد ولی چون هوا را برای دفاع از این لایحه ارتجاعی بی مسمدل به دربار زده و خواهان آنست که رژیم جمهوری اسلامی از "خط امام" (تصویب همین لایحه مثلا) خارج شود و فراموش می‌کنند که تا همین حالا حقد سراسی همین خط امام (که این لایحه از آنرا است)، خودشان سینه اپورتونیستی زده‌اند!

### لایحه قصاصی

### در خدمت شروتمندان و علیه فقرا

رژیم جمهوری اسلامی سزما سداست که رژیم‌های مدخلی می‌گسند ماهیت طبقاتی خود را

مواد لایحه نگاه کنید:

"ماده ۵ - هرگاه مرد مسلمان عسدا زن مسلمان را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولسی زن (ورثه مقتول) قتل از قصاصی قاتل، نصف دیسه (خونشهای) مرد را به او سپردا زده". یعنی اگر مثلا کارفرمای یکی از کارخانجات یک زن کارگر را به قتل برساند بهیچوجه نمی‌تواند او را مجازات کرد، مگر آنکه خویشاوندان مقتول (بسی حانواده فقیر کارگر) نصف خونشهای یک مرد را به قاتل سپردا زندوسین او را بکشند (۱). اگر توجه کنیم که خونشهای یک نفر مرد (بر اساس گفته بسیاری از مجاهدین (۲) حدود ۲/۳ کیلو سطل است و سنا بر این خونشهای یک زن معادل نصف آن یعنی کمی بیش از ۱ کیلو سطل است، با سدا برسد خا نواده آن زن کارگر چگونه می‌توانند بولی معادل تقریبا ۲ کیلو سطل به قاتل بدهند تا بتوانند او را مجازات کنند؟ کارگری که سراسی ۲ کیلو نان رورا نه خود در منگنه قرار ادر هرگز خواب ۲ کیلو سطل راهم نمی‌تواند بسیند! این است که با راهی جرف سنا نظر کردن از مجازات قاتل ندارد و کارفرمای قاتل عملا از مجازات معاف می‌شود و می‌تواند طبق این قانون، با برداخت خونشهای زن، جان خود را بفرود!

حالا اگر فرض کنیم که قضیه برعکس باشد یعنی کارگری که از شدت ستم و استثمات ربا گسنان آمده است یک زن را که کارفرمای او (با صاحبخانه بقیه در صفحه ۲۲

(۱) - در اینجا ما به جنبه‌های ارتجاعی دیگر این ماده که بسین مردوزن فرق گذاشته‌ها برای انسان قیمت معین کرده‌ها را نداریم. این نکته را در جاهای دیگر گفته‌ها زهم خوا هم گفته (۲) - رجوع شود به صفحه ۴۴۹ کتاب "جامع عباسی" که آنرا شیخ سها ش، مجتهد معروف دربار شاه عباس صفوی نوشته است و حا لبا اینکه "لایحه قصاصی" نظایق تعریبا کاملی با آنچه در کتاب مزبور آمده دارد.

بقیه از صفحه ۸ زاکبیه...

سوسیالیستی تا استقرار دیکتاتور پرولتاریا (۱۹۱۹-۱۹۱۷) را به عهده گرفت. در دوران تدارک انقلاب سوسیالیستی تمام استعداد، تسوا و خلافت بلشویکی سوردلف در خدمت تحقق تزه‌ای آوریل لنین صرف گردید. در این دوران سوردلف به تاسیستی عالیترین نمونه سازماندهی پرولتاریا بی‌ریا برای قیام جهت برقراری سوسیالیسم بمنصه ظهور نمود و در رشته‌های مستحکم تشکیلات را طی زنده‌ترین ارتباط با سراسر حزب در دست داشت. پس از رنگونی بورژوازی، حزب با سپردن نقش اولین مقام جمهوری شوروی به او مسئولیت عظیمی را بعهده سوردلف نهاد. او رهبری تشکیلات شوروی را در سخت‌ترین شرایط حیات آن پذیرفت. جمهوری جوان پرولتاریا روزهای دشواری را میگذراند تمام طبقات دشمن، همه مترجمین، همه ضد انقلابیون شکست خورده، همه خائنین طبقه کارگر از سلطنت طلبان تا منشویکها، از زرنالها تا کادتها از یکسو و همه امپریالیستها، بویژه امپریالیسم آلمان برای از هم‌ردیدن حکومت کارگری شوروی در آن زمان دندان تیز کرده بودند.

سوردلف در نقش سازمانده‌شورا‌های روسیه سازمانده تشکیلات حزب، سازمانده ارتش سرخ برای دفاع کشور، سازمانده کنگره‌های حزبی سازمانده چریکهای مسلح کارگری جهت شکست توطئه‌های منشویکها و سوسیال رولوسیونها... کار طاقت فرسای استقرار سوسیالیسم و نجات دیکتاتور پرولتاریا را به پیش میبرد و در همین حال در مبارزه درون حزبی همچنان که در سال ۱۹۰۳ و ۱۹۰۹ با منحرفین راست و "چپ" رزمید و با دارودسته بوخارین و تروتسکی، برای حفظ استحکام تشکیلات بلشویکی تحت مشی لنینی پیکار میگرد. او می‌بایست همراه با رانش لنین و استالین در جهت تکامل سازمان شوروی بکوشد آنچنان سازمانی جهت اداره جامعه ایجاد نماید که برای اولین بار در سراسر طول تاریخ بشریت

بقیه از صفحه ۲۱ لایحه...

وجود می‌آید، سازمانی با خلقت سوسیالیستی با دموکراسی شوروی، دموکراسی که برای اولین بار با کمیت کارگران... را در خود بطور واقعی منجلی مینماید.

چیرگی قدرت شوراها تا میده میشد میبایست آنچنان سازمانهای نوهای بیباک هتنگ برولتاریا و زحمتگنان بوجود آورده که سوردلف لنین به حزب اجازه دهده و سبترین توده‌های استنها رشونده را رهبری کند و آنها را براه زندگی مستقل سیاسی بکشد و خلاصه همه آن وظایفی را که رهبران انقلاب اکثر در "وظایف سوبین حکومت شوروی" طرح مینماید، میبایست عملی شسود. سازماندهنده‌ای که فائده نه در این راه خدمات توصیف ناپذیری به پرولتاریا نمود، سوردلف بود! بقولی سوردلف آنچنان سازمان شوروی را در اولین حکومت کارگری نگامل داد که شوروی تا توده‌های کارگری وسیله رشته‌های ناگستنی مربوط بود، سازمانی که استعدادها هنگی فوری با شرایط کاملاً گوناگون و وسیع التفسیر مبارزه را داشت.

زندگینا سوردلف به کمونیستها درسهای انقلاب می‌آموزد. می‌آموزد که تنها با فعالیت و مبارزه دانشی، فعالیت که هیچگاه از ناپا نشی نیا بدبا توده‌ها مطخ-شود، فعالیت. پیشرو، میتوان رموز کار عملی را توخت، آگاهی را در عمل بکار بست و مبارزه را ارتقا داد. او می‌آورد که کمونیستها تنها با مبارزه خود، تاسیستی - نان را برای رهبری پرولتاریا به تاسیسات میرسانند. او می‌آموزد که مبارزه برای آرمانهای کمونیستی نیا ز به سلاح مناسب، و تشکیلات بلشویکی دارد. سوردلف به گونه‌ای این آرمانها را حام عمل میبوشا ندکه گویی آرمانهایی کمونیم شکل زنده خود را در او بازمیاباقت: بهمان درجه و برانگیزان کینه، بهمان درجه سازنده جهان نو!

ما خواندن این کتاب را هر چند تنها گونده‌های از زندگی بلشویک کبیر، سوردلف را تمویز میکنم، به همه رفقای کارگرو انقلابیون و کمونیستها توصیه میکنم.

بقیه از صفحه ۱۴ روشنفکران...

انواع اپورتونیسیم به آسانی میتوان نندرشد کنند. در حقیقت روحیات و تنزلات روشنفکران جدا از گرایشها تا ایدئولوژیک آنان نیست. لیکن مسئله این است که این دو عامل در عین داشتن روابط تنگ تنگ، بر روی یکدیگر تا شبر گذاشته و بطرز دیالکتیکی یکدیگر را تقویت می‌نمایند. طبعاً صرف پیوند روشنفکران با ما جنبش طبقه انحرافات را بر طرف نخواهد ساخت تنها یک درک غیر مارکسیستی چنین حکم میدهد. لیکن امری روشن است که گوش فعال در تبدیل ساخت روشنفکری جنبش به ما خشی پرولتاریا یکی از عوامل اساسی رفع بحران جنبش کمونیستی است به همین خاطر جنبش کمونیستی وظایف سنگینی در پیوند خوردن به جنبش خود بخودی طبقه کارگر دارد. بدون این پیوند پرولتاریا بقدرت نخواهد رسید و بدون این پیوند روشنفکران مارکسیست

از انحرافات خطرناک و مهلک و از روحیات انفراد...

منشی، خود مرکزینی، با سخیستی و آکادمیستی نجات نخواهد یافت. این را میگوئیم، اما هرگز فراموش نمیکنیم که تحقق این امر بدون مبارزه ایدئولوژیک مستمر و پیگیر علیه روبریونیسیم و اپورتونیسیم بدون با کیزه نمودن جنبش مارکسیستی - لنینیستی از انحرافات خرد - بورژواشی و بورژواشی و بدون استواری بر سوسیالیسم علمی میسر نخواهد شد. ما چنین مبارزه - ای خواهیم بود که گرایشها و تجربیات انحرافی افشا خواهند شد و توده‌های که استعداد دیشوری در راه پرولتاریا دارند استوار تر به جلو خواهند رفت. ما چنین مبارزه‌ای خواهیم بود که توده‌ها در موضع پرولتاریا شی استوار خواهند شد و تمام انرژی و توان خود را در راه پیروزی پرولتاریا بکار خواهند گرفت.

آنچه که تا کنون گفتیم مواردی بود که...

تعمای بیمنی قتل بود در مواردی که دیگر نیز مثل ضرب و جرح و بریدن گوش و زبان و شکستن دندان و استخوان و غیره فرد شروت منند میباشند همه این بلاها را بر سر زحمتکش زبردست خود. در آوردن مثلا تا وانشر را بپردازد ولی اگر زحمتکش زبردست یک سرما به دارا زمیندار یک سیلی به گوش "ارباب" خود بزند چون تا وانشر را ندارد با بدیک سیلی بخورد.

بدین ترتیب است که قانون دستبخت رژیم حامی سرما به داران اینچنین ماهیت ضد کارگری و ضد خلقی خود را نشان میدهد. آیا انتظار حزابین است؟ مگر نگفته‌اند "زکوزه همان بیرون تراود که در اوست؟" ادا ما دارد.



بقیه از صفحه ۲ روزنامه نویسم

رویزیونیستها نه تنها در اقتصاد ما رگسختی جدید نظر کرده، نه تنها در سیاست پرولتاریائی تجدید نظر کرده و نه تنها در طبقاتی راجعای مبارزه طبقاتی نشان داده اند، بلکه علاوه در عرصه فلسفی نیز به نفی ما تریا لیسمدیا لکتیک پرداخته و به پوزیتیویسم ارتجاعی در غلطیده اند. پرواضح است که همیشه رویزیونیستها به نفی آنگا رومیان ما تریا لیسمدیا لکتیک نمی پرداختند، اما آنها در حالیکه بعنوان "مدافعین" دیا لکتیک ما رگسختی عرض اندامی نمایند در تئوریهای دیا لکتیک تجدید نظر کرده و استنتاجات تئوریک و عملی خود را دقیقاً منطبق بر منافع بورژوازی می نمایند. طبری و نگهدار دقیقاً به همین ضایع دست میزنند. آنها بعنوان نوکسران بورژوازی در تلویزیون بورژوازی ما رگسیم و دیا لکتیک منقل و سراپا تحریف شده ای را به نمایش میگذارند که فرستگها با ما رگسیم انقلابی و دیا لکتیک رنگ تفاوت داشته و تنها در خدمت بقای حاکمیت ارتجاعی سئورژوازی است. آنچه رویزیونیستها در تلویزیون اسلامی بر سر ما رگسیم آوردند جز تجدید نظر در جوهر انقلابی دیا لکتیک، جز آشتی دادن میسگان ما فیزیم و دیا لکتیک و جز به نمایش گذاردن پوزیتیویسم ارتجاعی چیز دیگری نبود.

طبری میگوید منطق ارسطو منطق صوری است. دیا لکتیک منطق مضمونی است او پس امانه میکند: "ما منطق صوری ارسطو را می پذیریم. قبول داریم، برای ارزش قائل هستیم، این منطق بعداً هم تکامل پیدا کرده... با هم تکامل خودش را در شرایط کنونی ما طی میکند و آن منطق جای خودش را در ادولتی ما به منطق مضمونی دیا لکتیک هم... منتقدم."

ما میدانیم که منطق ارسطو در ما هیت خود متبدل اسلوب ما فیزیکی میباید. این منطق، سیک استدلالی معین است که ما متا فیزیک رابطه تنگاتنگی دارد و بر اساس آن، بین "آری و نه" یکی را با اید انتخاب کرد. این منطق که بر سه اصل بکمان بودن، اصل نفی تفا و اصل نفی ثالث استوار است، در تفا دیا اسلوب و دیا لکتیکی بشما رمی آید. متا فیزیک به اشیا تا م و تمام می اندیشد و آنها را یکبار بر سر همیشه مشخص میکند. متا فیزیک اشیا پدیده ها را جدا از یکدیگر و فاقد ارتباط متقابل دانسته و هر موضوعی را ناماییده. وحدتی از افراد بشما رمی آورد. اما برخلاف متا فیزیک، دیا لکتیک ما تریا لیسمدیا لکتیک را در یک روند بی پایان در حال تغییر و تکامل و دارای ارتباط متقابل می داند، به گفته میرنده و نورشیداینده معتقد است و تفا در پدیده ها را جوهر هستی می داند ما رگس در دنیا چه کتاب نبوغ آمیز خود "سرمایه" می نویسد: "دیا لکتیک... در شکست

منطقی اش از نظر بورژوازی و پرفسورهای خیال - با ف آن ما به رسوائی و چیزی نفرت آور است زیرا دیا لکتیک در ادراک و شناختن تا شد امیز وضع موجود چیزها در همین زمان، همچنین شناختن نفی آن وضع و زوال یافتن ناگزیر آن را در سردارد، زیرا دیا لکتیک، هر شکست اجتماعی به لحاظ تاریخی شکامل یافته را در حرکت سبب میبندد و بنا بر این طبیعت گذرای آن را همان اندازه به حساب می آورد که وجود نا پایدار آن را، زیرا دیا لکتیک احاطه نمایی دهده که مورد سو استفاده قرار بگیرد و در ذات خود انتقادی و انقلابی است."

بدین ترتیب درمی یابیم که میان منطق متا فیزیک و دیا لکتیک تفاوت ما هوی و عظیمی وجود دارد و کسی نمی تواند ما رگسخت باشد و منطق متا فیزیک را مورد نفی قرار ندهد پرفسور طبری مرتدکه به ما رگسیم خیانت کرده است میگوید تا با پرده کشیدن بر روی ما هیت ارتجاعی متا فیزیک، میان دیا لکتیک و متا فیزیک آشتی برقرار کند. در حقیقت طبری خاشن نفرت خود از دیا لکتیک رنگ ما رگسختی را با مخدوش کردن مرزها و پوشاندن ما هیت متفاد دیا لکتیک و متا فیزیک به نمایش می گذارد. طبری مرتدبا هیا قرار دادن دیا لکتیک و منطق متا فیزیکی "ذات انتقادی و انقلابی" دیا لکتیک را انفسح کرده و بدین ترتیب ایدئولوژی بورژوازی را در عرصه فلسفی به نمایش میگذارد. دیا لکتیک که علم شناخت بر پدیده ها، طبیعت و اجتماع است تنها هنگامی میتواند در خدمت پرولتاریا قرار گیرد که از ما هیت انقلابی خود بر خورده اریا شد. پرولتاریا با ایتکا به دیا لکتیک ما تریا لیسمدی پدیده ها و با معر ا بطور علمی میبشاند تا بتواند بطرز انقلابی آنها را تغییر دهد. حال زمانی که در جوهر دیا لکتیک ما تریا لیسمدی تجدید نظر شود و دیا لکتیک تا سطح متا فیزیم ارتجاعی تقلیل یابد پرواضح است که راه دیگری جز تا شید و وضع موجود نمی ماند. و سراسری بورژوازی جز تا شید و وضع موجود (حاکمیت قدرت سبب سبب بورژوازی) چه چیز دیگری میخواهد؟ رویزیونیستها در فلسفه ما رگسختی ارتداد کرده اند و هدف آنان از این خیانت خلق صلاح کردن پرولتاریا در مبارزه علیه بورژوازی است. دیا لکتیک طبری نه دیا لکتیک ما رگسختی، بلکه دیا لکتیک بورژوازی و فدا انقلابی است. دیا لکتیک طبری خیانت آنگا رنستیت به ما رگسیم است، این دیا لکتیک نه سلاسی در خدمت پرولتاریا بلکه ابزاری در جهت ادا مبردگی طبقه کارگر میباید. و اینست هدف اساسی خیانتکاری چون طبری.

طبری در توضیح قوانین دیا لکتیک می گوید قانون تغییر و حرکت "نظریه سبب رگهته" ای است، "این نظریات که در فلسفه اسلامی ما هم

منعکس شده، در عرفان ما هم منعکس شده، نظریات تازه ای نیست."

میدانیم در طول تاریخ فلسفه ما اما سبب دوشاخه فلسفی اساسی مواجه میباید: یکی ایده الیسمد و دیگری ما تریا لیسمد. در حقیقت تمام شاخه های فرعی فلسفه به این دوشاخه اساسی منتهی میگردند. ایده الیسمد بر تقدم روح بسر ماده معتقد بوده و در تشریح و توضیح جهان دارای نگرشی غیر علمی میباید. حال آنکه ما تریا لیسمد بر تقدم ماده بر روح اعتقاد داشته و بر آنست که ماده در خارج از ذهن عینیت دارد و انسان قادر به شناخت جهان مادی است. بدین ترتیب از این دو دیدگاه فلسفی تغییر و حرکت به یک صورت استنباط نمیشود. ایده الیسمد از آنجا که روح را مقدم بر ماده میداند برای حرکت و تغییر مفهوم خاص خود را ارائه میدهد، از دیدگاه ایده الیسمدی تغییرات روحی تغییرات مادی را بوجود می آورد. اما طبری این حقایق را غافلانه و غامضانه پدیده پوشی میکند. او میگوید قانون تغییر و حرکت در دیا لکتیک "نظریه سبب رگهته" ای است، اینک فلاسفه از تغییر و حرکت صحبت کرده اند مسئله مهمی نیست، مسئله اساسی اینجا است که فلاسفه ایده الیسمد بر اساس نگرش غیر علمی خود تغییر و حرکت را تشریح کرده اند؟ فلاسفه اسلامی و عرفا از نقطه نظر فلسفی جزو اردوگاه ایده الیسمد قرار میگیرند، آنان به "ذات مطلق" معتقد بوده و از همین دریچه تغییر و تحولات جهان را تفسیر می نمایند. اما طبری که در پی سازش دادن میان متا فیزیک و دیا لکتیک میباید این حقایق را مستور نگاه میدارد. طبری در ادا مبر عملیات رویزیونیستی خود در باره قانون تفا میگوید: "در باره اش یک مقدار بحث وجود دارد" (۱۵) واقعا چه بحثی جز خیانت هرچه عربا نترنسیت به ما رگسیم می تواند وجود داشته باشد. رویزیونیستها مبلینس سازش طبقاتی میباید شدند و منظور طبری از "یک مقدار بحث" همان نفی تفا است او با نفی تفا سلطه بورژوازی را تقدیس میکند. طبری بطرزی ایده الیسمدی میگوید تا قوانین عینی حاکم بر جامعه و مناسبات میان طبقات متخامم را پوشانده و مبارزه طبقاتی را نفی کند، و از بیان تفا ده ای طبقاتی که به انقلاب قهرآمیز می انجامد وحشت دارد. او با این مسئله که پرولتاریا با ایده انقلاب اجتماعی و سرنگونی قهری بورژوازی پرورش یابد دشمنی دارد و به همین خاطر در طول بحث خود میگوید تا جوهر دیا لکتیک که همان تفا میباید را نفی کند. البته طبری ناچار است تا از تفا در حرف بزنند، لیکن او و شاگردانش نگاهداریه چکا از این مسئله که تفا مطلق است و وحدت نسبی است سخن نمی گویند. طبری مرتدانه به پرولتاریا

بقیه در صفحه ۲۴

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

سبعه از صفحه ۲۳ روزیونیسیم

چنین الفاء میکند که در جا معرمان به داری همه غالب مناسبات طبقاتی میان طبقه کارگر و بورژوازی جنبه وحدت آنهاست و این خبانی عربان است.

لنین در "یادداشت‌های فلسفی" مینویسد درک "اجزای متضاد" هر پدیده "جوهریالیکتیک" است. در جامعه سرمایه‌داری تضاد اساسی عبارت است از تضاد بین تولید اجتماعی شده و مالکیت خصوصی ابزار تولید و محصولات، انگاسی این تضاد در سطح طبقات عبارت است از تضاد آشنی نا پذیر پرولتاریا و بورژوازی. بر اساس چنین تضاد طبقاتی است که مبارزه طبقاتی شکل میگیرد. این تضاد در تمام طول جامعه سرمایه‌داری وجود داشته و تنها با پیروزی طبقه کارگر از طریق انقلاب قهرآمیز قابل حل میتواند باشد.

قانون تضاد قانون مطلق است که مناسبات میان پرولتاریا و بورژوازی را تعیین میکند. اما روزیونیسیمها با نفی این تضاد عینی - که مستقل از ذهن انسانها وجود دارد - و تاکید بر وحدت میان پرولتاریا و بورژوازی - بسط بویزیونیسم را رخامی درمی غلشتد. زیرا انسان بطور ذهنی و بدورا از حقیقت عینی در پی آنند تا با نفی تضادها به قانون مطلق، وحدت پرولتاریا و بورژوازی را برقرار کنند. وحدت است که نه در پهنه عینیات مبارزه طبقاتی بلکه فقط در ذهنیات علیل نوکران بورژوازی و بویزیونیستها شای چون "توده‌ای‌ها" و "اکثریتی‌ها" قابل وصول است. بدین ترتیب درمی با بیم که روزیونیسیمها چگونه و قیما نه در احکام انقلابی دیا لکتیک ما تریالیستی تحدید نظر کرده و بدین طریق غدیت ارتجاعی خود را با ما رکیسم لنینیسم به نمایش میگذاردند در حقیقت روزیونیسم فلسفی خاشنین به سوسیالیسمیان نمود ایدئولوژیک بورژوازی در عرصه فلسفه میباشد. ادامه دارد

تصحیح یک خبر

در شماره ۱۰۶ پیکار در خبر مربوط به بزرگداشت اول ماه در سوکان از کومله و پیکار بعسوان بر گزار کنندگان مراسم نامبرده شده علاوه متن خبر بگونه‌ای است که گویا مراسم با دعوت رفقای ما و کومله ترتیب داده شده است ضمن بوزش از خوانندگان و رفقای کومله تصحیح میشود که این مراسم دعوت رفقای کومله بوده و رفقای ما به حمایت از این دعوت در مراسم شرکت کرده بودند. در ضمن از رفقای که اخبار را سال میکنند مبرا "میخواهم که جهت اجتناب از بروز چنین اشتباهاتی در کم و کیف واقعیه، بیروهای شرکت کننده... دقت کافی بعمل آورند."

سبعه از صفحه ۲۸ یادداشتها

آنها، در رویا روشی ناکندگر، در بی همه عوامریبی ها و عبارات برداریها، بر اساس "تاریخ تلخ" بحران کنونی ناکند میکنند و آنرا به جناح رقیب گوشزد میسازند:

"من خیال میکنم که مالمترین راه بدون بحران طوری که نخواهیم به اصطلاح بعدها این بحران خدای نکرده، به یک تاریخ تلخی میان ما بین است که از خود مردم خواهد پند شود که همه موافقت کنند به مردم را جعه کنیم و با رای عمومی آنچه با بدستود، شود." (معا حبه سی صدیاً روزنامه انقلاب اسلامی، چهارشنبه ۳۰ اردیبهشت)

و درست در همینجا است که از وحدت دروسی هر دو جناح، علیرغم همه مسا زعات و درگیری ها و اختلافات به عیب بر ملا میگردد. لیکن این امر نباید باعث آن گردد که اساسی اختلافات و تضادها صرفاً یک جنگ زرگری و تخی از مضوم تلخی گردد و اقصیت این است که دو جناح رژیم در ترا سط کنونی نمیتوانند در کنار یکدیگر در اختلاف با هم، کارگردانی یک دولت بورژوازی را تنظیم نموده و به پیش برند. تضادهای درونی آنها اکنون و تحت عوامل ساده، به درجه‌ای از رشد و تکامل خود رسیده است که عملاً دولت بورژوازی را در یک بن بست واقعی فرار داده است. بن بست است که در هر اقدام واقعی آن، حویستن را به وضوح نمایان میسازد. دولت عمدتاً مهمترین ابزار نامین پیش شرطهای تولید و پارسولید مناسبات سرمایه‌داری را بر عهده دارد (علیرغم آنکه در چه شکلی و به چه صورتی این عمل را انجام دهد). در حال حاضر، این تضادهای نامینی در جهت کارکرد طبیعی و منطقی فوق تبدیل شده است. و این چیزی است که سبب حناج تریبیس و دورنگر رژیم یعنی لیسرا لیا با روشنی بیشتری بدان قوف حاصل کرده اند. و به همین جهت نیز از "بن بست" سخن میگویند. در حال حاضر، به قدرت میتوان عرصه‌ای را یافت که هر یک از دو جناح، در برخورد به آن، شیوه‌های مسا دی را ارا شده‌اند. اگر در بسیاری از رژیم‌های بورژوازی، اختلافات دروسی دولت، به عسوان در چیه اطمینانی برای فشارهای نامینی از مبارزه طبقاتی جا مع عمل میکند، تا در سایه آن دولت بتواند کارکرد طبیعی و منطقی حویتن را به انجام رساند، در شرایط فعلی، این تضادها و مخالفتها، فرا ترا زخواست و سیات حنا جهای مختلف بورژوازی، به عاملی در جهت گسیختگی نظام درونی جامعه سرمایه‌داری و اختلال در نامین شرایط زیست و عملکرد مناسبات تولیدی موجود تبدیل شده اند. درست همین بن بست ها و تضادها است که هر یک از دو جناح را به سمت این تصور، که تنها در چیه رچوب یک دولت یکپارچه و سوری از نامینا ت جدی سیاسی عسوان بر بحران مرا گیر کنونی غلبه کرد، سوق میدهد. حرسها، چاره را در حذف

کامل لیسرا لیا از کرد و سه اطلی قدرت ساخته اند و لیسرا لیا، علیرغم همه سطل ها و معا نات جوش رهبران اطلی آن با حناج رقیب، سدریح میرود تا سرانجام این درک مرا رگیرد که حکومت اختلاف، توان و ظرفیت مقابل با بحران کنونی را ندارد و از اس لحاظ در بن بست فرار گرفته است. شهادیات اخیر بی تردید، منی سمر ا حبه به "آرا عمومی" در مورد "بحران کنونی"، نشان ای از اس واقعیت است. المهای بن بست، یک معمای تاریخی دارد. ولیزوما معمای آن نیست که نقطه قطعی تصفیه حساب دو جناح با یکدیگر در همین لحظه حاضر است. چه‌سا، این معا زعات همچنان یک دوره بحران با یوسانات و هرا زونشیب‌های طی نماید. طبیعی است که در چنین صورتی، به ویژه با توجه به روند مبارزه طبقاتی و اعتلای انقلابی در جا مع، و نیز عواملی که در بالا بر شردیم، هر چه این نقطه قطعی تعیین تکلیف معا زعات دو جناح به عقب افتد، ضربات بیشتری بر یک بورژوازی و مناسبات سرمایه‌داری را در خواهد آورد. اما روشن است که هر دو جناح در توسل به اس اقدام جدی و مطلق، از یک چیز، سطور مشترک وحشت دارند با اینکه هر حرکت جدی آنها در این جهت، بیش از آنکه به تحکیم یک دولت یکپارچه و سیاتی قدرت بورژوازی تبدیل شود، به ستری برای فوران خیزش‌های توده‌ای و تشدید مبارزه طبقاتی به گونه‌ای که حیات کل بورژوازی را در معرض خطر قرار دهد، تبدیل سازد. و این واقعیتی است که وجود دارد و وحشت بورژوازی در این رابطه از عسیت مبارزه توده‌ها در شرایط فعلی سر - چشمه میگردد و این خود درست همان عاملی است که از یک سو خود مهمترین نقش را در نشاندیدن معا زعات ایفا میکند، و از سوی دیگر دو جناح را در تعیین تکلیف قطعی این "اختلاف" بن بست آخرین، به تردید و نزلزل و آمیادار و آسراه عقب می اندازد. به هر صورت، چنان بحران همچنان و در شکل کنونی ادامه یابد، و هر چه در اثر اقدام جدی هر یک از جناح‌ها، به تکسین اختلاف کنونی منجر شود، در هر دو حالت، بورژوازی امکان غلبه بر بحران کنونی جا مع و مها ر کردن سرچشمه‌های اطلی آنرا نخواهد داشت. چرا که واقعیت، بحران کنونی و ریشه واقعی بن بست‌های دروسی رژیم سیاسی جا کم عمدتاً نه در عس این تضادها و بسا اختلاف سلیقه‌های دو جناح و یا حتی معا یلات قدرت طلبانه هر یک، بلکه اساساً از یک سو بحران معینی است که مناسبات تولیدی جا کم را در ستر گرفته است، و از سوی دیگر در ساره و اعمسی طبقاتی و رشد و گسترش آن بر ستر بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه فرا ر دارد. به همین جهت هر تعبیری که این چیه رچوب محدود، در آرا سس نیروهای دو جناح، اگر هم حتی در یک مقطع نقش یک مکن را ایفا نماید، اساساً تعبیری بسادین در گسترش بحران کنونی خواهد داشت.

کارگران جهان متحد شوید!



# بیاد پر شور کارگر کمونیست، رفیق پیکار گرا احسان!

در شرایط اعتلاشی جنبش انقلابی، پیوستن کارگران آگاه به تشکلات جنبش کمونیستی امری طبیعی است ولی آنچه که اهمیت دارد وجود رفقای کارگریست که نه تنها دچار محدودنگری نبوده بلکه با درکی عمیقاً کمونیستی به مبارزه طبقاتی درون جامعه نگریسته و با آگاهی هم‌جانبه به منافع آتی و آتی طبقه کارگر به سازمان‌های کمونیستی می‌پیوندند و رفیق احسان از جمله چنین کارگران کمونیست بود.

رفیق کارگر ما با ۱۶ سال کار در کارخانه و کوشش در درک مسائل مربوط به طبقه کارگر و فراتر از آن بخش طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی جامعه و فعال کردن کارگران در عرصه‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیکی آنچنان به این مسائل ارزش قائل بود که با وجود بیماری سخت و جانکاه که رفیق را رنج میداد لحظه‌ای از آگاهی نداشتن نماند. او با درک عمیق طبقاتی و نقش ناسازگار طبقه کارگران غافل‌سیند، رفیق احسان تا آخرین لحظاتی که میتوانست به کمک داروهای گسنگ خود را سرپا نگاهدارد برای بخش اعلامیه‌های آگاه‌ها به سازمان و دادن آگاهی به کارگران به کارخانه می‌رفت.

رفیق از دست رفته ما در عرصه مبارزه ایدئولوژیک نیز بسیار فعال بود. او با قلبی مالامال از عشق به کمونیسم و سوسیالیسم لحظه‌ای از هراس گرفتن ما رکنیم - لنینیم و آموختن آن بدو کارگران آرام نمیگرفت. در بیمارستان تنها آنجا شبکه چشم‌های کارگر در دستمال‌ها می‌پوشید و پرداخت و هنگامیکه چشم‌هایش توان دیدن را از دست دادند میگفت: "چشم‌ها شبکه نتوانند مطالعه کنند فقط بدر در آوردن میخورند".

او از مسائل و مفاهیم ما رکنیم لنینیم درک بسیار عمیقی داشت. در جریان قیام بهمن رفیق مدتی با سازمان چریک‌های فدایی همکاری میکرد اما با درک عمیقی که از رویزیونیسم پیدا کرده بود با آگاهی به اهمیت مبارزه با رویزیونیسم در شرایط بحرانی جنبش کمونیستی، بسوی یک جریان "خط ۳" سنگبری کرد اما با تشدید مبارزه ایدئولوژیک درونی بر علیه گرایش‌های تروشکفکی درون آن گروه، رفیق احسان با مرزبندی بر علیه انحرافات گروه، از آن انشعاب نمود و رفیق در آن شرایط زمانی، به سمت جریان فکری که کارگر کمونیست را از روشنفکر کمونیست جدا میکرد نزدیک شد اما با تیزبینی سیاسی که

داشت به انحراف موجود در جریان مبارزه با "خط ۵" که طاهر "مدروشنفکرانه" داشتند پیوسته برده و با آنها قاطعانه مرزبندی کرد. سپس رفیق احسان با مطالعه دقیق نظریات موجود در جنبش کمونیستی و دقیق‌تر شدن مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود، دفاع بی‌گیرا از ایدئولوژی طبقه کارگر و مبارزه سیاسی اما ن علمی و رویزیونیسم و پذیرش تنوع مارکسیستی لنینینیستی سوسیالیست ما را در اسرار و ظرافت یک سازمان کمونیستی قسار داد و آگاهی‌ها نه به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوست.

رفیق احسان در درون سازمان با شرکت خلاق و بر خورده‌های عمیقاً کمونیستی در جریان مبارزه ایدئولوژیک درونی با ناسازیها، گمبودها و انحرافات موجود مبارزه میکرد ولی رفیق با تکیه بر اینکه سازمان را پیگیرترین نیروی جنبش کمونیستی میداندا ما با برداشتی کمونیستی و در جهت رفع این اشکالات و انحرافات و محکم‌تر کردن پیوندهایش با سازمان و بسط و پالایش سازمان از امکانات ایدئولوژی بورژوازی و زدودن گردوغبار حاصل از آنان مبارزه میکرد.

رفیق در برخورد به انحرافات گذشته سازمان از مواضع سیاسی بسیار پیشروی برخوردار بود رفیق احسان در مورد مقالات "زیگزاگها" بورژوازی متوسط، خرده بورژوازی مرفه سنتی قدرت دوگانه، ماهیت طبقاتی خمینی و ماهیت ضد انقلابی رژیم‌های ارضیل مصر، سوریه، الجزایر نظریاتی داشت که ماهیت کمونیستی آنها در سازمان پس از شناخت انحراف بر است و مرزبندی با آن بطور روشن مشخص شد.

عشق رفیق به ایدئولوژی پرولتاریا و دیدگاه فدروویزیونیستی رفیق در تمام عمره‌ها بچشم میخورد. رفیق همواره از مرزبندی خاندان‌هاش با رویزیونیسم و سوسیالیسم "اکثریت" اظهار خوشحالی میکرد.

رفیق احسان نسبتاً به یک کمونیست، یک کارگر کمونیست و یک پرولتر آگاه در هر قدمی که برمیداشت، با آگاهی کمونیستی و تکیه بر روی اخلاق کمونیستی و با روحیه نه‌پس‌اندازیدن از مرگ (تا آخرین دقیقه زندگیش که هر لحظه در انتظار مرگ بود) رفتار کرده و به آنچه که می‌اندیشید منافع امروز فردای طبقه کارگر و پاری‌رساندن به‌گوشه‌شدن در پیچه‌های رهائی بخش به سوسیالیسم و کمونیسم بود.

رفیق در بیمارستان به پزنتک معالجه‌ش میگفت: "دکتر به من بگوئی میمیرم! من منسل تو از مرگ نمیرم... من یک کارگر کمونیست هستم و در زندگیم هیچ چیز ندازم که از مردن بترسم!" رفیق احسان از کوتاهی زندگیش تنها با ظرافت تمام مماندن و ظرافت انقلابی و کمونیستی اش اظهار نگرانی میکرد. او میگفت: "من سالها همراه با این کارگران استخوان‌شده ام، سالهاست که همراه آنها مبارزه کرده ام، پیروز شده ام، سرکوب شده ام و سالهاست که کینه به سرمایه‌داری تمام وجود ما را پر کرده است. حالا من آگاه شده ام و میدانم که منافع تاریخی طبقه کارگر چیست. حالا دیگر عشق به سوسیالیسم سر تا پای وجود مرا میسوزاند. آرزو داشتم که فقط ۵۶ ماه بیشتر میتوانستم بر روی پاها می‌ایستم تا بتوانم بعضی از کارهای نیمه‌تمام مرا در آگاهی کردن کارگران به بیان برسانم!"

رفیق تا آخرین لحظات زندگیش از وضعیت سیاسی جامعه و مبارزات طبقه کارگری برسد و با استقامتی نظیر دردها و فشار طاقت فرسای بیماریش راجع عمل میکرد. رفیق احسان نمونه‌ای از اخلاق و انضباط کمونیستی و متانت و فروتنی کارگری بود.

رفیق هر طبقه‌ای را که در خدمت مبارزه سهمگین طبقاتی پرولتاریا بر علیه سرمایه‌داران قرار داشت با فروتنی و شور فراوان آنجا می‌پیدا و از یک زاویه پرولتری و فروتنی کمونیستی به این فعالیتها نگاه میکرد. هنگامیکه به فعالیتهای کمونیستی و ارزشهای مبارزاتی و توانائیهای سیاسی - ایدئولوژیک عضویت رفیق در سازمان به رفیق احسان ابلاغ میشد، رفیق ضمن خوشحالی از محکم‌تر شدن پیوندش با سازمان در حالیکه اشک در چشمانش حلقه زده بود با متانت و فروتنی پرولتری گفت: "من لب‌هایم را ندارم" و سپس پس از تاکیدن گفت: "امیدوارم این ملاحظیت را داشته باشم". رفیق احسان در حالیکه سراپا سر تا راز کینه طبقاتی بود از زمانت کمونیستی لبریز بود. او به طبقه‌اش می‌اندیشیده بوده - های ستمدیده فکر میکرد و با تمام وجود در راهائی آنها تلاش می‌ورزید. او در آخرین روزهای حیاتش بر روی تخت بیمارستان میگفت: "من نمیخواهم به طرف مرگ بروم ولی اگر مرگ همه‌سرا نمیباید منم ترسم مسئله مهم این است که زندگی من چه تاثیری در زندگی دیگران میگذارد!"

و برآستی زندگی او سر تا رازش و عشق به مبارزه بود، مبارزه در راه آگاهی و رهائی طبقه کارگر. ما در عقده‌های رفیق کارگر، پیکار کمونیست احسان! اندوه از دست دادن یک پرولتر آگاه و کمونیست را به نیروی سجدان تبدیل میکنیم و به آرمان طبقاتی او سوگند یاد میکنیم که راه سرخ او را تا پیروزی سوسیالیسم، بطور خشکی ناپذیر ادامه دهیم. درود و افتخار بر رفیق کارگر احسان!

پساش همیشه جاوید باد!

## درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

# اعتصاب غذا در زندان کارون اهواز

«اطلاعیه عده‌ای از زندانیان سیاسی کمونیست زندان کارون اهواز»

امروز در شرایطی بمر می‌رسیم که زحمتکشان میهنمان با گران‌ترین فیکاری و فقر و محنت شبانه‌شب از جنگ ارتجاعی ایران و عراق دست بگریبان هستند. بحران اقتصادی حاکم بر جامعه و همچنین فروپاشی روزافزون توهم‌توده‌ها نسبت به سه هیئت حاکمه جمهوری اسلامی، منتج به موجی از مبارزات کارگران و زحمتکشان گردیده است. با او جبهه جنبش انقلابی، رژیم جمهوری اسلامی برای حفظ سیستم سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و حاکمیت فدا انقلابی اش دست به سرکوب گسترده مبارزات توده‌ها می‌زند و در ادامه همین سیاست که رژیم با تمام توان تبلیغاتی بدین پراکنشی سرعلیه نیروهای انقلابی پرداخته است، هر روز شاهد حملات نظامی و تجمعات نیروهای انقلابی، خانه‌گردی و دست‌گیری‌های بی‌دریغ انقلابیون هستیم. آنها با

هوادارانی از میان انقلابی‌ها با دارد. و اعتراض آنان به شرایط حاکم را با محنت و لگدوسردن به سلول انفرادی پاسخ می‌دهد. ما عده‌ای از زندانیان سیاسی کارون اهواز مستوان بخش کوچکی از زندانیان سیاسی سرانگشور هستیم. اعتراض به شرایط و روابط حاکم بر زندانبانان و «دادگاه‌های انقلاب» و سرای کسب حقوق حقه خود که تاکنون از جانب مسئولین بلاحواس ما نشده است از تاریخ پنجشنبه ۶۰/۲/۲۴ تا رسیدن به خواسته‌های خوبش دست به اعتصاب غذا می‌زنیم. بدیهی است که مسئولیت ترویج پیشامدی متوجه مسئولین زندان و دادگاه انقلاب اسلامی اهواز می‌باشد. متن خواسته‌های ما بدین قرار است:

۱- رفع بلاتکلیفی و رسیدگی به پرونده‌ها و رعایت کلیه موازین قانونی از جمله دادن کیفرخواست، تفهیم اتهام، دادن حق دفاع از

آیا رژیم جمهوری اسلامی به اعتصاب غذای زندانیان سیاسی کمونیست در زندان کارون اهواز پاسخی جز توهین و تحقیر می‌دهد؟  
باید دید...

تلاش‌های مذمومانه‌شان در پی سرکوب نیروهای انقلابی و بی‌بازگشتی آنها و جدا کردن آنها از مبارزات توده‌ها هستند. علیرغم تضادهای موجود درون هیئت حاکمه که بر بستری از بحران اقتصادی و سیاسی جامعه همواره خود را نشان می‌دهد، هر دو جناح حزب جمهوری و بنی مذبذب‌ان نشان داده‌اند که در سرکوب توده‌ها و نیروهای انقلابی متفق یکدیگرند. وحشت رژیم از نیروهای انقلابی به حدیست که حتی در زندان‌ها نیز از وارد آوردن فشارها و تحقیرات بر زندانیان سیاسی فروگذار نمی‌کند. آنها در حالیکه دستگیر شدگان را در طول بازجویی و دادگاه‌زایی شکنجه روحی و جسمی قرار می‌دهند با بی‌رحمی متکرم وجود شکنجه در زندان‌ها می‌شوند. آنها وحشت دارند که در «دادگاه‌های انقلابی» که کسی امکان گرفتن وکیل یا حق دفاع از خود را ندارند. در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای و حتی بدون حضور متهم، با مدور حکم طولی المدت حبس، قوانین دست‌بخت خودشان را نیز زیر پا می‌گذرانند. رژیم در حالیکه با عوا مفریبه اشک تمساح برای با بی‌سازند می‌ریزد، خودی می‌رماند از اطلاق عنوان زندانی سیاسی به زندانیان

## شهادت یک کارگر مجاهد بدرست پاسداران

دورود: در پیروش پاسداران در روز ۱۷ اردیبهشت به‌سما نگاه عکسی از «معلمین شهید» که با ستارگان معلمین هوادار از زمان جریک‌های فدا شمس (القلبت) سرگزار شده بود، با پاسداران در برابر اعتراض مردم عدا می‌نماید. ساری نمودند که در اثر تلک یا سدار مرتضی سنا مگورش ساگسی کارگر رحمتکشی سنا شهید سوا لفضل سلیمانسی ار هواداران مجاهدین خلق در حین عبور از محل، مورد اصابت گلوله فرا گرفتند و به شهادت رسید. در این جنایت پاسداران یک معلم خراسانی نیز محروم و عده‌ای دستگیر شدند. رژیم جمهوری اسلامی مزورانه کوشیده است تا قتل جنایتکارانه این مجاهد شهید را به‌ما زمان‌های سیاسی نسبت دهد و این نشان سوخت روزافزون سرمایه‌داران رژیم را گواهی و عکس العمل مردم نیست به حمایت مردم از نشان می‌باشد.

با آوری این نکته ضروری است که در پیکار ۱۵۵ در انتقاد به سیاست‌های سازمان مجاهدین خلق نسبت به «حزب دموکرات» و حبش و مقاومت خلق کرد، اشاره‌ای به عدم موفقیت مجاهدین در مورد حمایت پاسداران در ۳۱ فروردین ۶۰ که منجر به شهادت دور فقی ما در همان روز گشت، شده بود. مجاهدین دو هفته بعد در نشریه مجاهد شماره ۱۱۹ (۱۷ اردیبهشت ۶۰) این حمایت ارتجاع را محکوم کردند که متأسفانه تا زمان به زیر چاپ رفتن «بیکار» بدست ما نرسیده بود. ما امیدواریم که این موفقیت‌های اصولی مجاهدین خلق در آینده تعمیق بیشتری یافته و نتایج بیشتری‌های این سازمان را مبارزات کمونیست و تقویت نشیرونها انقلاب ما کنیم.

## دهمین سالگرد شهادت رفقا پویان، پروندیری و صادقی نژاد

ده سال از شهادت رفقای فدایی امیر پرویز پویان، رحمت‌الله پروندیری و اسکندر فدایی نژاد می‌گذرد. این رفقا در روز سوم خرداد ۱۳۵۰ در یک درگیری با سواران رژیم محمدرضا شاه حلال، قهرمانانه شهادت رسیدند. ما و خودمشی غیرپرولتاری و فرخنده سوزو شای جریکی که رفقای شهید در چا رجوب آن مبارزه می‌کردند، تحلیل از رفقا به یاد آوریم مبارزات انقلابی آنان در برابر امپریالیسم و رژیم شاهنشاهی و نیز موفقیت‌های سازمان آنان در آن زمان بر علیه رژیونیست‌های خائن می‌باشد.

با دشمن گرامی باد!

- خود حق داشتن وکیل.
  - ۲- ماضین محکوم نمودن ضرب و شتم زندانیان توسط زندانبانان، حواستاریگیری از این عمل غیرانسانی هستیم.
  - ۳- از آنجا که ملاقات حضوری حق قانونی و اساسی هر زندانی است خواهان ملاقات حضوری با سرنامه هستیم.
  - ۴- ما خواستار ورود کتابخانه‌ای که فروش آنها در بازار منع قانونی نداشته‌اند به زندان می‌باشیم. در ضمن کلیه کتابها شبکه به روز ما گرفته شده باید پس داده شود.
  - ۵- رسیدگی بوضع درمانی، بهداشتی و غذای زندانیان
- «عده‌ای از زندانیان سیاسی کمونیست کارون اهواز» ۱۳۶۰/۲/۲۴

## درود بر خاتره شهیدان ۴ خرداد ۱۳۵۱

با مجاهدین شهید محمد حنیف نژاد، سعید محسن علی اصغر بدیع زادگان، محمود عسگری زاده و رسول منگین فام بنیان گزاران سازمان مجاهدین خلق ایران را که پس از با سدار مجاهدترین در زیر شکنجه‌های وحشیانه مزدوران ساواک، در روز چهارم خرداد ۵۱ شهیدان گرامی می‌داریم!

زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده‌ها آزاد باید گردد!

### یاوه‌های منتظری بر علیه رفیق شهید تقی شهرام، بیانگر وحشت رژیم از کمونیست‌هاست

آیت الله منتظری در نماز جمعه قم (جمعه ۲۵ اردیبهشت) ضمن حمله به مجاهدین و نیروهای کمونیست با یاوه‌گویی در مورد رفیق شهید محمد تقی شهرام که یکسال در زندان جمهوری اسلامی با بداری کرده و سپس در برابر جوخا عداوت را قرار گرفت، گوشه‌ای از وحشت بی‌پایان سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از کمونیست‌ها را به نمایش گذاشت. منتظری که استقبال توده‌ها از زبیک‌های انقلاب و آگاه‌گری نیروهای انقلابی و کمونیست وحشت زده شده است، گمان می‌کند که با فحاشی در مورد کمونیست‌ها و آن‌هم کمونیست شهرام نمی‌تواند رفیق شهرام که با بداری شجاعانه در زندان‌های جمهوری اسلامی بخشی از توطئه‌های رژیم را در مورد مجاهدین و کمونیست‌ها با شکست مواجه ساخت خواهد توانست از تا شهر مبارزه و مقاومت کمونیست‌ها و تا شیرات انقلابی فعالیتهای آگاه‌گران و آنان در بین توده‌ها بگذارد. او با وقاحت فرار قهرمانانه از رفیق شهرام را از زندان ساری (سال ۱۳۵۲) که شکست بزرگی برای دستگاه‌های عربی و طویل‌پلمبی و "امنیتی" رژیم شاه بود کار "سپاه" و "ماواک" میداند. منتظری "فقیه" و "مجتهد" تا لیبدر خود نیز میداند که دروغ می‌گوید و الا همیالکی‌هایش در مضحک‌های که بنام "دادگاه" برای رفیق شهرام برآوردند و خند خود را دعا کردند و خود محکوم نمودند درشت نگردند حتی آثارهای نیز به این فرار انقلابی نمایندگان با آوارا قدم شجاعانه این کمونیست قهرمان و دور رفیق دیگسرمی گردید و این به نفع

رژیم جمهوری اسلامی نبود و به همین دلیل هم بود که رژیم جرئت نگرد که یک برگ از پرونده رفیق در ساواک را منتشر سازد.

منتظری بدنبال این دروغ سبزشمانه سعی میکند از رفیق بگذرد عیاشی ساخته و نیز بدترین تهمت‌ها را به دختران قهرمان نیکه قدم در راه مبارزه انقلابی نهاده و صراحتاً سننهای ارتجاعی را شکسته اند میزند. منتظری که فاسد و کثافت کاری با ساداران و دیگر عوامل رژیم‌زبان نزد مردم زحمتکش از سر برداشته است، از گرگان تا گناباد، از تهران تا ایران شهر گذشته است و روزی بیست که رسوایی جدیدی بهارنیا ورنده مذبح‌ها نبسته می‌کوشد با فحاشی به رفیق شهرام و دختران کمونیست و انقلابی، خانواده‌های مذهبی و به ویژه آگاه‌ها برای وارد آوردن فشار بر فرزندان مبارزان تحریک نماید. اما زحمتکش‌ان سادر تجربه روزمره خود پیش از پیش درمی‌یابند که جوانان کمونیست و انقلابی که با طوره‌های آنان و پیروزی انقلاب سخت‌ترین فشارها را، شکنجه‌ها، تیرباران‌ها و... را تحمل میکنند با کتراز از نندگی و صلح‌های ناچسب منتظری‌ها آنها را آلوده کند. کارگران و زحمتکش‌ان میهن ما، چشم‌خود می‌بینند که جوانان قهرمانی را که در راه‌های آنان و بیخا طرفداری به آرمان طبقه کارگر سخت‌ترین شکنجه‌ها و آزارها را بجان می‌خورند، نمیتوان با این فحاشی‌ها و تهمت‌های قبیحانه بدینا م‌کرد.

\*\*\*

### افتخار بر خاطره کمونیست شهید، رفیق جعفر شجاع ساداتی



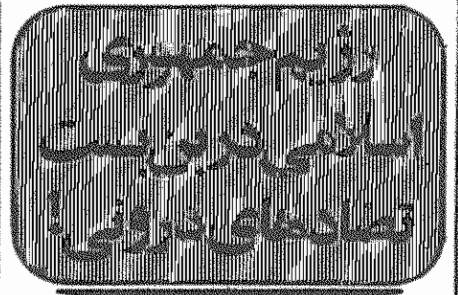
روز ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۴، رفیق جعفر شجاع ساداتی، دانشجوی کمونیست دانشگاه صنعتی، از بخش منشعب سازمان مجاهدین خلق در دام‌تور - های پلیسی دهخیمان رژیم شاه افتاده و در حالیکه صلح نموده، مورد امانت گلوله مزدوران کمیته مشترک ساواک - شهربانی قرار گرفته و بشهادت رسید. رفیق شجاع ساداتی از جمله دانشجویان انقلابی بود که با پذیرش ما ر کمیسر لنینیسم، ایدئولوژی پیروزمند طبقه کارگر، برای پیوند با زحمتکش‌ان به مبارزه انقلابی در صفوف سازمان - های کمونیستی پیوسته و در راه‌های شجاعانه زحمتکش‌ان مرگی سرخ را پذیرا گشت!

با درخشش راگراسی میداریم!

بقیه از صفحه ۴  
رژیم را تجربه کرده و وحدت منافع رژیم و عملانش را با سرمایه‌داران درک کرده بودند، با شعار "مرگ بر سرمایه‌دار" و "مرگ بر فرماندار، حامی سرمایه - دار" مشت محکمی بر دهان این مزدور سرمایه می‌زدند. سرانجام طبق معمول سر و گله سرکوبگران اسلحه بدست پیدا می‌شود که ضمن حمله به کارگران و نغرازان آنها را دستگیر میکنند. اما کارگران صفوف خود را حفظ کرده و با اجتماع در مقابل مقر سپاه پاسداران، آنها را محصوره آزادی رفقاییشان میکنند. فردای آن روز کارگران در خیابانهای شهر به نظاهرات می‌پردازند و بدینوسیله خواست برحق خویش را بگوش می‌برنوده‌های زحمتکش می‌رسانند و مجدداً در مقابل فرماندهی اجتماع میکنند. آنها در مقابل گفته‌های یک افسر شهربانی که آنها را به سرکوب توسط نیروهای شهربانی و با ساداران، تهدید میکند (که در ضمن نشانگر وحدت ارگانهای سرکوبگر و جناح رژیم بر علیه کارگران و زحمتکش‌ان است)، شصت و "مقاومت میکنیم" سر میدهند و به اعتصاب می‌نشینند (حد اقل تا روز ۲۲/۶۰) ادامه میدهند.

رفیق محسن فاضل،  
مبارز قدیمی و  
یار خلق فلسطین  
و  
رفیق علیرضا رحمانی  
شستانی  
فرزند خلق بلوچ  
آزاد باید گردند

بقیه از صفحه ۱۶  
و عده‌ای از کارگران اسکله را به خانه‌ها بفرستادند، اما نه از هواپیماهای دشمن خبرند و نه از "شیشی مشکوک" (سپاه هیئتگی). یکی از کارگران اسکله میگفت "همه برنا به توپهای ضد هوایی، ما موشی و خلوت کردن اسکله برای این بود که مهمات جنگی از جمله توپ و تانکهای وارد شده را از گشتی تخلیه کنند".  
روز پنجشنبه ۲۸/۱۲/۵۹ و روزهای بعد مردم بندر عباس تا حد حمل و نقل این سلاحها بودند. تنها در یک مورد شش تیربار حمل سلاح از شهر عبور کرد. ۶۰/۱/۱۲ - حدود ساعت ۱۹ سازم گلوله‌های ضد هوایی شلیک شد. سپس رادیوی ارتجاعی بندر عباس اعلام کرد که وضعیت قرمز است و چرا آنها را خاموش کنید! اما روز ۱۶/۱/۶۰ باز هم تعداد زیادی تیربار ارتشی حامل مهمات و سلاحهای جنگی در شهر دیده شدند. آیا این حربان حکایت از برقراری روابط حسنه - وابستگی بیشتر رژیم جمهوری اسلامی - با شیطان بزرگ نیست؟ به نقل از زبیکار غلج (۱) - نشریه هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر - بندر عباس



روند درگیری بر سر قدرت در درون رژیم حاکم، با بعد جدیدی بخود گرفته است و روز بروز شدت بیشتری میگیرد. حزب جمهوری اسلامی که از مدت‌های پیش در پی به انحسار درآوردن تمام ابزارهای قدرت سیاسی در دست خویش بوده حرکت درآمده بود و بطور تدریجی و گام به گام راه حذف کامل لیبرالها را از گردونه اصلی حکومت طی میکرد، اکنون این حرکت خویش را شتاب بیشتر و آشکارتری بخشیده و با دست زدن بسه اقدامات عاجلی میگوید این حرکت را در زمان هر چه کمتری به پایان بخویش نزدیک سازد. لایحه "هدف مرمان هابونی" که توسط دولت به مجلس برده شد و مجلس نیز آن را به تصویب رساند، گام بزرگی در جهت تحقق این هدف حزبی ها بود که در پی آن دولت رجائی میتواند نامک مرکزی را که تاکنون در دست لیبرالها بود صمیمه بزارد. های قدرت خویش نمایا بدین ترتیب لیبرالها را از یکی از مهمترین مواضع استراتژیک قدرت به کنارتانند. درست به همین دلیل است که لایحه "لایحه نشان های جدیدی در میان دوجناح اصلی حاکم که با هم جد نمودند و بدینا منجر گشت که بنی مداخله آشکارا از "بست" سیاسی در کشور سخن گفت و بطور تلویحی، با یک خدمه نبرو مند مسئله "مراجعه به آراء عمومی" برای "خروج کشور از بست کنونی" را مطرح نمود. بنی مداخله این موضع خود در واقع بطور تلویحی مسئله "فرزاندن عمومی" را به پیش میکشد و جناح رقیب را سوسله آن مورد تهدید قرار میدهد. میگویند "اسبها در سربالائی یکدیگر را گاز میگیرند". اکنون ممدق یعنی این ضرب المثل را در مورد بحران کنونی رژیم سیاسی حاکم، به روشنی میتوان مشاهده نمود. هر چه بحران سیاسی جا مدها امروز ایران شدت میگیرد، بورژوازی بیشتر دچار آشفتگی و سراسیمگی میگردد. عوامل متشکله و سراسیمه کننده این بحران تا رهای خویش را آنچنان سردست و پهای نظامها کم تنبیده است که هر روز بیشتر نفس های او را به شماره می اندازد و در و روزه مطلوب حیات او را دچار اختلال میسازد. اربکسونا رفاهیتی توده ها از وضع موجود و بورژوازی جناح "حزبی رژیم" در مقیاس وسیعی در حال گسترش و تعمیق است و مبارزه طبقاتی در جا مدها به درجه وسیعتری بخود میگیرد و از سوی دیگر بحران اقتصادی و اجتماعی موجود، بورژوازی اقتصادی رژیم و

تشدید مفروضات آنها بر سترا این بحران، هر روز با بزرگتری بخود میگیرد. در کنار اینها عوارض و آثار جنگ ارتجاعی کنونی، همچون طابعداری برگردن رژیم افتاده و سخت گلویش را میفشارد. با شدگی نظام سیاسی، فقدان یک سیاست و روش واحد برای سرکوب انقلاب و بازسازی نظام سرمایه داری، ... همه و همه عواملی هستند که بطور بسیار بقه ای بر اساس بحران فراگیر کنونی می افزایند و سیما "بست کنونی رژیم را ترسیم میکنند. بر سترا این زمینه های عمیقی است که دوجناح بورژوازی در هیئت حاکمه، بر سر صورت یکدیگر جنگ میکنند و هر یک خوبتر است و رانای رژیم و بورژوازی از گرداب این بحران قلمداد میکند. مضمون اساسی و واقعی این من مازعات و عدالتهای سیاسی، در پشت همه طوا هر سیاسی موجود، چیزی نیست جز تلاش دوجناح معین بورژوازی برای تحمیل آلترنا تیو خود، جهت خروج بورژوازی از این بحران و سازمان دادن دستگا و سپهر کثی سرمایه داری ایران، بشیوه مطلوب خویش و بازگرداندن حیات طبیعی و مطلوب به نظام اقتصادی و سیاسی حاکم و بالاخره نجات طبقه بورژوازی ایران از گرداب عمیقی که در پیش پای آن قرار گرفته است. در و روزه همه اختلافات روشنائی، قدرت طلسمی ها، تمام بلات و منافع فردی و گروهی، زمینهای فرهنگسی متفاوت و ... آنچه چیزی که در تحلیل نهائی مناسی اساسی و عینی این اختلافات و منازعات را تشکیل میدهد، همین مسئله، یعنی چونگی خروج از بحران مستولی بر طبقه بورژوازی ایران و نظام سرمایه داری است.

آن چیزیکه این دوجناح را به پرخاشجویی در برابر یکدیگر سوق میدهد، آثار و عوارض و نتایج نهایی این بحران است که همه آنها را بورژوازی لیبرالها از هم اکنون، آن را در سیما ی بحران کنونی بروشی مشاهده میکنند. آنها در پشت خام بحران کنونی، تصویر "تلخ" آیندرا، یعنی گسیختگی تدریجی نظام اجتماعی - سیاسی کنونی و ورود هر چه وسیعتر توده های تحت ستم به عرصه مبارزه سیاسی و طبقاتی و رویا روشی با مظاهر ستم طبقاتی، که در آن بحران کنونی، غلبت و بارطاعت فرسائی بخود گرفته است، بوضوح می بینند. این آن چیزی است که آنها را در وحشت و هراس فرو میبرد. به همین دلیل است که طبقه در صفحه ۲۴

### .. شکنجه نیست؟!!

"هشت بررسی شایسته شکنجه"؛ در یک مباحثه تلویزیونی (۳۰ اردیبهشت ۶۰)، همان دروغهای بشیرمانهای را که قبلا بارها گفته بودند، دوما ره تکرار کردند. در این گفتگو عایدی یکی از اعضای این هشت "شکنجه" را در جمهوری اسلامی مسمی کرد و روشن شد که سرود مداران جمهوری از عدم وجود شکنجه در زندانها منظور تا ن چیست؟ این مرتجع گفت سئای کار ما (یعنی هشت) این بوده که شکنجه برای گرفتن اعتراف در جمهوری اسلامی ممنوع است! تا این توضیح روشن بشود که:

- حملات وحشیانه به ساداران زندانها انسان انقلابی که با کوچکترین بهای از جمله سرود خواندن فرزندان در زندانها شروع می شود و سر و تنم آنها شکنجه نیست!
- ترتیب دادن اعدای بهای نمایشی برای با صلاح تر سادان مبارزان در زندانها سواغ فشارهای روحی دیگر شکنجه نیست!
- زبردست و لگدگرفتن دختران کمونیست و انقلابی تا حدی که برخی از آنها دچار خونریزی گردند و .. شکنجه نیست!
- سوزاندن بدن انقلابیون برای نمایش کینه طبقاتی ارتجاعی به ساداران سرمایه شکنجه نیست!
- همبند کردن کمونیستها و دیگر انقلابیهای انقلابی با مزدوران و سوا واکه و افراد دهرزه برای وارد آوردن فشار روحی بر آنان، شکنجه نیست!
- بورش به دختران و زنان انقلابی که خاطر ادا مدها برده و تحقق خواسته های روحی شان دست نه اعتماد غذا زده اند، شکنجه نیست!
- آثار فسادق تشنگ بریدن کمونیستهای شهیدرفقای بیگانه گر محمود صمدی، مهناز معتمدی و .. و ضربات وحشیانه بریدن رفق فدا شئی جها تگر قلمبه ساندواب و شرورا و در زندان و .. شکنجه نیست!
- آری! مرتجعین عضو "هشت" نمیتوانند وجود آشکارا و آشکارا کردنی شکنجه را در زندانهای جمهوری اسلامی تکذیب نمایند و لذا برای "شکنجه" معنی و مفهوم خاصی قائل میشوند تا جنابات سیاسی پایان رژیم را سپوشانند، اما این توطئه ها و دسیسه های رسوا از دستدر حمتکشان آگاه ما نقش سرآبست و دروغهای و فضا نه سردمداران رژیم در میان توده های زحمتکش حاشی ندارند! شکنجه، واقعیت تلخ موجود در زندانهای جمهوری اسلامی است.
- برای از سن بردن آن باید مبارزه را ادا مدها دوستان پرتوان توده ها زحمتکارهای اسارت را پاره کرد!

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست